

بنام ویدی برافروزا

آموزشهای آشور زشت

ترجمه تألیف

روانشاد و رشید شمر و ان

در سال ۱۳۶۱ خورشیدی

بنامیت اولین سالگرد گذشت

شاد و ان استاد شمر و ان

چاپ

از پیشگاه ۱۳۶۴



بنام ویاری اهورامزدا

آموزشهای آشوررتشت

ترجمه و تألیف

روانشاد رشید شمردان

در سال ۱۳۱۱ خورشیدی

بمناسبت اولین سالگرد درگذشت

شادروان استاد شمردان

چاپ

ارديبهشت ماه ۱۳۶۴

این کتاب به مناسبت اولین سالگرد
درگذشت روانشاد استاد رشیدشهمردان
از سوی چاپخانه راستی وبه کوشش دکتر
جهانگیراشیدری تقدیم می گردد .
علاوه از متن اصلی آموزش های زرتشت
نوشته آن روانشاد ، آغاز و دیباچه و
پیشینه بخشی از خدمات فرهنگی ، دینی ،
مطبوعاتی و پژوهش های تاریخی ، میهنی
و اجتماعی وی افزوده شده و بطور کلی
به عنوان "یادنامه" چاپ و انتشار
می یابد .

۱۳۶۴/۲/۳۱ خورشیدی

چاپ راستی - تهران



شادروان استا و شمردان

الف

آغاز

در آغاز نام خدائی نکوست
که آغاز و انجام هر چیز از اوست
دل مردم از مهر آباد کرد
جهان را ز نیروی آن شاد کرد
خرد را با و رنگ سرجای داد
ز گوش و ز دیده بر آن در گشاد
زمان آمده گنج سر را کلید
شود ارزش گنج ، از آن پدید
کنون آنچه در گنج انباشتم
نهالی که در باغ دل کاشتم
نمایم ترا میوه و گوهرم
بد آنچه نهفته بتو بسپرم
بود کز بزرگی سخن پروران
پذیرند از من سبک ارمان

ب

ببخشند بیچاره درویش را

سبک مایه ، سست اندیش را

نباشد مرا جز به یزدان نیاز

پژوهش کنم هم از او برگ و ساز

خدایا دهم کار و کردار نیک

هم اندیشه نیک و گفتار نیک

خدایا چنان ساز کاین داستان

شوم گرم از آتش باستان

که یاد آرد این نامه ز ایران زمین

ز آئین نیک و ره راستین

(ماه فوریه ۱۹۰۷ م برابر محرم ۱۳۲۵ هـ)

(از ص ۲۱ پورنداخت نامه پورداود برداشته شد)

پ

دیباچه

کتابی که از نظر تان می گذرد شامل آموزش های زرتشت و به کلامی دیگر چکیده ای است از گات ها و سرودهای اشوزرتشت که به همت روانشاد رشیدشهمردان از مراجع و مآخذ متعدد به فارسی برگردانده شده در سال ۱۳۱۱ خورشیدی به زیور چاپ آراسته گردید و در شمار گرانبها ترین آثار آن بزرگ مرد درآمد.

مؤلف دانشمندی که در ترجمه و تدوین این کتاب چندین اثر را مطالعه نموده و ترجمه های مختلف را با یکدیگر مقایسه نموده و حتی قبل از چاپ آنرا از نظرشادروان دینشاه ایرانی سلیسیتر و استاد ارجمند روانشاد پورداد و همچنین میرزا عباسقلی ادبی مدیر مدرسه ایرانیا ن بمبئی گذرانده هریک از استاتید در تصحیح و تکمیل متن وی را یار بوده اند آرزو داشت ، اثرش پس از گذشت چند دهه با ردیگر به چاپ رسد . ولی عمرش کفاف نداد و دریغا که از این جهان خاکی رخت بربست .

دوست ادب دوست او ، آقای کیخسرو خسرویانی راستی ، که عمری است در بسط فرهنگ کوشاست بسبب آشنائی نزدیک با آن استاد قصد دارد آرزوی وی را جامه عمل پوشاند و از من خواست اثر وی را با حواشی و اضافات آماده چاپ سازم تا هم ییادی

از مردی وارسته شده باشد هم حق خدمتگذاران بجا آورده شده و هم آنکه زرتشتیان، به ویژه نوجوانان، در جریان تعلیمات گات ها و اشو زرتشت قرار گیرند.

این دیباچه کوتاه پاسخگوی خدمات هفتادساله رشید نخواهد بود ولی کلید راهنمایی است برای آنچه در صفحات بعد خواهد آمد، دربرگیرنده: سرآغاز به خامه نوانای دینشاه ایرانی، مقدمه کوتاهی به قلم رشید، متن تعلیمات گات ها به زبان ساده و بالاخره شرح بخشی از کارها و خدمات مطبوعاتی رشید و روزهای پایان زندگی سراسر پر بار و شمرش که نتیجه پژوهش ها و مطالعات آن را درمرد به شمار می رود. روانشاد رشید به ظاهر در این دنیای فانی نیست اما آثار و نوشته هایش همواره در صفحات کتب و مجلات و روزنامه ها پایدار و در گوشه و کنار و در دل قفسه های کتابخانه های عمومی و شخصی پابرجاست. فروهرگرامی و روان وی شادباد. امید آنکه برابر آرزوی وی جوانان به پیروی استاد با پژوهش عالمانه نکات ناشناخته و تاریک امر را با فروغ دانش معرفی و روشن سازند.

همین دو روز پیش نامه دستنویس پیک فیروزه در اختیارم

گذاشته شد و در شماره دوم سال ۱۳۶۰ (سه سال پیش از درگذشتش) شرحی دربارهٔ رشید با عکس نورانی دیده شد که در یغم آمد از آن بگذرم :

" این رشید شهردان است که با لباس و کلاهی سپید در اجتماعات زرتشتی و بویژه اجتماعات دینی ظاهر میشود و موهای سپیدش گویای عمری تلاش و کوشش در راه دین و راستی و درستی است ."

پس از بر شمردن تاء لیفات و سرگذشتش (که جداگانه و مفصل خواهد آمد) چنین نوشته است :

رشید شهردان ، پس از گذشت ۷۶ سال (زایش ۱۵ فروردین ۱۲۸۴- درگذشت ۲۱ آذر ۱۳۶۲- البته موقع تنظیم این گزارش هنوز زنده بوده) از زندگی پربارش ، در کار و کوشش است که بتواند آثار دیگری برای جامعه بیاورد و بگذارد و ما امیدواریم در انجام اندیشه نیک خود کامیاب گردد ، و افراد جماعت و جوانان ، فروتنی ، راستی و پشت کا روی را سرمشق خود قرار دهند و کوشش در راه دین و دانش را از او فراگیرند ."

"ای اهورا مزدا ، بشود که نیکم در رشید شهردان در هر دو جهان از پاداش نیک ایزدی بهره مند گردد ." بفره و هوش درود و روانش شاد باد .

سر آغاز



گانه‌های مقدس سرودهای و خشور ایران اشو زرتشت سپیتمان
قدیم‌ترین و مهم‌ترین قسمت اوستاست که از دیرزمانی بدست ما
گانه‌ها و تعلیمات رسیده و گذشته از اینکه از نقطه نظر مذهب باید
اخلاقی آن آنرا پایه آئین مزدیسنا و اساس کیش زرتشت
دانست بعلاوه يك مجموعه کامل و مفیدی است که تعالیم اخلاقی
آن ما را یاد آور تمدن دیرین و روحیات ایران پیشین میسازد

گانه‌ها نخستین کتاب مقدسی است که از چندین هزار سال پیش
بشر را بشاهراء وحدت راهنمائی نموده و برضد گروه پروردگاران
اریائی آئین مزدیسنا را استوار ساخت در سراسر
یکتا پرستی
اوستا خداوند یگانه اهورا مزدا (سرور دانا)

نامیده شده است و در گانه‌ها مکرراً مزدا و اهورا جدا گانه استعمال
شده و در یشتها و سایر قطعات اوستا غالباً باهم آمده است و در
همه جا آنرا آفریننده موجودات، خداوند قادر مقدس، از همه

چیز آگاه و جاودان دانسته اند که مقامش در اعلیٰ علین در محل نور و بارگاه پر فروغ و جلالی است که در اوستا آنرا گروتمان میخوانند و محل پاکان و راستان میدانند

بطوریکه گفتیم درگاهها اهورا مزدا آفریننده کل و مرکز دایره وجود دانسته شده است

«از تو میپرسم ای اهورا مزدا براسی مرا آگاه فرما کیست نگهدار این زمین در پائین و سپهر (در بالا)، کیست آفریننده آب و گیاه کیست که بیاد و ابر تندروی آموخت کیست ای مزدا آفریننده منش پاک کیست آفریننده روشنائی سودبخش و تاریکی کیست آفریننده خواب خوشی بخش و بیداری کیست آفریننده بامداد و نیمروز و شب» (۱)

و در قطعات بعد میفرماید

«همه اینها را مزدا اهورا از قدرت خویش آفریده» (۲)
 «من میشناسم آن کسی را که ستایشش از روی راستی برایم بهترین چیز است آن کس مزدا اهوراست (وامشاسپندانش) که بوده و هستند من میخواهم از آنان اسم برده بستانم و باسرود نیایش بآنان نزدیک شوم» (۳)

در تعلیمات اشو زرتشت مقصود از خلقت و نتیجه از زندگانی این
 است تا هر فردی در آبادی جهان و شادمانی جهانیان کوشیده
 خود را بوسیله پندار و کردار و گفتار نیک قابل
 مقصود زندگی
 عروج بعالم روحانی و رسیدن باوج کمال و سعادت
 جاودانی نماید

اشو زرتشت تعلیم میدهد: ما باید قوای خود را صرف خدمت
 و سعادت دیگران نمائیم و موجبات آسایش آنان را فراهم آوریم
 تا بتوانیم جهان و جهانیان را سعادتمند سازیم اولین وسیله این کار
 و نخستین مرحله این راه این است که خود را بشناسیم و بنفس
 خود معرفت کامل حاصل نمائیم تا بتوانیم در میان دیگران یک
 سلطنت روحانی تشکیل دهیم زیرا ما پرتوی هستیم از آن فروغ
 بی پایان و نشانه ای میباشیم از آن حقیقت جاودان و چون در
 حقیقت وجود خود دقت نمائیم و باسرار مکنون خود پی بریم برده
 دویی و حجاب جهل از پیش چشم ما برداشته خواهد شد و باسرار
 و حقایقی پی خواهیم برد که «خرد را در آن جایگاه راه نیست»
 از اینجاست که علمای حکمت وجود انسانی را عالم صغیر میخوانند
 و بسا اسرار لاینحل در آن موجود میدانند و عقیده دارند:

بحر علمی در نمی پنهان شده در سه گز تن عالمی پنهان شده

این است که اشو زرتشت تعلیم میدهد روحی که در ابدان بشری ساکن است از مرکز حقیقت صادر گردیده و پرتوی است مقدس و جاودانی که از عالم بالا نازل و در اجسام ظاهری ساکن شده و این جهان فانی و سرای سپنج نشانه ایست از عالم روحانی و ملکوت جاودانی ایزدی. بهمین ملاحظه است که مزدیسنا بجهان مادی بنظر حقارت ننگریسته (۱) و مانند سایر ادیان پیروان خود را از دلبستگی بجهان و عیش و عشرت و زندگانی مجلل باز نداشته زیرا همانطور که انسان دارای جسم و روح است باید از خوشی و شادمانی جسمانی و روحانی نیز بهره مند باشد، درگاهها مکرراً باین مطلب اشاره شده (۲) چنانکه خود اشو زرتشت در نخستین قطعه از یسنا ۴۳ مایل است بوسیله آرمئیتی بهره از توانگری و سودی از زندگانی پاك منشی که اشاره بسعادت مادی و معنوی است باو بخشیده شود و نیز در یسنا ۳۴ قطعه ۶ و ۱۴ از مزدا و اشاو و هومن کمال و کامیابی جهان خاکی را خواستار است، زرتشت تنها بفلسفه و تعلیم روحانی اکتفا ننموده بلکه کاملاً طرفدار خوشی و سعادت بشر و زندگانی اجتماعی است و بهمین مناسبت از گوشه گیری و انزوا متنفر است در یسنا ۳۱ قطعه ۱۰ از زندگانی

(۱) رجوع شود به فروردین یشت فقره ۹

(۲) یسنا ۳۰ قطه ۱۱ و یسنا ۳۳ قطه ۱۰



چادر نشینی هم مذمت مینماید بنا بر این بیجا نیست اگر زرتشیان عقیده داشته باشند «(زرتشت) کسی است که برای سعادت جهان خاکی بماراه راست بنمود و برای رستگاری در عالم معنوی بسوی آفریدگار حقیقی (اهورا مزدا) دلالت نمود» (۱) از همین جهت است که در مزدیسنا از سراسر آفرینش نیک قدر دانی شده و بخورشید، ماه، ستارگان، کوهها، چمنها، گیاهها، چارپایان و آبها درود فرستاده شده و در یسنا ۲ فقره ۴ میگوید «همه چیزهای نیک و زیبا را میستائیم» (۲)

اشو زرتشت تعلیم میدهد که مرکز جمیع کائنات و مبداء تمام موجودات اهورا مزدای قادر مطلق است اراده او لنگر عظیمی است که کشتی حیات بشری را در میان امواج مرکز دریای طوفانی زندگانی نگاهداشته است و «هر دو عالم نیک فروغ روی اوست»

در نهاد هر نیک از افراد بشر چه زن و چه مرد چه غنی و چه فقیر ذره از انوار خورشید ایزدی ساکن است و آن پر تو خدائی را بهر اسمی که بخوانید خواه روح خواه وجدان یا روح ذره مینوی القدس یا هوش و یا عقل پر توی است مینوی که در

(۱) یسنا ۴۳ قطعه ۳

(۲) رجوع شود به فروردین یشت فقره ۱۰ و ۱۴ و ۱۶؛ هفتن یشت بزرگ کرده ۳ فقره ۱ و کرده ۸ فقره ۳۰، ۲۰۱

وجود ما بودیعه نهاده شده و سبب عمده ترقی و کمال ماست و قوه فایقه ایست که از مبداء اصلی خود جدا شده و برای مدت محدود و معینی در عالم سفلی در ابدان خاکی ما منزل گزیده است این قوه ایست که ما را بدرجات عالیه ارتقا داده و از حالت حیوانی و انسانی بعالم فرشتگان میرساند

اشو زرتشت برای اشخاص معمولی که کمتر از حقایق آگاه میباشند يك دستور ساده و سهل الفهم آورده که در فهم آن محتاج هیچگونه معاونت خارجی نخواهند شد و آن تعلیم ساده و ساده ترین تعلیم مختصری است که در سه کلمه اساسی و اصول مذهب زرتشت هومت، هوخت، هورشت (پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک) محتوی است این سه کلمه بحدی در اوستا دارای اهمیت و مقدس است که اهورا مزدا هیچ سعادت را برای زرتشت بهتر از این نمیداند که در آبان یشت کرده ۵ فقره ۱۸ میفرماید: «من پوروشسب زرتشت اشورا هماره بر آن دارم که از اندیشه نیک و گفتار نیک و کردار نیک بهره مند گردد» روان شخص بوسیله این سه صفت از آسایش جاودانی و نعمت ایزدی برخوردار میگردد و در واقع این سه کلمه اندیشه و گفتار و کردار نیک ارکان مهم بنای روحانیت میباشد که شخص را از جمیع رذایل و قبایح دور

ساخته و بعالم حقیقت نزدیک میسازد چنانکه در اوستا آمده است
اگر شخصی بخواهد وجدان را پاک نماید هیچ غسلی مفید واقع
نکرد جز آنکه بوسیله این سه کلمه جمیع مفاصد اخلاقی را از
خود دور سازد

زرتشت در تبلیغ این تعلیم ساده از برای عامه ناس اکتفا ننموده
بلکه از برای کسانی که در درجه عالتر واقع میباشند دستور
کاملتری آورده و فهم آن نزد کسانی که از فلسفه
دستور برای دانایان عالی مز دیسنا و حقایق ایزدی بی اطلاع میباشند
مشکل بلکه محال خواهد بود و آن فلسفه عالی و مهم شش امشاسپند
است که راه سعادت حقیقی را بمانشان داده و بشاهراه حقیقت
دلاله میکند اشوزرتشت میفرماید اهورامزدا یکتای دارای
شش صفات است و آنها را شش امشاسپند نام نهاده که بمعنی
« مقدس جاودانی » است از اینقرار :

اشا و هیشتا ، راستی و درستی و پیشرفت عالم کائنات

وهومنو ، نهاد پاک

وهو خشترا ، اقتدار مقدس و سلطنت آسمانی

سپنتا آرمیتی ، عشق و محبت و تواضع و اطاعت بخدا و بخلق

هروئات ، کمال در این جهان

امرات ، جاودانی و بیمرکی

مطابق تعلیمات زرتشت هر يك از ما مرد و زن چه غنی و چه فقیر باید از این شش امشاسپند و صفات ایزدی بهره مند بوده و آنها را در ضمیر خود پرورش دهیم تا بوسیله آن سعادت خود و دیگران را تأمین نمائیم چنین شخصی در این جهان باوج کمال رسیده و در عالم دیگر رستگار خواهد گشت

اشو زرتشت میفرماید اولین صفات اهورا مزدا صفت راستی و درستی «اشا وهیشتا» است که معنی آن بسیار مفصل میباشد و یکی از معانی متعددش قانون تغییر نا پذیر و جاودانی اشا وهیشتا است که نه فقط زندگانی بشر بلکه جمیع کائنات را بسوی يك مقصد کلی میکشاند و در واقع معنی نمو و ارتقاء موجودات و سیر کائنات مطابق قانون طبیعت بطرف کمال در کله اشا وهیشتا جمع است

بهره را که ما میتوانیم از اشا وهیشتا داشته باشیم صفت مقدس راستی و درستی است اشو زرتشت غالباً در گاتها مذهب خود را آئین راستی میخواند چنانکه در یسنا ۹۴ قطه ۳ راستی میفرماید «ای مزدا پایه آئین ما بروی راستی نهاده شده از این جهت سود بخش است پایه مذهب غلط بروی دروغ قرار

گرفته از این سبب زیان آور است برای این است که میخوام
مردم بمنش پاك ملحق شوند و همه ارتباط خود را با دروغ
پرستاران قطع کنند»

بسا در گاهها نام اهورا مزدا باراستی باهم ذکر شده یا آنکه از راستی
خداوند اراده شده است فیلسوف یونانی فیثاغورث میگوید «برطبق
تعلیمات زرتشت (مغ) خداوند باراستی یکسان است» چنانکه در
یسنا ۲۸ قطعه ۵ میفرماید، ای راستی کی بتو خواهیم رسید
و در یسنا ۲۹ قطعه ۷ آمده «این سرودهای ستایش از مزدا
اهورائی است که اراده اش باراستی یکسان است» و نیز در یسنا ۲۸
قطعه ۷ زرتشت از راستی شکوه منش پاك میطلبد و در قطعه ۸
همین یسنا اهورا مزدا را باراستی هم اراده میداند و در یسنا ۵۰
قطعه ۱۰ نام مزدا باراستی مترادف ذکر شده است.

دومین صفت ایزدی که ما باید از آن بهره مند باشیم صفت
مقدس و هومن یعنی منش پاك است که ما بوسیله آن دارای ضمیر
تا بناك گردیده میتوانیم دیگران را نیز از پرتو
و هومن آن منور گردانیده بشاهراه سعادت رهبری
و دلالت نمائیم و هومن درگاهها دارای مقام عالی و مقدس است
و در یشتها و سایر اوستا در سر امشاسپندان جای دارد و آن را

نخستین آفریده اهورا مزدا دانسته اند که در جهان روحانی مظهر منش پاك و اندیشه نيك و حکمت و دانش میباشد و درگاهها اشو زرتشت بوسیله و هومن از معرفت ایزدی بهره مند میگردد (۱) و خواستار است پیش از همه چیز و هومن و روان آفرینش را از خود خوشنود گرداند (۲)

بهین سبب و مطابق همین نظریه است که تربیت عمومی و تحصیل علم و هنر که از لوازم اولیه پرورش هوش فطری است در دیانت مزدیسنا یکی از فرایض مذهبی شمرده شده و در این باب تأکید زیاد کرده اند، چنین شخصی که هوش فطری و اکتسایش در تحت قواعد فوق پرورش یابد از هیچگونه شداید و عوارض طبیعت منقلب نگشته و تغییری در حالش ظاهر نخواهد شد و کوه سقامتش در مقابل تند باد حوادث نخواهد جنبید بر عکس کسی که از این نعمت ایزدی و سعادت نامتناهی بی بهره بوده چون نئی ضعیف از اندك وزش باد سرفروود آورده از جائی بجائی رانده گردد

این دو صفت ایزدی که راستی و منش پاك باشد یگانه عامل قوی ترقی انفرادی و اجتماعی هیئت جامعه انسانیست و هنگامیکه این دو صفت با تمام مزایای خود در انسان ظاهر گشت و پندار

و گفتار و کردار شخص مطابق قوانین راستی و درستی از پرتو انوار دانش منور گردید آنگاه نتایج این دو قوه بزرگ بدیگران نیز اثر نموده و عالم را از اثرات خود آباد و عالمیان را شاد میسازد و بهشت با همه نعماتش در جهان خاکی ظاهر میگردد

سوّمین صفت ایزدی خشتر است که معنی آن اقتدار و قوه رحمانی و سلطنت آسمانی است، شاید بعضی گمان کنند این صفت در زندگانی اجتماعی بشر و جهان مادی چه نتیجه خشتر خواهد بخشید و ما را با اقتدار رحمانی و سلطنت آسمانی چه کار. خشتر نیز، مانند سایر صفات اهورامزدا دارای معانی متعدد است و یکی از آنها که عمل بآن از لوازم حیات اجتماعی بشری است « بکار انداختن جمیع قوای انسانی بدون غرض » میباشد که هر مرد و زن در جهان برای ادامه زندگانی خود مطابق قوانین انسانیت و شرافت ناچار از قبول آن است

تمام امور زندگانی از اعمال زراعتگران در مزارع گرفته تا فرمانفرمائی سلاطین بر تخت سلطنت باید در تحت این عقیده و باین صفت ایزدی متصف باشند هر کس باید در حدود قوه خود بدون هیچگونه غرض قوای خود را در خدمت به سعادت دیگران صرف

کند زراعتگر نسبت بخانواده مختصر خود و سلطان نسبت برعایا و ملت خویش . اینک باید فکر کرد اگر مطابق این دستور اشو زرتشت جمیع بشر از شاه تا گدا دارای این صفت ایزدی شده و قوای خود را برای خیر و سلامتی دیگران صمیمانه بکار اندازند نتیجه چه خواهد شد؟ عدل کل مستقر میگردد، غم و اندوه از جهان معدوم میگردد، جمیع در تحت يك لوا و بيك عقیده در مساعدت و معاونت یکدیگر شريك خواهند شد، حقیقت برادری و برابری که قرنهایست بشر بجهتجوی آن خود را خسته کرده بآتمام معنی در عالم ظاهر گردیده، سلطنت آسمانی خسترا و اقتدار وقوه رحمانی آن در عالم خاك بدست ما پایدار و برقرار خواهد شد .

شوکت و عظمت ایران قدیم و اقتدار سلاطین عظیم الشان هخامنشی تمام در تحت تأثیر این عقیده و مطابق این دستور و خشور ایران بوده است . چنانکه کورش با آهمه اقتدار و قدرت فوق العاده که عالم آنروز را متزلزل ساخته بود چون بابل را فتح نمود همه خزاین غارت شده بنی اسرائیل را بمعبدیت المقدس برگردانید (۱) و یهودیان را از اسارت و پریشانی نجات داد حتی فرمان داد معبد خراب ایشان را تعمیر نمایند (۲)

(۱) رجوع شود به تورات کتاب عزرا باب ۶ آیه ۵

(۲) رجوع شود به تورات کتاب عزرا باب ۶ آیه ۳

چهارمین صفت ایزدی که هر کس باید آنرا حاصل نماید
سپنتا آرمیتی، روح عشق و محبت و تواضع و اطاعت است، معنی
آرمیتی، آرمیتی اطاعت بخداوند و يك محبت و حس خیر
عشق و محبت خواهی است که باید در ضمیر هر کس موجود
باشد متأسفانه ما از آن جوهر مقدس ایزدی که در اعماق قلوبمان
مخفی است بیخبریم.

عشق مجازی نیز جلوه ایست که از طلوع خورشید خبر میدهد
محبت پدر بفرزند و محبت فرزند بوالدین و عشق مرد جوان
بمعشوقه اش و عشق زن بشوهر همه جزء همین عشق محسوب میشود
بشرط آنکه سر آغاز يك محبت عمومی گردیده و دایره آن وسعت
یابد و الا برای نفع عموم بی نتیجه خواهد ماند درگاهها سپنتا آرمیتی
روح عشق و محبت اینطور تعریف شده که باغیرت و هیجان برای
ترقی عموم میکوشد و عشق و محبت او شامل حال جمیع ابناء بشر حتی
گناهکاران خواهد گردید در واقع این صفت خود به تنهایی جامع
جمیع محسنات اخلاقی بوده بهترین راهنما بسوی سعادت است. زیرا
مطابق این عقیده خدمت و شرکت در امور اجتماعی و مساعدت و کمک
بهر کس یکی از فرایض انسان است و از اینرو است که ترویج زراعت
و کمک بزراعتگران یکی از سفارشهای دیانت مزدیسنا میباشد

پس از آنکه شخص این چهار صفت ایزدی را تحصیل نمود آنگاه
 بحد کمال رسیده و اشوزرتشت این مقام را نعمت و بخشایش هروتات
 هروتات مینامد، در این مقام سعادت و بهروزی بدون
 سعادت و کمال آنکه ما در طلب آن خود را رنجه داریم بما
 روی خواهد نمود و همای سعادت بر سر ما سایه افکن خواهد گردید
 در این مقام کالات روحانی و معنوی بدون کمال جسمانی و مادی
 ناقص میباشد بنا بر این صحت جسمانی بوسیله هروتات بماءطامیگردد
 بهمین مناسبت حفظ الصحه نیز یکی از وظایف مذهبی زرتشتیان
 میباشد و نه فقط حفظ صحت وجود خود بلکه حفظ الصحه دهها
 و شهرها و ممالك نیز بعهد ماست زیرا چنانکه گفتیم باید محبت ما
 عام باشد و شامل جمیع نوع انسان گردد.

شواهد بسیاری راجع بحفظ الصحه در کتب قدیم زرتشتیان
 موجود است بطوریکه میتوان منشاء همه افکار و عقاید جدید را
 امرتات راجع بحفظ الصحه در معانی هروتات یافت پس شخص
 نجات و جاودانی چون این مراحل را طی نمود و به این مقام مقدس
 رسید خود را از عالم بشریت ترقی داده و بقول تنیسن Tennyson
 انگلیسی « هنگامیکه از پل میگذرد با خدای خود رو برو خواهد
 گشت » آنوقت است که از نعمت امرتات یعنی جاودانی و بیمرکی

بهره مند میگردد پس چنین شخصی زندگانی خود را به بهترین طور
 بانجام رسانیده و در سر انجام عمر طبیعی در حالیکه مقصود از
 خلقت خود را دانسته و در طی زندگانی بوظایف خود عمل نموده
 بالاخره مبداء و مقصد خود را نیز یافته است بوطن اصلی خود
 بازگشت مینماید همان مکان مقدسی که اشو زرتشت آرا بمکان سرود
 (گروتمان) و مملکت نور تعبیر فرموده و آنجا را مقام اهورا مزدا
 و امشاسپندان و جای فروهر راستان و اشوان دانسته است

دینشاه جي جي باهای ایرانی سلیسیتر

دایره کمال

۱

صفت اشا و حشا

راستی درستی نظم و ترتیب قانون تغییر ناپذیر
و عمومی راستی قانون سیر ترقی
ترقی و پیشرفت عالم کایات

صفت و هویت
خداوندی و
عمومی و
صفت و هویت
خداوندی و
عمومی و

صفت و هویت
خداوندی و
عمومی و
صفت و هویت
خداوندی و
عمومی و

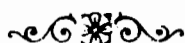
صفت و هویت
خداوندی و
عمومی و
صفت و هویت
خداوندی و
عمومی و

صفت و هویت
خداوندی و
عمومی و
صفت و هویت
خداوندی و
عمومی و

صفت و هویت
خداوندی و
عمومی و
صفت و هویت
خداوندی و
عمومی و

صفت و هویت
خداوندی و
عمومی و
صفت و هویت
خداوندی و
عمومی و

تعلیمات زرتشت



مقدمه

خوشبختانه در طی این چند سال اخیر یعنی پس از انتشار گاتها که ترجمه فاضل معروف آقای پور داود است در ایران (بر خلاف سابق) هر کسی جویای تعلیمات اخلاقی و تاریخ زرتشت و خشور و ادبیات مملکت کهن میباشد این جنبش ایرانیان و افتخار آنان به پیغمبر قدیم خود حضرت آقای دینشاه ایرانی سلیسیتز رئیس انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی را بر آن داشت که با همراهی انجمن مذکور و ایران لیگ یش از یش در انتشار حقایق آئین مزدیسنا طبع و نشر کتب در آن موضوع بذل همت نمایند

اصلاً گاتها اساس آئین مزدیسنا و از سخنان خود پیغمبر و یک مجموعه کاملی از تعالیم اخلاقی و فلسفی و روحانی او میباشد سراسر مندرجاتش از موهومات مذهبی و خوارق عادات پوسیده دروغ بری و منزله بلکه میتوان گفت یگانه کتابی است که در عهد قدیم بر ضد موهومات جنگ کرده و شالوده مذهب را بر پایه عقل و قضاوت طبیعی گذارده است

با وجودیکه گاتها بغالب السنه اروپائی ترجمه و طبع و نشر یافته است، چون مندرجات آنها فلسفی و درك معانی آن نیز چنانکه لزوم خود پیغمبر در قطعه ۳ از یسنای ۳۱ اشاره ترجمه آزاد میفرماید خالی از اشکال نیست و فقط دانایان میتوانند بکنه مقصود او پی برند بنا بر این تنها توجه و دقت گروه مستشرقین و علما بدان جلب گشته آنرا موضوع بحث و تحقیق بین خود قرار داده اند

عموم افراد از برای درك حقایق آئین مزدیسنا و اصول مهم تعلیمات زرتشت محتاج ترجمه آزاد و یا تفسیر آن میباشند از برای این مقصود آقای دینشاه ایرانی مجموعه مختصری از تعبیرات و تفسیر گاتها را موسوم به «سرودهای رحمانی زرتشت The Divine Songs of Zarathustra» تدوین و آنرا با يك سر آغازی که فیلسوف معروف هند رابیندر نات تاگور Rabindranath Tagore برای آن نوشته بود در سال ۱۹۲۴ میلادی در لندن انتشار داد

کتاب مذکور پس از انتشار توجه عموم را بخود جلب نمود و خواستاران زیادی پیدا کرد، مخصوصاً باعث بسی تقدیر و تمجید گروه مزداسنان یا مزد زنان Mazdaznan اروپا و امریکا واقع شد

و چنان معروفیت پیدا کرد که اینک که بیش از هفت سال از انتشار آن نمیگذرد چندین نفر از فضلا آنرا بزبان ملی خود ترجمه و در صد انتشار آن اند

و بهمین مناسبت است که نگارنده هم پس از کسب اجازه از فاضل معظم له آنرا بفارسی ترجمه و بمعرض استفاده هموطنان خود اساس ترجمه میگذارد سرود های رحمانی زرتشت که اساس این کتاب ترجمه می باشد عبارتست از تفسیر و تعبیراتی که از هر قطعه گاتها استنباط میشود و گاهی تعبیرات دوسه قطعه در یکجا نگاشته شده است نگارنده در حین ترجمه اغلب قطعات را با سایر ترجمه ها نیز تطبیق کرده و مخصوصاً از گاتهای آقای پور داود و دکتر میلز انگلیسی Dr. Mills و گتری امریکائی Guthrie استفاده زیادی برده ام برای سهولت خوانندگان در فهم معانی مندرجات آن، ما مقصود و خشور ایران را در هر قطعه ای جدا گانه در سطری بالای آن مینگاریم و نیز برای هر یسنا یا فصل مقدمه ای نوشته ایم که آن مقدمه بطور اختصار بیان میکند موضوعی را که فصل مزبور از آن صحبت میدارد

نکته مهمی را که خوانندگان محترم باید در نظر داشته باشند این است که نباید این نامه كوچك را جزء گاتها پنداشته عین سخنان

اشو زرتشت تصور نمایند بلکه چنانکه از عنوان آن معلوم است عبارتست از تعلیماتی که پیغمبر ایران بمردم تعلیم داده است هر کس خواسته باشد از عین سخنان و خشور کهن اطلاع حاصل نماید باید بکتاب گاتها تألیف و ترجمه آقای پور داود رجوع کند زیرا آن ترجمه بعلاوه آنکه تحت اللفظی است دارای سندیت نیز میباشد

در انجام مقال موقع را مغتنم شمرده از آقای پور داود و آقای میرزا عباسقلی ادبی مدیر مدرسه ایرانیان بمبئی اظهار امتنان و تشکر مینمایم که بادقت مخصوصی این نامه را قبل از طبع ملاحظه فرموده و در تصحیح آن کوشیده اند

بمبئی ۲ اسفند ۱۳۱۰

رشید شهردان

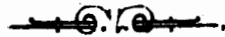
اهنود گات

یسنای ۲۸

یسنای ۲۸ اولین فصل گاتها، که بمنزله مقدمه کتاب مقدس است عبارت از سرودهایست که پیغمبر ایران برای عبادت اهورامزدا ترتیب داده است این سرودها نماینده غایت آمال زندگانی و بجدی دارای تعلیمات بلند اخلاقی است که انسان تصور آن را میتواند بکند

حضرت زرتشت در این سرودها نشان میدهد که چه چیز را همواره باید از اهو را مزدا خواستار بود و تخم کدام آمال و آرزویی را در دل خویش باید کاشت و چه چیز زندگانی انسانی را در این جهان خوش و خرم میسازد خود پیغمبر در نخستین قطعه همین فصل برای دادن سرمشق خوبی به پیروان خود از پروردگار خویش دو چیز شریفی را خواستار است که بوی ارزانی شود و این دو چیز را برای

رفاهیت و خوشی خویش نمیخواهد بلکه برای آن میخواهد که
 بتوسط آن جهان را خوش و خرم ساخته بسوی کمال سیر دهد آن
 دو چیز عبارت است از دولت راستی و فروغ ضمیر پاک چیزیکه
 فقط بوسیله آن جهانیان زندگانی را بخوشی و خرمی پایان توانند برد
 زیرا که هرگاه دیو دروغ میدان را خالی کند و فرشته راستی جای
 آن را بگیرد هیچکس در زحمت و صدمه نبوده خوش و خرم
 خواهند بود و جهان مادی نمونه بهشت برین خواهد گشت



یسنا ۲۸-۱

با راستی و ضمیر پاك جهان را آباد میتوان کرد (عبادت
شریف زرتشت)

پروردگارا ستایش میکنم تو را با قلبی پر از خشوع و خضوع
و با دستهای بلند شده بسوی تو
ای روح رحیم نامرئی در این ساعت خوش زندگی بمن عطا
فرمای درستی اعمال و حکمت ضمیر پاك که بدان وسیله بتوانم
روح آفرینش را از خود خوشنود سازم

۲۸-۲

تقرب باهورا مزدا و نیل بفیض دو موهبت یزدانی یعنی کمال
و جاودانی فقط بتوسط راستی و ضمیر پاك میسر است

ای آفریدگار دانا بوسیله تأثیر ضمیر پاك بفیض حضورت نایل
خواهم شد

ای اهورا مزدا پاداش هر دو زندگانی مادی و معنوی که
تخصیلتش فقط بوسیله راستی است بمن احسان فرمای پاداشی
که خوشی و خرمی بمؤمنین میدبخشد

۳-۲۸

اهورا مزدا و راستی و ضمیر پاك را همواره باید بیاد داشت
تا در مواقع اشكال و سختی ها مارا كمك نمایند

ای اهورا مزدا برای ستایش تو وای اشا وای وهومن برای
ستایشتان و برای کثانی که آرمیتی نماینده عشق و محبت کشور زوال
ناپذیر آسمانی را برای آنان میآراید، خواهم سرود سرودهایی که
تاکنون سروده نشده است

پس سرودهایم بپذیرید و بیاریم بشتابید

۴-۲۸

بتوسط ضمیر پاك از فیض گروتمان و بتوسط راستی از فیض
مواهب ربانی مستفیض توان شد

بوسیله ضمیر پاك سیر پرواز روح را بگروتمان ادامه میدهم
و تا هنگامی مرا که قوه و تواناییست مردم را میآموزم که طریقه
راستی و درستی به پیمایند چه از پاداش خرمی بخش اهورا مزدا
برای کردار نيك آگاهم

۵-۲۸

راه راست را بتوسط راستی و ضمیر پاك حتی بدکاران میتوان نمود

ای اشا (راستی) که پر از حکمت و دانشی کی تو و وهومن
و بارگاه ذوالجلال و پیغمبر وی سروش را خواهم دید ،
ای قادر مطلق باسرودهای ستایش در لبانم بدکاران را
بسویت بر خواهم گرداند

۶-۲۸

با کمك راستی و ضمیر پاك بر دشمنان غالب میتوان شد

بیا بیا ای روح جاوید زندگانی بیا بوسیله ضمیر پاك بیا
با بخششهایت برای راستی و درستی
بروردگارا عطا فرما بزرگداشت برای سخنان راست و پاکش
مدد فرخنده ات تا بدان وسیله بتوانیم بر نا درستی و بدکاران
غالب گردیم

۷-۲۸

بموسط راستی ، فروغ منش پاك را بدست ميتوان آورد

ای اشای راستی عطا فرمای بمن نعمتی را که ثمره ضمیر پاك
است. ای آرمیتی نماینده عشق و غیرت نائل فرمای مرا و گشتاسپ
را به آمال و آرزوهای پاك و بی آلایشان
ای مزدا سلطان من بوسیله ذکر کردن کلمات مقدس وحی تو
میتوانم که پیک سرور بخشش را بجهانیان بفهمانم

۸-۲۸

زرتشت بهترین چیز یعنی دولت منش نیک و فروغ ضمیر پاك را
برای خود و فروشتر از اهورا مزدا طالب است

ای بهترین دوست و دارنده پاکترین ضمیر و خالص ترین راستی
از تو نیک ترین نعمت را برای فروشتر نامدار و خودم درخواست
مینمایم و آرزومندم آن را در تمام مدتی که ضمیر پاك با مااست
بما ارزانی فرمائی

از اهورا مزدا و راستی و ضمیر پاك بايد منتظر لطف
و مهربانی بود

ای مزدا ما که همواره سرودهای ستایش را بتو نیاز میکنیم
و ما که پیوسته مورد لطف و مهربانی تو واقع شده ایم، هرگز تو
و راستی و ضمیر پاك را که موجد ازدیاد نعم جهانی میباشید از
خود ناخوشنود نمیگردانیم

اهورا مزدا آماں و آرزوی جهانیان را برای خیال نيك
و کردار نيك بر آورده میفرماید

چون ای مزدا پیروان راستی و ضمیر پاك قابل مراحم تو شده
و بآماں و آرزوی خود میرسند بخوبی میدانم که سرودهای تقدیم
شده نزد تو پذیرفته گردیده و این ستایشها اثرات نيك خود را
جلوه گر خواهد ساخت

۱۱-۲۸

بتوسط سرودهای گاتھا اشوزرشت راسقی و ضمیر پاك را تا ابد
 برای مردم محفوظ میدارد

بتوسط این سرودهای رحمانی، راسقی و ضمیر پاك را جاودان
 برای جهانیان محفوظ خواهم داشت
 پروردگارا برای توانا شدن در آگاه نمودن مردم، بیاموز مرا
 باروح خودت و با گفتار خودت اصول هستی این نخستین زندگانی را

یسنای ۲۹

این فصل در گاتها که دارای تعبیرات شاعرانه است مقام بسیار مهمی را داراست زیرا در همین فصل حضرت زرتشت از طرف اهورا مزدا بسمت رسالت برگزیده میشود تا جهان را از هرگونه نفوذ زشت و پلید پاک کرده، آسایش و آرامی در آن مقرر دارد. در این فصل عالم خلقت بروح آفرینش (گوشورون^(۱)) تعبیر شده که از ظلم و جور و فساد و خشم بتنگ آمده، بدرگاه اهورا مزدا شکایت برده و برای آسایش و صلح استغاثه مینماید که از اثر آن اهورا مزدا بطور شاعرانه با روح راستی تبادل افکار کرده و مشاوره مینمایند اما چون اهورا مزدا برترین مقام را داراست شخصاً شکایت و فریاد روح آفرینش را جواب میدهد جوابی که ظاهراً بکلی ویرا مأیوس میسازد اهورا مزدا میفرماید در جهان خاکی کسی نیست که بی بقانون ازلی برده و برطبق آن رفتار نماید و نیز او (اهورا مزدا) بهر يك از افراد انسانی سرمایه قوه

(۱) برای توضیح رجوع شود بگاتها تألیف و ترجمه آقای پور داود

تفکر عطا فرموده است که با آن سرمایه هر فردی مؤظف است
راه راست را سیر کرده از فیض کمال و خوشی جاودانی
مستفیض گردد و چون فقط زرتشت در جهان خاکی کسی است که
قانون ازلی را شناخته است لهذا او را برای رسالت و انتشار پیک
مقدس، مابین جهانیان برگزیده است

فغان و فریاد روح آفرینش باهورامزدا و شکایتش از
محیط فساد

خداوندگارا روح آفرینش نزد تو میخروشد و فریاد میکند
« برای که تو مرا آفریدی و که مرا بچنین حال انداخت . فساد
و خشم و تندی و غرور و زور مرا بتنگنا انداخته کسی نیست
که مرا محافظت نماید پس تو مرا نجات ده و بلك زندگانی خوش
و آرامی برایم مقرر فرمای »

اهورا مزدا بروح راستی دستور میدهد که رهنمائی برای نجات
جهان انتخاب کند

آنگاه خداوندگار اهورا مزدا بروح راستی فرمود
« تو کدام سرداری را برای جهان انتخاب مینمائی که یاور
و حکمرانش باشد و از روی عشق و خرد جهان را آباد و خرم
سازد و خشم و تندی را دور نموده ، سپاه بدی را از هم
بپاشد »

۳-۲۹

عجز روح راستی بدرگاه اهورا مزدا از عدم تعیین سردار نیک
قوی کسی است که راستی یاورش باشد

و روح راستی باهورا مزدا در یاسخ چنین گفت
« من هیچ سرداری که عالم را از دشمنانش محافظت نموده
و پناه آن باشد و کسی که بی باصول عالی تو برد نمیشناسم
مقتدر ترین ذبیحیات کسی است که من از اثر استغاثه اش بیداری
او بشتابم »

۴-۲۹

توکل روح راستی بدانش و خرد اهورا مزدا و واگذار
امر خود باو؟

خداوند آگاه است که چه کرداری از پیروان دروغ
و انسان فانی سرزده و چه از آنها سر خواهد زد
اهورا مزدا خداوندگار ما، عادل و داناست پس راضی شوید
آنچه را که اراده اش اقتضا فرماید بما وارد آید

استغاثه و التماس روح راستی و روح آفرینش از اهورا مزدا

چنین مادو - روح من و روح آفرینش با دستهای بلند شده
 اهورا مزدا را ستایش نموده و با التماس درخواست میمائیم که
 روا مدارد درستکاران مغلوب شده و از بدکاران بر نیکان غیور
 صدمه وارد آید

برگزیدن اهورا مزدا زرتشت را برای پیغمبری جهان

پس اهورا مزدا خداوند خرد و دانش چنین فرمود
 " چون هیچ سردار راستکار روحانی و یا جسمانی وجود ندارد
 لهذا من آفریدگار عالم، تو را ای زرتشت برای راهنمایی جهان و پیشوائی
 مردمان کوشایش برگزیدم که آنان را بسوی بهتری سوق دهی "

۷-۲۹

سؤال زرتشت از اهورامزدا از انتخاب سرور برای جهان

این سرودهای مقدس از سوی پروردگار دانا برای بهبودی جهان
و مردمان راستکارش نازل گردید پروردگاری که اراده اش با راستی
یکسان است

ای اهورا مزدا فی الواقع تو که را برگزیدی که بوسیله ضمیر
پاک فانیان را از این دو نعمت (کمال و جاودانی) آگاه ساخته
و بدان نایل گرداند

۸-۲۹

بخشیدن اهورا مزدا فصاحت و بلاغت سبحانی را زرتشت برای
انجام کار مهمش

اهورا مزدا چنین فرمود « فقط کسی که گفتار و امر مرا شنید
و مرا شناخت زرنشت سپنتمان است و اوست که برای خاطر راستی
میخواهد که پیام مقدس مرا آشکار سازد از اینرو گفتار دلپذیر باو
بخشیده شد »

۸-۲۹

شکایت روح آفرینش نزد اهورامزدا. (بهترین مثال از
فروتنی زرتشت)

از اینرو روح آفرینش خروشید « هنگامیکه در بحر اندوه
و پریشانی مستغرق بودم آواز ضعیف شخص ناتوانی بگوشم رسید که
برای یاری و معاونتم آمده بود در صورتی که من تقاضای سردار
مقتدری را نموده بودم

ای آفریدگار من در چه هنگام مرد مقتدری با قوه و اقتدار
نی نهایت بفریادم خواهد رسید »

۱۰-۲۹

درخواست زرتشت از اهورامزدا و روح راستی برای اقتدار
رحمانی و ضمیر پاک تا آسایش و صلح را در عالم حکمفرما سازد

ای اهورامزدا وای راستی عطا فرمائید بمن و پیروانم چنان
قوه و اقتدار رحمانی که با مدد ضمیر پاک خوشی و آسایشی که تو
ای خداوند من نخستین دارنده آنی بجهان ارزانی دارم

۱۱-۲۹

باراستی و ضمیر پاك و اقتدار رحمانی بانجام مقاصد مقدس
فائل توان شد

ای خداوند من در چه هنگام راستی و ضمیر پاك و سلطنت
 و اقتدار رحمانی بمن روی خواهند آورد
 پروردگارا برای انجام کار مهمی را که برعهده دارم مواهب
 مذکور را بمن عطا فرمای و همچنین ببخشای بما خادمان فداکارت
 مدد فرخنده‌ات را برای این مقصد بزرگ



یسنای ۳۰

چنانکه در فصل قبل مشاهده گردید پس از آنکه روح آفرینش از محیط فساد بتنگ آمده بدرگاه اهورامزدا روی آورده بنای استغاثه و شکایت را گذاشت زرتشت برای پیغمبری و رهائی جهان از چنگال نفوذ زشت و پلید برانگیخته شد پیغمبر در این فصل برسات خویش شروع و پیغام مزدا را بگوش جهانیان رسانیده اشکالات و مسائل سخت زندگانی را حل مینماید. علو مقام و آزادی خیال او را از مندرجات این فصل بخوبی میتوان دریافت اولاً پیغمبر هیچکس را مجبور نمیکند که کور کورانه اوامر را اطاعت کرده و او را پیروی کنند. انتخاب دین و آئین را در همان اول وهله بمستمعین خویش واگذار کرده و آزادی کامل بآنان میدهد، میفرماید فقط راستی را پیروی کنید تا نجات یابید و گمراه کسی است که خیال و گفتار و کردارش نیک نباشد دو اصل متضاد خوبی و بدی یعنی سپنتمانو و انگره مینو و اثرات آن غالب مندرجات این فصل را تشکیل میدهند زرتشت که از طرفی مردم

را آزاد گذاشته است از طرف دیگر دوراه راستی و دروغ را نشان داده میفرماید که دو اصل متضاد موجود نیستی و هستی اند و هر فردی از افراد مؤلف است که پیرو راستی باشد زیرا پیرو دروغ همیشه قلبش متزلزل و پریشان و برعکس پیرو راستی دارای نهادی روشن و قلبی موزون است زرتشت از برای نیکی و بدی بهشت و جهنم موهومی را وعده نداده بلکه آسایش و تزلزل قلب را مزد پیروان راستی و دروغ قرار میدهد



راستی و ضمیر پاک بهترین فدیة ایست برای تقدیم کردن باهورامزدا

ای برادران طریق که در جستجوی دانش اید شما را آگاه
میسازم از پیام خوشی آور آفریدگار و سرود ستایشش و طریقه تقدیم
آن بوسیله ضمیر پاک و نیز شما را آگاه مینمایم از راستی و حقیقتی را
که می بینم از این زبانه های مقدس بلند میگردد و نیز بدانید که
فقط بتوسط راستی میتوانید منظره باشکوه فردوس را ملاحظه نمائید

زرتشت هر کس را در انتخاب مذهب و خیالش آزاد میگذارد

ای مردم با گوشه ایتمان این نصایح بهین را بشنوید با ضمیر پاک
باین زبانه های مقدس بنگرید و با خرد خداداد خویش غور کنید
انتخاب طریق هر شخصی را بخودش واگذارید که با آن آزادی
انتخاب در حوادث برای علاج خویش تدبیر کند
ای خفتگان بیدار گردید و باین اخطار من دقت کنید

۳-۳۰

وجود دو روح توامان راستی و دروغ در روز ازل

در روز نخست دو روح توان موجود بودند که عبات انداز
نیکی و بدی در اندیشه و گفتار و کردار
شخص عاقل باید مابین این دو نیکی را انتخاب نماید نه بدی را

۴-۳۰

ظهور هستی و نیستی از وجود دو اصل متضاد

در روز ازل همان هنگامی که این دو روح توامان پدید آمدند
هستی و نیستی نیز وجود یافت و تاجهان باقی است امتداد خواهد
داشت بدترین نیستی نصیب پیروان بدی و بهترین حالات معنوی
پاداش پیروان نیکی خواهد بود

۵-۳۰.

خوشنودی اهورا مزدا را از پیروی کردن بر راستی با اعتماد
کامل بدست توان آورد

از این دو روح توامان، روح بدی بدترین کردار متمايل
است در حالیکه روح فیاض و مقدس نیکی که خود را با فروغ
درخشان آسمانی ملبس نموده است طریقه راست را انتخاب میکند
پس هر کس که مایل است اهورا مزدا را از خود خوشنود نماید
باید با ایمان کامل بر راستی کار های نیک بجای آورد

۶-۳۰.

پیروان دروغ زندگانی انسان را تباه میسازند

پیروان دروغ هنگام مشاوره نتوانستند که این دو روح را از
هم تمیز دهند لهذا آنها بدترین ضمیر را انتخاب کرده و با خشم
و تندی با هم بشتافتند که زندگانی این جهانی را تباه سازند

۷-۳۰

عشق پاك و پارسائي باضمير پاك و راستى خوشى بزندگاني انساني ميدهد

و آرميتى نماينده عشق و پارسائي آرميتى نماينده غيرت و فداكارى
 آرميتى غيور كه براستكاران پايدارى و ثبات ميبخشد بامواهب
 قدرت و سلطنت رحمانى (خسترا) و ضمير پاك (وهومنا) و راستى
 (اشا) بكمك و يارى ما رسيد

اما اى خداوندگار من تو خود بزرگترين نگاهبان و پشتيبان
 جهان آفرينش ميباشى

۸-۳۰

سراى منش پاك (عرش) براى كساني است كه در توسعه دايره
 راستى ميكوشند

اى اهورا مزدا هنگاميكه روز جزاي بدى و بدكاران فرارسد
 وهومناه (ضمير پاك) بفرمانت كشور آسماني را براى كساني آرايش
 خواهد داد كه نا درستي را بدرستي و راستى مبدل مينمايند

۹-۳۰.

بموسط راستی از حکمت ربانی مستفیض میتوان شد

پروردگارا بشود ما هم مانند کسانی شویم که میکوشند جهان را
بسوی کمال پیش برند
ای اهورامزدا باخصایص رحمانیت یاری فرمای ما را و هدایت
کن کوششمان را در راه راستی تا آنکه خیال ما بمنبع دانش
و خرد نزدیک گردد

۱۰-۳۰.

با راستی دروغ را معدوم میتوان کرد

و بعد یقیناً ضربت تباهی بنادرستی و دروغ وارد آمده و همه
اشخاص نیک در مسکن زیبای ضمیر پاک و پروردگار دانا و راستی
مأوا میگزینند

۱۱-۳۰

خوشی برای پیروان راستی است و ناخوشی برای پیروان دروغ

ای جهانیان فانی توجه کنید باین پیغام ربانی، پیغامی که
از پروردگار دانا است هم برای خوشی و هم برای ناخوشی. بدکاران
سزای بسیار یابند و پیروان راستی بعشرت رسند و لذت نجات نیز از
برای راستکاران ابدی است

یسنای ۳۱

در فصل سابق دیدیم که زرتشت برسات خود شروع کرده و اشکالات و مسائل زندگانی مردم را حل نمود و تعلیم داد که هر شخصی با کوشش و ثبات قدم مقصد جهان آفرینش را باید بسوی کمال سوق دهد و هر فردی خود مسئول خوشی و ناخوشی خویشتن میباشد در این فصل میفرماید که با ایمان کامل باهورامزدا و راستی خوشی را در عالم حکمفرما میتوان ساخت مندرجات این فصل که بطور سؤال و صحبت است برای تهییج قلوب شنوندگان سروده شده است

۱-۳۱

استماع پیغام ربانی برای پیروان راستی سرور بخش و برای پیروان
دروغ بسیار ناگوار است

ای کسانی که در جستجوی دانش اید بشنوید پیامی که تا بحال
 شنیده نشده است پیغامی که استماعش برای دروغ پرستان و بدکاران
 بسیار ناگوار است اما پروردگارا این پیک بی اندازه خادمانت
 را بسرور آورد کسانی که قلب و روح خود را بتو نیاز نموده اند

۲-۳۱

زرتشت مردم را در انتخاب راهشان یاری میکند

اگر بوسیله این پیک حقایق ابدی را شناخته و زندگانی
 بهتری کسب نکردید آنگاه خواهم آمد تا شما را در انتخاب
 یکتان مابین این دو روح توانان یاری نمایم و بعد یقیناً
 زندگانی ما را با درستی و راستی بسر خواهیم برد

دانیان بکنه پیغام زرتشت میتوانند پی برند

ای خداوند من آگاه فرمای مرا از پاداشی که بتوسط
روح و بتوسط فروغ رحمانیت احسان خواهی فرمود و هم
نعمتی را که عطا خواهی کرد بکسانی که برای مقصودت کوشش و
وجنگ میکنند و چه آئین مقدسی از برای دانیان مقرر شده است
پروندگان مرا با گفتار خودت و زبان خودت از اینها آگاه فرمای
تا بتوانم جهانیان را در راه راست تو سیر دهم

بتوسط راستی و ضمیر پاک و عشق خالص در سخت ترین مواقع
میتوان روح بدی و دروغ را از جهان نابود کرد

ای خداوند من التماس میکنم از تو که در لحظه امتحان بمن
مدد راستی ببخشائی ای اهورامزدا عطا فرمای بمن مددسرداران
دلیرت و هم مدد خجسته آرمیتی نماینده عشق و تقوی را
و خداوندگارا عطا فرمای بمن اقتدار سلطنت رحمانیت تا روح
تباه دروغ را مغلوب سازم

۵-۳۱

بموسط راستی و ضمیر پاك بهترين بهره نصيب انسان ميگردد

پروردگارا بياموز مرا که چه پاداش خوبي بوسیله راستی بمن
احسان فرموده ای پروردگارا بياموز مرا تا با مدد ضمیر پاك
حقوقم را بشناسم
و نیز ای مزدا بياگاهان مرا از آنچه که بوجود میآید و یا
نمیآید

۶-۳۱

کشور آسمانی را با کمک ضمیر پاك بدست میتوان آورد

بهترین کشور آسمانی از آن کسی است که بمن الهام فرمود
این سرودهای مقدس، یعنی سرودهای رحمانی کمال و جاودانی و
سرودهایی که تعلیم میدهد که کشور آسمانی اهورامزدا فقط
بوسیله ضمیر پاك بدست میتوان آورد

۷-۳۱

بتوسط راستی بنعمت ضمیر پاک نایل میتوان شد

آن کسیکه در روز نخست بدرخشیدن و نورانی گشتن افلاک
اندیشید بتوسط خرد کامل خویش اصول راستی و درستی
بیافرید تا بندگانش پیروزش ضمیر پاک توانا گردند
ای خداوند دانا و ای اهورائی که همیشه یکسانی از نیروی روح
مقدسست این جهان را خوش و خرم فرمای

۸-۳۱

تنها اهورا مزدا، خالق راستی و ضمیر پاک قابل ستایش میباشد

بروردگارا و قتیکه شناختم تو را که در نخست بودی و در انجام
هستی و توئی آنکسیکه قابل ستایشی و توئی پدر اندیشه نیک
و توئی آفریدگار راستی و درستی و توئی خداوندگار عادل در اعمال
زندگانی آنگاه تو را در دیدگان خویش جای دادم

۹-۳۱

خرد مقدس و عشق و محبت از آن اهورا مزداست

آرمیتی نماینده عشق و فداکاری از آن تو بود خرد کامل که
کاینات را بیافرید از آن تو بود روح رحمانی که قانون مکافات برای
اشخاص صرفه جوی کوشا و از برای اشخاص کامل ترتیب داد از
آن تو بود

۱۰-۳۹

کسیکه چارپایان را متوجه میشود طرف محبت سپنتا آرمیتی
واقع میگردد

از این دو - آرمیتی شخص صرفه جوی کوشا را که از
چارپایان توجه میکند و شخص راستکار نیک نهاد را برگزیند
و شخص کامل مکار و مُسرف از پیک مقدس تو بهره‌ای نمیرد

۱۱-۳۱

آزادی خیال از قانون یزدانی است

ای مزدا کی با رضا و خرد مقدست نخست موجودات را
آفریده و قوانینت را مرتب فرمودی و کی توانی وجود خاکی را
بما بخشیدی و بعد چنان قانون و نظم را مقرر فرمودی که فانیان
با اراده آزاد خویش ایمان برای خود برگزینند؟

۱۲-۳۱

عشق پاک مردم را براه راست دلالت میکند

پیرو راستی و بی ایمان دروغ پرست کسیکه دانا و کسیکه نادان
است هر دو بر وفق میل و دلخواه خود اظهار عقیده می نمایند
و آرمیتی نماینده محبت و تقوی از آنان سؤال نموده و مرددین را
بر فتن در راه راست تشویق میکند

۱۳-۳۱

اهورا مزدا از تمام عقاید پنهان یا آشکار آگاه است

بروردگرا بتوسط راستی بینا هستی از همه تعلیمات و عقایدی
که آشکارا و پنهانی است و از همه کوچکترین کارهای زشتی که
سزاوار بزرگترین توبه و انابه است ای خداوندگار من

۱۴-۳۱

مزد نیکان و بدان در روز واپسین داده خواهد شد

بروردگرا پس از تو سؤال خواهم نمود از حوادثی که واقع
شده و از وقایعی که باید اتفاق افتد و چه خواهد بود پاداش
نیکوکاران درستکردار و بدکاران دروغ پرست هنگامیکه در روز
واپسین همه بحضور تو میآیند

یاور بدکاران از پیروان دروغ محسوب است

ای اهورامزدا سؤال میکنم از تو که چیست سزای آن
کسیکه برای اقتدار و کمک کردن بدروغ ساعی و کوشاست و سزای
کسیکه بغیر از آزار بچارپایان و رمه بزریگر نیکوکار و جز از
اذیت بدستکرداری که از بدی و بدکاران در گریز است کاری از
او ساخته نیست

مجاهدی که بتوسط راستی در ترقی کشور میکوشد با اهورامزدا
همقرین خواهد شد

ای اهورامزدا سؤال میکنم از تو، شخص درستکرداری که
میکوشد ولایت و ایالت و کشور را بتوسط راستی ترقی دهد اگر
خواسته باشد قرین تو گردد چگونه باید رفتار کند و چه وقت
باین آرزو نایل خواهد شد

۱۷-۳۱

کسیکه راه راست را تمیز داد باید که بنادان نیز نشان دهد

کدام يك از این دو بزرگتر و بهتر است پیرو راستی و یا پیرو
دروغ کسیکه داناست باید دیگران را از آن آگاه سازد نباید
جاهلانی که در ظلمت گمراهی باقی هستند بخدمت و فریب خود
ادامه دهند ای اهورامزدا ضمیر پاك و منش نيك را بما ارزانی
فرمای

۱۸-۳۱

ضد بدکاران باید جنگید حتی با سلاح

نباید که هیچکس بگفتار نادرست بدکار گوش دهد و
اوامرش را اطاعت نماید زیرا که او خانه و ایالت و کشور را دچار
خرابی و احتیاج میسازد لهذا با اسلحه باوی مقاومت نمائید
و او را از خود دور کنید

زرتشت مردم را باستماع بیانات خویش دعوت میکند

گوش دهید گوش دهید بگوینده راستی، گوش دهید بکسیکه
براه درستی می اندیشد، گوش دهید بکسیکه روشن و داناست
ای مزدا کسیکه در مقابل آذر مقدّست ایستاده است با زبان آزاد
و گفتار دلپذیرش راستی را بطرف مخالف ظاهر ساخته و بآنان
میفهماند

دروغ، پیروان خویش را بزندگانی ناریك دلالت میکند

اما کسیکه نیکان و راستکاران را گمراه کرده و میفریبد در
آینده يك زندگانی طویل بر از ذلت و ظلمت و زنج و ناامیدی
را بسر خواهد برد
ای بدکاران اعمال خودتان شمارا بچنین زندگانی ناریك خواهد
کشانید

۲۱-۳۱

دوست اهورامزدا کسی است که دارای راستی و ضمیر پاک و اقتدار
رحمانی باشد

کسیکه روحاً و عملاً دوست قلبی اهورامزداست از کمال و تندرستی
و جاودانی برخوردار شده و راستی و اقتدار سلطنت رحمانی و
ضمیر پاک باو بخشیده خواهد شد

۲۲-۳۱

یاور و پشتیبان راستی دوست اهورا مزداست

ای اهورامزدا نزد شخص دانا و هشیار واضح و آشکاراست
که کسیکه با تمام قوه پشتیبان راستی است و گفتار و کردار خود را
با آن میآراید دوست تو و کمککار عزیزتست

یسنای ۳۲

در این فصل چنانکه از مندرجاتش مفهوم میگردد مخالفین زرتشت یعنی پیروان دروغ در مجلسی بضد پیغمبر صحبت کرده و در اذهان مردم نسبت باو خلل وارد میآورند از اینجهت پیغمبر در قطعه دوم بشنوندگان خویش میفرماید که عشق پاک ممیز بین حق و ناحق است از این فصل رفتار بزرگان دروغ را نسبت به پیغمبر تا بحدی میتوان درك کرد که بجه قسم بوده است

در سراسر گاتها یکدفعه از گوشت اسم برده شده و آن در قطعه هشتم همین فصل است جائیکه پیغمبر میفرماید که او (زرتشت) از کسانی که خوردن گوشت را تعلیم داده اند در روز واپسین جدا خواهد ماند این فصل تا بدرجه ای ثابت میدارد که زرتشت بضد قربانی بوده است

پیغمبر در طی بیانات خویش در آخر این فصل دستور بسیار عالی و شریفی بپیروان راستی میدهد میفرماید که در مواقعی که دروغ و نادرتی و نفوذ زشت و پلید از هر جهت آنان را احاطه میکند بهترین وسیله نجات از آن ذکر سرودهای رحمانی و پیام مقدس، مزداست در مقابل زبانهای درخشان آذر که نشانه ایست از فروغ حقیقی

۱-۳۲

پیروان دروغ در مجالس بضد زرتشت صحبت میکنند

پیروان دروغ چه شریف و چه وضع، چه برزیکرو چه
 خادم برای خرابی مقصود مقدس کوشیدند اما زرتشت دوست
 عزیز خدای مطلق است

پروردگارا بشود که ما هم بتوانیم پیام مقدست را منتشر نمائیم
 و بشود که بدی دشمنانت را از خود دور نگاه داریم

۲-۳۲

اهورامزدا عشق پاک را برای جهانیان ممیز قرارداداده است

اهورامزدا که در کشور آسمانش بوسیله ضمیر پاک
 فرمانروائی میکند اهورامزدا که منبع فنا ناپذیر حقیقت و راستی
 است بآنها چنین جواب داد « من آرمیق را نماینده پاکی عشق شما
 قرار دارم و وی از آن من است »

۳-۳۲

بدکاران و یاوران آنان از نژاد مس زشت اند

شما ای بدکاران از نژاد زشت هستید شما از نژاد کبر و فساد میباشید
 کسانی که شما را عزیز داشته و میستایند نیز با شما یکسان اند
 مدتی است که اعمال زشت شما در هفت کشور زمین معلوم و
 آشکار شده است

۴-۳۲

پیروان دروغ ضمیر انسان را مشوش می نمایند

زیرا شما دروغ پرستان ضمیر انسان را مشوش و آنانرا بارتکاب
 بدترین کارها و ادار می نمائید که از بدی و مانند آن طرفداری نموده
 و از اراده اهورامزدا و ضمیر پاک و راستی گریزان باشند

۵-۳۲

گرهما با گفتار زشت خویش مردم را از راه راست باز میدارد

و این چنین دروغ پرستان انسان را از جاده خوش زندگانی
جاودانی و کمال منحرف میسازند زیرا که آن بدکار (گرهما) با
ضمیر زشت و گفتار زشت شمارا بارتکاب اعمال زشت و بد تحریک
نموده و زندگانی آنان را خراب و تباه میسازد

۶-۳۲

(گرهما) از اعمال بد معروف گردید. حکومت نیک با اصول
راستی تشکیل تواند یافت

ای اهور: مرزا بدکار از بسیاری گناه و اعمال بد توانست که
دارای شهری شود

پروردگارا تو از فهم کامل خویش از آن آگاهی و یقیناً
آنچه را که سزاوار است از تو خواهد یافت

خداوندگارا برای تشکیل حکومت نیک و سلطنت رحمانی
اصول راستی و درستی را بتوسط اشا در اینجهان بمردم تعلیم میدهم

دروغ پرستان محکوم بزوال اند

ای اهورامزدا هیچکدام از بدکاران که با سلاح فلزی
مظفر و معروف شدند از تباهی خود بوسیله فلز گداخته آگاه
نیستند از آن تباهی و ویرانی که ای خداوند من تو آگاهی
و خبرداری

زرتشت از کسانی که خوردن گوشت را تعلیم داده اند جدا
خواهد شد

و یکی از این گناهکاران جم پسر ویونگهان است افسوس که
جم محض راضی ساختن مردم خوردن گوشت گاو را بآنان تعلیم داد
من از این اشخاص هر کس که باشند در روز قضاوت تو جدا
خواهم شد

۹-۳۲

آموزگار دروغ با مواعظ زشت خویش مردم را از تحصیل
دولت و فروغ ضمیر پاك باز میدارد

فریاد از آموزگار دروغ - آموزگار دروغ مقصد زندگانی را
خراب نموده و بتوسط مواعظ و تعالیم سوء و ننگین خویش قلوب
مردم را پریشان ساخته و آنانرا از انجام کارهای نیک و تحصیل
دولت و فروغ ضمیر پاك باز میدارد

پروردگارا با این کلماتی که از اعماق قلب و روحم خارج شد
بدرگاه تو و راستی (اشا) فریاد میزنم و شکایت میکنم که آنانرا
از میان برداری

۱۰-۳۲

مخالفین راستی و خشك کننده چراگاه دشمن آئین زرتشت اند

پروردگارا کسیکه نور خورشید را بد میداند و کسیکه
بدکارانرا ستایش نموده و آنانرا محترم میشمارد و کسیکه چمن زار
را خشك و چراگاه را ویران میسازد و کسیکه سلاحش را بضد
بیگناه و پیروان راستی بلند مینماید اوست دشمن آئین من و اوست
تباه کننده اصول من

پیروان دروغ زندگانی انسانی را تباه میسازند

ای اهورا مزدا کسانیکه شکوه مادی بدکاران را بزرگ و بلند
 می‌شمارند و کسانیکه بزرگان و بانوان را از دولت ضمیر پاك و فروغ
 منش پاك محروم مینمایند و کسانیکه نیکان را فریب داده و از
 راستی و ضمیر پاك دور میسازند کارخانه زندگانی را ویران
 و نابود مینمایند

کشنده چارپایان از پیروان دروغ محسوب‌اند

بکسانیکه مردم را از کردار نيك باز میدارند و بکسانیکه
 چارپایان را با سنگدلی میکشند و بکسانیکه بدی و زشتی را
 بر درستی و راستی برتری میدهند و بکسانیکه آرزوی حکومت دروغ
 دارند اهورا مزدا میگوید « شما تمام بد هستید »

۱۳-۳۲

بدکاران از پیک مقدس اهورامزدا و فروغ راستی محروم میمانند

و این بدکاران (کاوی و کربان) در مکان ضمیر بد منزل خواهند داشت بدکارانیکه زندگانی را تباه و برباد داده اند و بدکارانیکه همواره شاک و ناراضی اند از پیک مقدس تو محروم و منظره مسرت بخش فروغ راستی را نخواهند دید

۱۴-۳۲

گره های دروغ پرست و پیروانش باستعانت مشروبات الکلی در تخریب زندگانی انسانی میکوشند

گره های بدکار و پیروانش دچار زحمت و صدمه میشوند مدتی است میکوشند که دروغ را مدد داده و آفرینش نیک تو را تباه سازند و برای پیشرفت مقاصد خود آتش شرب و مسکرات را که تصور میکنند دور دارند مرگ است میافروزند

۱۵-۳۲

بازار دروغ پرستان بواسطه انتشار پیام مقدس مزدا کساد میگردد

پروردگارا با پیام مقدس تو بازار بدکاران را کساد و آنانرا نابود خواهم کرد کاویها و کریانهها بعد از این برنیکان فرمانروائی نخواهند نمود و پیروان راستی در مکان ضمیر پاک بنعمت کمال و خوشی (هروتات) و جاودانی (امرتات) برخوردار خواهند شد

۱۶-۳۲

در مواقع سختی و تنگی سرودهای مقدس اهورا مزدا را باید
ذکر کرد

ای اهورا مزدا و ای واجب الوجود در اوقات شك و تردید و در اوقات فشار و منازعه و قتیکه گزند دشمن بدخواه مارا تهدید میکند، مقابل فروغ روشن زبانه های مقدس پرستشگاه کلمات بهتری را که تو بما آموخته ای ذکر خواهیم کرد

یسنای ۳۳

این فصل برخلاف فصل گذشته که در يك موضوع مخصوصی صحبت میکرد دارای مطالب مختلفه است ولی غالب مندرجاتش در موضوع راستی است چنانکه پیغمبر در قطعه پنجم میفرماید هرکس بر طبق قانون ازلی رفتار نماید در شاهراه مستقیم راستی داخل تواند شد و در سه قطعه بعد کمال و جاودانی را غایت آمال زندگانی دانسته میفرماید که آنرا فقط بوسیله راستی و ضمیر پاك در آغوش توان گرفت و در قطعه دوم و آخر تعلیم میدهد که چه فدیة ای قابل نیاز و تقدیم باهورامزداست میفرماید که جنگ بضد دروغ و تقدیم روح و جسم و ضمیر پاك و کردار نيك بهترین فدیة ایست که باید در هنگام پرستش باهورامزدا نیاز کرد.



۱-۳۳

با همه کس از روی عدالت در روز واپسین رفتار خواهد شد

مطابق قانون ازلی دادگر از روی عدالت رفتار خواهد کرد
 خواه بانیکانی که راه راست را انتخاب کرده و خواه با
 بدکارانیکه دروغ را پسندیده و خواه با کسانیکه اعمال نیک و
 بدشان یکسان است

۲-۳۳

جنگ بضد دروغ بهترین فدیة ایست که باید نیاز اهورامزدا شود

ای اهورامزدا کسیکه با اندیشه و با گفتار و با دستها
 بضد دروغ و پیروانش بجنگد و کسیکه مردم را براه راست دلالت
 کند بهترین فدیة را از عشق پاک خویش بتو نیاز میکند

۳-۳۳

پرورندگان چارپایان و پیروان راستی در فردوس مقام
گرفت خواهند

هر کس چه شریف و چه برزگر و چه خادم با پیروان راستی
مهربان باشد و هر کس که با غیرت و شوق چارپایان را محافظت
و آفرینش نیک اهورا را توجه نماید در کشور زیبای راستی و
ضمیر ناک منزل خواهد داشت

۴-۳۳

زرتشت تمام کوشش خویش را برای محافظت مردم از نفوذ بد و
دروغ بکار میبرد

خداوندگارا منم که بواسطه عشق مفرطم نافرمانبردار و زشت
ضمیر را از شرفاء دور نگاه میدارم و دروغ و فساد را از برزیگران
دور نگاه میدارم و بدی بدکاران را از جامعه دور نگاه میدارم و
خشکی و تباهی را از چراگاه چارپایان دور نگاه میدارم

اطاعت بقانون ازلی انسان را براه راست دلالت کرده و بسرای
جاودانی نائل میگرداند

از سروش تو که مظهر اطاعت و انقیاد و بزرگترین یاورهاست
برای پیشرفت مقصود مقدسم استمداد میطلبم که زندگانی جاودانی
را در کشور ضمیر پاك و راه مستقیم راستی را در آن جائیکه ای
خداوندگار من تو مأوا داری بدست بیاورم

از پیروی براستی و ضمیر پاك بالهام ربانی نایل میتوان شد

خداوندگارا من ستاینده صمیمی تو که خضوعم را بوسیله
راستی بتو نیاز میکنم و میکوشم که از ضمیر پاك بیاموزم آنچه را
را که باید عمل کنم و چگونه نیکترین کار بجای آورم، از تو دو
چیز را درخواست مینمایم یکی نعمت دیدن فروغ منظره ات و
و دیگری تشرّف مشورت با تو.

۷-۳۳

از پیروی راستی و ضمیر پاك سخنان ما مؤثر میگردد

ای اهورامزدا باین بندهات نزدیک شو
 ای بهتر از همه در تشریفات مذهبییم قدم گذار
 پروردگارا راستی و ضمیر پاکت را بمن بنما تا آنکه پیغامم را
 در بیرون از حدود پیروانم بشنوند و طریقه نیکوی عبادت
 بهم آسکار گردد

۸-۳۳

غایت آمال زندگانی نیل بکمال و جاودانی است

پروردگارا بمن آشکار فرمای آخرین خوبی و مقصد آخرین
 را تا باستعانت ضمیر پاك آنرا بمردم فہمانیده و وظیفه مقدس خود
 را بآخر برسانم
 پروردگارا خضوع و خشوع قلبی خادم و فدویت را بنظر
 عنایت قبول فرمای و ای راستی سرود ستایشم را بپذیر و ای
 هروانات و امرنات نعمت کمال و جاودانی را که از صفات مخصوصه
 شماست بما ارزانی فرمائید

نیل بغایت آمال زندگانی بوسیله راستی و ضمیر پاك میسر است

پروردگارا بوسیله دو موهبت کمال و جاودانی همه بسوی تو پیش می‌آیند و همه بسوی مقصد راستی پیش می‌روند و همه در مسکن درخشان حکمت و دانش با ضمیری مستعد قدم می‌گذارند البته در اینصورت نعمت هروانات و امرات همواره با ما خواهد بود

خوشیهای زندگانی در دست اهورامزداست

پروردگارا تمام خوشیهای زندگانی که در دست تست از آن خوشیهای که بوده و هست و خواهد بود باراده خویش و بواسطه رحمت خود بما ارزانی فرمای ای اهورامزدا بشود که بتوسط اقتدار رحمانیت و باستعانت ضمیر پاك و راستی پیشرفت نموده از فیض دو موهبت عالی و ستوده تو مستفیض گردیم

۱۱-۳۳

بهترین یاور روز واپسین عبارت است از عشق و راستی و ضمیر پاك
و اقتدار رحمانی

ای اهورامزدا ای توانا تر از همه و ای آرمیتی (عشق و
پارسائی) و ای اشا (راستی) که بزندگانی انسانی خوشی می‌دهید
و ای وهومن (ضمیر پاك) گوش دهید بمن و مهربان باشید بمن
و مدد کنید مرا در کارهایم در روزیکه پاداش و سزای هر يك
داده میشود

۱۲-۳۳

توانائی را بتوسط عشق پاك و رشادت و اقتدار رحمانی را بتوسط
راستی بدست توان آورد

ای اهورامزدا ظاهر شو و بوسیله خرد مقدست مرا
پاك ساز و بوسیله عشق و فداکاریم تواناؤ بخش و بوسیله
ضمیر پاك مرا رهنمای نیکان ساز

عشق پاك قلب انسان را شاد و دليل راه راستي است

ای اهورامزدا بوسیله عنایت رحانیت بصیرت ضمیرم را
وسعت ده و خصایص جاودانیت را ظاهر فرما و لذات کشور
آسمانی و ثمرات خوش ضمیر پاك را آشکار ساز
ای سینتا آرمیتی (عشق و غیرت) بوسیله راستی قلوب مردم
را از اصول آئین حقیقت روشن و درخشان فرما

زرتشت روح و جسم و ضمیر پاك و کردار نيك خود را باهورامزدا
نیاز میکند

ای اهورامزدا، زرتشت جان و جسم و اندیشه نيك خود را
صمیمانه بتو نیاز میکند و با تمام قوه و اقتدار رحمانی در گفتار و
کردار خویش پیرو راستی است

یسنای ۳۴

قطعات اولی این فصل دنباله آخرین قطعه فصل گذشته است که تعلیم داد روح و جسم و کردار نیک خود را باید باهورامزدا نیاز کرد در این فصل زرتشت میفرماید که افراد بشر بایستی جسماً و روحاً در یدشرفت مقصود آفرینش و انتشار پیک مقدس مزدا بکوشند تا بتوانند قرین او گردند و نیز تعالیم میدهد شخصی که راه راست را شناخت و دانا گردید مؤظف است که دیگران را بسوی آن دولت معنوی و فروغ حقیقی دلالت کنند و میفرماید پیرو راستی کسی است که برای خیر آفرینش مزدا کوشاست و راستی بزرگترین نگاهبان و پشتیبان افراد بشر است

۱-۳۴

منش نيك و گفتار نيك را بايد در هنگام دستش باهورامزدا
نياز کرد

پروردگارا ای خداوندگار من راستی و جاودانی و کمال و
 خوشی را که تو برای کردار و گفتار و ستایش بما احسان فرمودی
 نخست آنرا بتو نياز مینمایم

۲-۳۴

پیر و راستی اعمال نيك خود را باهورا مزدا نياز کرده
و قرین او میگردد

خداوندگارا این تقدیمات از شخص نيك مقدسی است که
 ضمیرش پیرو راستی و با حقیقت توأم است و در حالیکه سرودهای
 ستایش را میسرآید بفیض حضورت نایل خواهد شد

۳-۳۴

با یاری ضمیر پاک بنعمت کال میتوان رسید

خداوندگارا بتو و براسی خیرات خود را با ستایش و فروتنی
تقدیم میکنیم
بشود که انسان در کشور تو بتوسط ضمیر پاک بنعمت کال نایل
گردد زیرا که پیشرفت برای نیکان، خادمان فدوی تو مقرر
گردیده است

۴-۳۴

زبانۀ آذر نشانه ایست از فروغ راستی

ای اهورامزدا از آذر مقدس تو که بوسیله اش (راستی)
قویترین و زورمندترین زبانۀ هاست خواستاریم که بنیکان و پیروان
راستی خوشی آورد و بفسدین و پیروان دروغ رنج و شکنج

۵-۳۴

بتوسط راستی و ضمیر پاك و معاونت به بیچارگان بسوی خدا
تقرب توان جست

بروردگارا ای خداوندگار من چیست قوه تو؟ و بجه وسیله
میتوان اعمال و کردار خود را مانند تو ساخت؟ یقیناً بتوسط
راستی و ضمیر پاك و بوسیله معاونت و توجه به بیچارگان
ای اهورا مزدا این را همه کس و مخصوصاً براهزنان و پیروان
دروغ و فساد آشکار خواهیم ساخت

۶-۳۴

اهورا مزدا سر چشمه راستی و ضمیر پاك است

ای اهورا مزدا چون تو در حقیقت منبع راستی و ضمیر پاکی،
نشانی از آن در زندگانی اینجهانی بمن عطا فرما تا بدان وسیله
باسرور و شادمانی ستایشت را سرانیده بفیض حضورت نایل گردم

۷-۳۴

راستی بزرگترین نگهبان و رهاننده است

ای اهورا مزدا بجایند مددکارانیکه از ضمیر پاك روشن
 شده اند، کسانی که حق در هنگام رنج و شکنج در طریقت حقیقت
 مستقیم مانده و فروغ راستی و پيك مقدس تو را انتشار میدهند
 ای راستی نمیشناسم دیگری بغیر از تو که ما را محظمت نموده و نجات دهد

۸-۳۴

ضمیر پاك و دل شاد از پیروان دروغ روگردان است

ای اهورا مزدا پیروان دروغ با اعمال و کردار بد خود، ما را
 ترسانیده و پریشانی و تباهی بر جمعی وارد آوردند
 ای خداوند من افسوس که به پيك مقدس تو هیچ اعتنا نکرده
 و به بیچارگان ظلم و ستم روا میدارند
 چون آنان از راستی روگردانند البته ضمیر پاك و قلب روشن
 بآنها نزدیک نخواهد شد

بدکار کسی است که بوئی از عشق واقعی و وفاداری بمشامش
نرسیده است

پروردگارا کسانی که غیرت و وفاداری و عشق و پارسائی
(آرمیتی) را که تو دوست داری بنظر نمیآورند از جمله بدکاران
و پیروان دروغ محسوب اند زیرا که از ضمیر پاک دور و در ظلمت
جهالت غوطه وراند و چنانکه وحوش از ما فرار میکنند
راستی از آنان در گریز است

دانا باید مردم را بسوی ضمیر پاک دلالت کند

مرد دانا مردم را بسوی ضمیر پاک هدایت میکنند تا نتیجه و ثمر
زندگانی نیک را بدست آرند زیرا که او آگاه است که آرمیتی دارای
طبع غیور و عشق پاک بسوی راستی و درستی راهنماست
ای اهورا مزدا اینها نیست مگر نفوذ مؤثر و ثمره نیک کشور
آسمانی تو

۱۱-۳۴

عشق پاك و راستی موجد ضمير پاك است

پروردگارا دو موهبت کمال و جاودانی (هرتات و امرتات) پشتمیان زندگانی ما خواهد بود
عشق و وفاداری (آرمیتی) باستعانت راستی ضمير پاك پایداری
میبخشد

ای اهورا مزدا تو بوسیله این قوای رحمانی بد را دور
و بدشمنان پیروان دروغ فیروزی عطا میفرمائی

۱۲-۳۴

راستی بسوی ضمير پاك راهنماست

ای اهورا مزدا چیست آئین تو و چیست آزادی تو ؟
چیست نیایش تو و چیست ستایش تو ؟
ای خداوند من بفرما که چیست تا بشنوم آنرا و بدانم که
موهبت مسرت بخش تو چه اثرات نیکی در ما خواهد داشت
پروردگارا بتوسط راستی راه مستقیم ضمير پاك را بمن بنمای

بتوسط راستی پیداش خوشی بخش اهورامزدا نایل میتوان شد

پروردگارا راه مستقیم ضمیر پاك كه بمن نموی راهی است
كه نيكان باستعانت راستی و راهنمایان روحانی (۱) پیداش مقرری
كه ای خداوند من تو بخشنده آتی خواهند رسید

پیرو راستی کسی است كه باستعانت ضمیر پاك برای خیر آفرینش
درکار و كوشش است

ای اهورا سردا پاداش گرانبهای كه بوسیله ضمیر پاك بآن
شخص غیور و فداکاری كه برای خیر آفرینش تو دركار و كوشش
است و بآن كسیكه بتوسط فهم خویش در پیشرفت مقصود آفرینش
كوشاست احسان میفرمائی یقیناً پیرو راستی است ای خداوندگار من

(۱) مراد از راهنمایان روحانی سوشانش ها میباشد كه در متن "سئو شینتم"
آمده است

۱۵-۳۴

بتوسط اقتدار رحمانی محرم مشیت اهورامزدا میتوان شد

ای مزدا بهترین تعلیمات و اعمالی که از نتایج ضمیر پاک
و راستی است بمن آشکار فرما تا وظایف وجدانی خود را نسبت
بتو بتوسط سرودهای ستایش ادا نمایم

ای اهورامزدا بتوسط اقتدار خسرویت (وهوخشتر) چنان
ساز که مردم بر طبق میل و دلخواه تو رفتار کنند

اشتودکات



یسنای ۴۳

اشتودکات دومین گاتها با این فصل شروع میگردد. قطعات اولیه آن استغاثه و مناجاتی است باهورامزدا که در آن پیغمبر برآورده شدن آمال و آرزوهای خود و حاضرین را درخواست مینماید و درضمن خوشبختی واقعی را (قطعه ۱) شرح داده میفرماید خوشی برای کسی است که برای تهیه وسایل خوشی دیگران میکوشد

از قطعه ۴ این فصل صفت بسیار شریف «خداوند کریم و رحیم» باسم اهورامزدا ظاهر شده است پیغمبر در جواب سؤال سروش (قطعه ۸) خود را یاور و پشتیبان نیکان معرفی کرده و در قطعه ۹ اشاره مینماید که انسان باید همواره نعمت راستی را از اهورامزدا درخواست نماید و میفرماید دانش عبارت از پی بردن بگفتار مزداست و معرفت حکمت ربانی دارای قوه و اقتدار

خسروی و باعث آسایش قلب و روح بشری است و باید در تبلیغ و انتشار پیغام مزدا سعی بوده از هیچ مهملکه و خطری نترسید. همراهی بیدکاران مخالفت با راستی و قانون ایزدی است. آخرین قطعه نماینده علو مقام معنوی زرتشت و آمال و آرزوهای اوست. که از اهورامزدا استغاثه و درخواست مینماید



۱-۴۳

خوشی برای کسی است که برای خوشی دیگران میکوشد

سرور و رفاهیت بهره کسی است که در تهیه موجبات خوشی
و استراحت دیگران کوشاست
ای خداوند مهربان عنایت فرما باو سرمایه تندرستی و توانائی
بروردگارا برای کشمکشی که در نگاهداری راستی مرا در پیش
است از تو بخشش مذکور را درخواست مینمایم
ای اهورامزدا بشود که بتوسط آرمیتی نماینده عشق و غیرت زندگانی
کاملی که نتیجه ضمیر پاک باشد بمن احسان فرمائی

۲-۴۳

اهورامزدا سر چشمه نور و بخشنده چیزهای نیکوست

ای مزدا توئی بهترین همه و توئی سر چشمه نور و روشنائی
ای خداوند مهربان تو ظاهر ساختی خودت را چون منبع نور
و آفریدگار جهان
ای اهورامزدا از رحمت خود همه چیز نیک را در طی
زندگانی نصیب ما فرما

۳-۴۳

نماینده راه راستی یاور دین میباشد

ای اهورامزدا کسی که راه مستقیم راستی و خوشی را نشان
میدهد راهی که دارای منافع مادی و معنوی است و بسوی مکان
مخصوص تودلالت میکند دارای بهترین سر انجام است
پروردگارا اوست یاور واقعی و پیرو وفادار و دانا

۴-۴۳

اهورامزدا از رحمت خویش با هر دو پیروان راستی و دروغ
مهربان است

ای اهورامزدا یقین کردم که تویی پروردگار کریم و رحیم زیرا
بادستهای نوازنده ات یاوری عطا میفرمائی هم به پیروان راستی
و هم به پیروان دروغ

خداوندگارا بتوسط زبانه آذرت که بوسیله راستی زورمند
و در تجلی است رشادت و اقتدار ضمیر پاک بمن نزدیک شده است

خوب و بد مردو تا روز واپسین پاداش خود را از اهورامزدا
خواهند گرفت

ای اهورامزدا یقین کردم که توئی پروردگار کریم و رحیم زیرا
که دیدم توئی موجد اصلی خلقت زیرا که بتوسط خرد رسای خویش
مکافات درست عطا میفرمائی همه کارها خوب به خوب و بد به بد تا
آخرین روز آفرینش

راستی حکمت ایزدی را تعلیم میدهد

ای اهورامزدا بالاخره با روح مسرت بخش خواهی آمد
و با قوه خسروی و ضمیر پاک خواهی آمد ضمیر پاک که جهانیان را
سعادت مند و خوشبخت میسازد
راستی کامل، قانون جاودانی حکمت را بمردم خواهد آموخت
حکمتی که کسی نتواند آنرا فریفتن

۷-۴۳

سؤال سروش از زرتشت

ای اهورامزدا وقتی که سروش با ضمیر پاک بسویم آمد و پرسید
 که « کیستی و از کدام خاندانی و چطور قلوب جهانیان را
 روشن کرده و سؤالانشان را جواب می‌گویی » یقین کردم که توئی
 پروردگار کریم و رحیم

۸-۴۳

پاسخ زرتشت که او بدترین دشمن بدکاران و بهترین یاور نیکان است

پروردگارا در پاسخش نخست گفتم که منم زرتشت و منم
 دشمن حقیقی بدکاران و منم یاور قوی نیکان. ای اهورامزدا تا مدتی
 که تو را می‌پرستم و سرودهای ستایش می‌سرایم می‌گویشم که مردم
 را بیدار کرده و قلوب آنانرا روشن کنم تا آنکه بسططنت
 عظیمه تو پی برند

بهترین آمل نیل بنعمت راستی است

ای اهورامزدا وقتی که سروش با ضمیر پاك بسویم آمد و پرسید
 « به نیل کدام نعمتی تو مایلی » یقین کردم که توئی پروردگار کریم
 و رحیم

پروردگارا در پاسخ گفتم که بایستم جلو آذر مقدست در حال
 ستایش و حتی القوه نعمت راستی را جستجو خواهم کرد

راستی و عشق پاك را از اهورامزدا باید درخواست کرد

ای اهورامزدا بمن احسان فرما راستی را که همواره از تو
 خواستارم و آرزومندم که زندگانی خویش را با پارسائی و عشق
 پاك (سپنتا آرمیتی) بیایان رسانم

خداوندگارا بیاموز مارا که چگونه از تو سؤال کنیم که
 به جواب نائل گردیم زیرا که جوابهایت که دارای قوه خسروی
 است باعث آسایش قلب و روح است

۱۱-۴۳

برای انتشار پیام مزدا از هیچ مهلکه نباید ترسید

ای اهورامزدا وقتی که سروش با ضمیر پاك بسویم آمد و
و هنگامیکه در نخستین بار بگفتارت پی برده و دانا گشتم یقین
کردم که تویی پروردگار کریم و رحیم
ای خداوند من پیامی را که تو آنرا بهترین دانسته و بمن
الهام فرمودی بجهانیان اعلام خواهم کرد هر چندیکه در این
راه بزحمات و خطرات بیشمار مصادف شوم

۱۲-۴۳

شخصی باید موعظه کند که خودش کاملاً درستکار است

و هنگامی که آمدی و راستی را بمن آموختی ، فرمودی که در
جهان ظاهر نشوم تا آنکه از تو الهام مخصوصی بیابم قبل از آنکه
سروش دارنده بهترین راستی و آورنده پاداش خوشی بخش برای
طرفداران مقصود تو بسوی من آید

غایت آمال در زندگانی عبارت از پیش بردن مقصود خلقت است

ای اهورامزدا وقتی که سروش با ضمیر باک بسویم آمد یقین
کردم که توئی پرورگار کریم و رحیم

پروردگارا غایت آمال زندگانی را بمن احسان فرما آن
چیزیکه تا کمون کسی به نیل آن موفق نشده است یعنی زندگانی
جاودانی برای پیش بردن مقصود آفرینش و گرفتن مأوا در
کشور آسمانی تو

اقدام زرتشت در بیداری شرفا

ای اهورامزدا پشتیبانی و مهربانی خود را چنانکه دانائی
بدوست خود میدهد بمن عطا فرما

پروردگارا با اقتدار خسروی رحمانی و راستی و با سراینندگان
سرودهای مقدس تو پیش میروم تا بزرگان را برای شناختن
طریقت تو بیدار کرده و پیام مقدست را بآنان بفهمانم

۱۵-۴۳

قناعت بهترین دولت است

ای اهورامزدا وقتی که سروش با ضمیر پاك بسویم آمد و با اطمینان گفت که « ضمیر قانع بهترین دارائی است و نباید راهنمای نيك بدکاران را خوشنود کرده و بآنها مهربانی نماید زیرا پیروان دروغ بدترین دشمنان راستکاران اند » یقین کردم که توئی پروردگار کریم و رحیم

۱۶-۴۳

همه کس باید آرزو کند که راستی و درستی و عشق و پارسائی
در سراسر عالم سایه گسترد

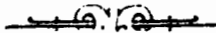
ای اهورامزدا زرتشت و تمام راستکارانی که روح مقدست را راهنمای خود قرار داده اند کسانی که بفیض نعمت حکمت تو نایل شده اند چنین آرزو دارند که راستی و درستی که دارای قوت و جرئت معنوی است در طبیعت آنها که ایمان دارند مرکوز گردد و عشق پاك و تقوی (آرمیتی) در سراسر مملکت آفتاب گیر تو جای گزیند و بتوسط ضمیر پاك پاداش متناسب اعمال بهر کس بخشیده شود

یسنای ۴۴

مندرجات این فصل سئوالانی است که پیغمبر از اهورامزدا مینماید جواب قسمتی از آن در همین فصل حاضر و مابقی نیز معلوم و یا در یسناهای گذشته از آن صحبت شده است. مراد از سئوالات مذکور که بطرز شاعرانه سروده شده است تهییج قلوب شنوندگان میباشد

در اولین قطعه این فصل پیغمبر خود را دوست اهورامزدا معرفی نموده و درخواست میکند که طریقه ستایش را بوی بیاموزد طریقه ستایشیکه در یسنای ۳۳-۱۴ تعلیم داده شده است قطعات بعد الی ۵ متضمن تعلیلات یکتاپرستی است در قطعه ۶ با وجود اطمینان از صحت ادعای خود محض تهییج قلوب شنوندگان از اهورامزدا سئوال مینماید که آیا آنچه را که او اعلام مینماید درست است؟ سایر قطعات شامل تعلیلات پیغمبر و پیام مقدس مزداست که بطور سئوال بیان گردیده است

در قطعه ۱۳ پیغمبر مردم را بجنك بضد دروغ تشجیع و در
 (قطعه ۵) جنك مقدس مذهبی شروع اما از نتیجه جنك و فیروزی
 (قطعه ۱۶) حیران ولی بالاخره در قطعه ۱۷ خود را فیروز
 و غالب بقلم میدهد و در آخرین قطعه علل خرابی عالم را سلاطین
 بدکاری میدانند که از پیروان دروغ محسوب اند



بواسطه راستی اهورامزدا ما را در پناه خود گرفته و ضمیر پاک
بسویمان روی میآورد

ای اهورامزدا سؤال میکنم از تو و براسستی آگاه فرما مرا که
چگونه با خضوع و خشوع ستایشت را بسرایم. ای مزدا آیا کسی
مثل تو نباید آنرا بدوستی مثل من تعلیم دهد؟ وای خداوند من
بتوسط راستی ما را در پناه خود گیر تا ضمیر پاک و منش نیک
بسوی ما رو آورد

اهورامزدا دوست بشر و دافع بلیات و تباهی است

ای اهورامزدا سؤال میکنم از تو و براسستی آگاه فرما که چیست
سر چشمه زندگانی بهین و بجه پاداش مسرت آور نایل خواهند شد
کسانیکه در جستجویش کوشان باشند.

خداوندگارا یقیناً تویی پروردگار کریم و رحیم و تویی دافع
بلیات و تباهی از همه و تویی دوست حقیقی بشر

۳-۴۴

اهورامزدا پدر و آفریدگار راستی است

ای اهورامزدا سؤال میکنم از تو و براستی آگاه فرما مرا که در روز ازل پدر و آفریدگار راستی که بود؟ و که خط سیر خورشید و ستارگان را معین کرد؟ و بتوسط که بغیر از تو ماه کهی تمام است و کهی ناقص. اینها و بسا چیزهای دیگر را میخواهم که بمن روشن کردانی

۴-۴۴

اهورامزدا خالق کاینات است

ای اهورامزدا سؤال میکنم از تو و براستی آگاه فرما مرا که زمین و آسمان را که خلق کرد و آنها را از افتادن محافظت مینماید و کیست آفریدگار آب و گیاه و که بباد و ابر سرعت و حرکت آموخت.

ای مزدا کیست بغیر از تو، توئی آفریننده ضمیر پاک

زرتشت یکتا پرستی را بطور شاعرانه تعلیم میدهد

ای اهورامزدا سؤال میکنم از تو و براسقی آگاه فرما
مرا که کیست آفریدگار روشنائی و تاریکی و کیست خالق خواب
مسرت آور و زندگانی با حرارت سالم؟ و کیست آفریننده بامداد
و نیمروز و شب که مؤمنین را بادای وظایف خود میخواند

مقصد راستی عبارت از عشق نوع پرستی و غیرت است

ای اهورامزدا سؤال میکنم از تو و براسقی آگاه فرما مرا که
حقیقه آنچه را اکنون آشکار میسازم راست و درست است؟
و آیا عشق نوع پرستی و تقوی (آرمیتی) مقصد راستی را عملاً
پیش خواهد برد؟

و آیا اساس کشور آسمانی تو بر روی ضمیر پاک قرار دارد؟
و آیا این دنیای غنی و پر ثروت را برای که آفریدی

۷-۴۴

سؤال زرتشت از اهورامزدا برای تکمیل دانش خود

ای اهورامزدا سؤال میکنم از تو و براسقی آگاه فرما مرا
که، که آرمیتی را با ضمیری چالاک و قلبی پاک بیاراست؟
و آیا که با بصیرت کامل خود محبت فرزند را در قلب پدر
بودیعه نهاد؟

ای اهورامزدا و ای آفریدگار کل برای تکمیل دانش خویش
این سئوالات را از تو میپرسم

۸-۴۴

راسقی وفاداری را تعلیم میدهد

ای اهورامزدا سؤال میکنم از تو و براسقی آگاه فرما
مرا که چیست آئین تو تا در آن دقیق کردم؟ و کدام است
سرودهای رحمانیت که بضمیر پاک اثر میکند؟ و کدام يك از
سرودهای راسقی وفاداری بجهانیان میآموزد و چطور روح
من بسوی خوبی که همیشه در تزیاید است پیش خواهد رفت

اهورامزدا در جائیکه ضمیر پاك و راستی است منزل دارد

ای اهورامزدا سؤال میکنم از تو و راستی آگاه فرما مرا
که چگونه بصیرتم در ایمان کامل سازم که تو خداوند اقتدار رحمانی
با چنان موعظه و پند بمن آموختی؟
ای پروردگار من، تویی دارای اقتدار کامل و تویی در مکانیکه
ضمیر پاك و راستی ساکن اند

راستی اساس آئین زرتشت و غایت آمالش رسیدن باهورامزداست

ای اهورامزدا سؤال میکنم از تو و راستی آگاه فرما مرا
که آیا مردم بر طبق اصول این آئین رفتار خواهند نمود آئینی که
شالوده آن بر روی راستی است و جهانیان را سعادتمند میسازد و
آئینی که بتوسط سرودهای رحمانی تقوی اعمالمان را بر طبق راستی
و عدل و قانون ازلی میآراید و مقصود عمده و غایت آمالش به
تست ای خداوند من

۱۱-۴۴

پیروان راستی باید با نظر حقارت بیروان دروغ بنگرند

ای اهورامزدا سؤال میکنم از تو و راستی آگاه فرما مرا
 که چگونه عشق نوع پرستی با ضمیر چالاک و پاک روی میآورد
 بسوی کسانی که پیام مقدس را شنیده اند پروردگارا این خادم
 فدوی تو که در نخست برای انتشار پیک مقدس راستی برگزیده شد
 به پیروان دروغ با نظر حقارت نگریسته و آنانرا بد خواهم
 میپندارد

۱۲-۴۴

مخالفین پیام مقدس مزدا دروغ پرست و از دشمنان اهورا
 محسوب اند

ای اهورامزدا سؤال میکنم از تو و راستی آگاه فرما مرا
 که در میان اشخاصی که صحبت میدارم کدامین پیرو راستی
 و کدامین پیرو دروغ است و روح زشت دروغ با کدامین از آنان
 دوست میباشد؟ و آیا کسانی که مخالف پیک مقدس تو باشند بدکار
 و دروغ پرست نیستند و آنانرا نباید دشمنان تو خطاب نمود

واگذار کردن دروغ و زشتی را بیروان آن

ای اهورامزدا سؤال میکنم از تو و براسی آگاه فرما مرا
که چگونه روح نادرستی و عفریت دروغ را از میان خود دور
نموده بسوی بدکاران و نافرمانان دارانی برانیم که از برای راستی
نیکو شدند و بدستور و موعظه ضمیر پاک اعتنا ندارند

بوسیله راستی و سرودهای مقدس، دروغ نابود میشود

ای اهورامزدا سؤال میکنم از تو و براسی آگاه فرما مرا
که چگونه دروغ را بدست راستی تسلیم نمایم و کی او را بتوسط
سرودهای مقدس آئین حقیقت تو از هم پاشیده و چگونه
دروغگویان مفسد را قبل از نیل بمقاصد خویش تباہ خواهم
ساخت

۱۵-۴۴

در میدان جنگ فیروزی به پیرون راستی عطا میگردد

ای اهورامزدا سئوال میکنم از تو و براستی آگاه فرما مرا که اگر بتوسط راستی سلطنت کرده و ما را محافظت میفرمائی، پس در وقتیکه دو دشمن با کراحت تمام در مصاف جنگ بهم مقابل کردند بکدامین از آنان فیروزی عطا میفرمائی تا اصول راستی که تو مایل بانتشار آنی محفوظ و مصون ماند

۱۶-۴۴

ضمیر پاک و فیروزی بکسی روی میآورد که اصول راستی را
مراعات مینماید

ای اهورامزدا سئوال میکنم از تو و براستی آگاه فرما مرا که کی را فیروزخواهی گردانید و که اصول راستی را محافظت خواهد کرد؟ و از يك نظر بمن آشکار فرما، که را میخواستی راهما باشد و جهان را دلالت و تربیت نماید؟ پس ای مزدا بگذار سروش با ضمیر پاک بسوی کسی نزدیک گردد که تو خواستاری

نیل بکمال و جاودانی بتوسط سرودهای رحمانی و راستی

میسر است

ای اهورامزدا سؤال میکنم از تو و راستی آگاه فرما مرا
که چگونه عشق سرشارم ترا بسویم خواهد کشاند و چگونه
بکلمات نائل شوم تا کلامم مؤثر گردد؟

ای اهورامزدا بشود بوسیله این سرودهای رحمانی که فروغ
درخشانش از راستی است در زمان هدایت من جهانیان بدو موهبت
کمال و جاودانی نایل گردند

پاداش واقعی بتوسط راستی بدست میآید

ای اهورامزدا سؤال میکنم از تو و راستی آگاه فرما مرا
که چگونه بتوسط راستی و درستی پاداش حقیقی را تحصیل نمایم
و چطور بخششهای مادی از قبیل اسبان و شترانیکه مییابم بتو
نثار کنم و چگونه دو موهبت کمال و جاودانی که بشارت داده شد
بدست آرم

۱۹-۴۴

کسانیکه موجب نوکر را بدرستی پردازند در دوجهان بسزا میرسند

ای اهورامزدا سؤال میکنم از تو و براسی آگاه فرما مرا
که چیست سزای کسیکه در این جهان مزد درست بمستحقین و
و متدینینی پردازد که گفتار و کردار خود را بر طبق پیمان خویش
بعمل آورده اند زیرا عاقبت وی را در جهان دیگر بطور یقین
میدانم

۲۰-۴۴

بدکاران عالم را خراب مینمایند

ای مزدا آیا هرگز بدکاران از شهریاران نیک بوده اند
من برای کسانی سؤال میکنم که آنان را یاری میکنند کسانیکه
باستعانت آنان (کرپان و اوزیک) عالم را خراب مینمایند و
کاویها با ظلم و چپاول قوی میگردند و بچراگاه چارپایان
وجه نمینمایند که بتوسط راستی و عدل و قانون ازلی روئیده
سبز و خرم گردد

یسنای ۴۵

این فصل یسنای ۳۰ را بیاد خواننده میآورد که مردم را بجنگ و مبارزه با دروغ پرستان تحريك و تهییج مینمود در یسنای گذشته پیغمبر جنگ آینده را حتمی الوقوع میدید اما در این فصل جنگ واقع و پس از ختم آن در مجلس صحبت میشود

چنین بنظر میرسد جمعیت مجلسی که این دفعه پیغمبر در آن صحبت میدارد چون « از نزدیک و دور » آمده اند بیشتر از جمعیت مجلسی است که در یسنای ۳۰ از آن صحبت شده است از این جنگ حتماً نتایج خوبی عاید پیروان راستی گردیده است که مستمعین زرتشت روی باز دیاد گذارده اند

دشمن قوی، معلم دروغ و راهنمای فساد (یسنای ۳۲-۹) که در جنگ یسنای ۴۴ قطعات ۱۵ و ۱۶ و شاید (یسنای ۵۱ قطعه ۹-۱۰ و یسنای ۳۱-۱۸) از آن صحبت شده است شکست خورده و نابود شده اند

زرتشت در قطعه اولی با صدای رسای خویش موعظه نموده و توجه حضار را بسوی خود با سه قسم عبارت ذیل جلب مینماید میفرماید بشنوید تفکر کنید و گفتارم را با خیال پاك بسنجید

شرافت پیغمبر و علو مقام معنوی او را از عبارت فوق میتوان درك نمود که نخواسته است مانند بعضی از مدعیان امروزی مردم را یابند و اسیر تعلیمات و مواعظ خود کنند بلکه آنها را در رد و قبول اظهارات خویش آزاد گذاشته است در بعد میفرماید معلم دروغ مجدداً عالم را خراب نخواهد کرد (چنانچه در یسنای ۳۲ قطعه ۹-۱۱ شکایت مینمود) و زبانش لال و تزویرش آشکار شده نمیتواند در مقابل ما اظهار حیات نماید (مثل یسنا ۳۱-۱۲) زشتی و فساد که متصلاً در یسنای ۳۰ از آن صحبت شده است از دایره تسلط اهورای مقدس خارج و منشاء آن نفس اماره هر فردی از افراد بشری است. غایت آمال وصل باهوراست و کفار مغلوب از این نعمت عظمی محروم اند پیغمبر مواعظ خود را یا تأکیدات لازمه بیان کرده و مردم را بپذیرفتن آن وادار مینماید و بعد اهورامزدا را پدر خود خطاب نموده و مواهب رحمانی را بکسی وعده میدهد که در گفتار و کردار راه راست می پیمایند



زرتشت آزادی عقیده را موعظه میکند

کوش دهید ای کسانی که از نزدیک و دور آمده‌اید بشنوید از
من که اکنون خواهم گفت خوب تفکر کنید گفتارم را با دقت
و خیال پاک بسنجید معلم دروغ مجدداً این عالم را خراب نخواهد
کرد زیرا که زبانش لال و تزویرش آشکار خواهد شد

خوبی و بدی با هم نمی‌سازند

اکنون با شما سخن میدارم از دو روح توامان مخلوق
روز ازل روح پاک بر روح پلید چنین گفت :-
« نه خیالات و نه تعلیمات، نه خرد و نه عقاید، نه گفتار و نه
کردار، نه خودمان و نه روحمان با یکدیگر می‌سازند »

۳-۴۵

کسانیکه پیغام مقدس مزدا را بکار نمی‌بندند سرانجام پریشان
روزگار خواهند بود

اکنون با شما سخن میدارم از نخستین اصول زندگانی که
اهورامزداى هروسف آگاه بمن آشکار فرمود یقیناً کسانیکه این
پیام مقدس، و سرودهای رحمانی را که من آشکار میکنم نمیشنوند
و بکار نمی‌بندند زندگانی‌شان در سرانجام پریشان و مشوب
خواهد بود

۴-۴۵

بهترین لذت زندگانی عمل بر طبق قانون راستی است

اکنون با شما سخن میدارم از آن چیزی که در زندگانی بهترین
است و آن عمل نمودن بر طبق قانون راستی اشای مقدس میباشد
چنانکه اهورامزدا آفریدکارش نیز این را میداند اهورامزدا پدر
ضمیر پاک است اهورامزدا پدر آرمیتی چالاک و نیکوکار است
اهورامزدا بینا است و کسی نمیتواند او را بفریبد

کسانی بکمال و جاودانی خواهند رسید که فرمان اهورا را بکار برند

اکنون با شما سخن میدارم از آنچه پروردگار پاک بمن فرمود
و آن بهترین کلامی است که فانیان بشنوند و فرمان برند اهورامزدا
چنین فرمود:-

« کسانی که مطیع من باشند بآنان نزدیک خواهم شد و برای
اعمال نیکشان دو موهبت کمال و جاودانی خواهم آورد »

بتوسط راستی سرودهای ستایش را باید باهورامزدا نیاز کرد

اکنون با شما سخن میدارم از بزرگترین همه من سرودهای
ستایشم را برای او بتوسط راستی میسرآیم آن چیزی که برای
جهانیان مفید و یاور توانائی است

شود که اهورامزدا با روح مقدسش آنها را بشنود زیرا که
ضمیر پاک مرا بیاموخت که او را بپرستم . بشود که حکمت بالغه
او بهترین چیز را بمن تعلیم دهد

۷-۴۵

پیرو راستی باخوشی قرین و پیرو دروغ در زحمت خواهد بود
 کسانی که زندگانی میکنند و کسانی که زندگانی کرده اند و کسانی که
 زندگانی خواهند کرد به یکی از دو مکافاتی که اهورامزدا مقرر
 فرموده خواهند رسید. در زندگانی جاودانی روح پیرو راستی همیشه
 با سرور و خوشی قرین بوده و دروغ پرست در صدمه و زحمت
 خواهد افتاد. این قانون را اهورامزدا بتوسط اقتدار خسروی
 خود مقرر فرموده است

۸-۴۵

معرفت بخدا بوسیله راستی

با سرودهای ستایش و نیایش متواضعانه خراستارم که
 بخداوندگارم خدمت کنم زیرا که اکنون او را با دیدگان خویش
 می بینم اوست خداوند روح نیک و اوست خداوند گفتار و
 کردار نیک او را بتوسط راستی میستایم که اهورامزداست و یقیناً
 در خانه ستایش (عرش) نیز او را خواهم پرستید

اهورامزدا را بتوسط ضمیر پاك راضی میتوان کرد

او را بتوسط ضمیر پاك خوشنود میکنم کسیکه باراده خویش
شادی و اندوه برای ما فراهم میکند
بشود که اهورامزدا بتوسط اقتدار خسروی خویش کشاورزان
و کارگران و کله‌های ما را برکت دهد و بتوسط قانون مقدس راستی
سلطنت ضمیر پاك را مابین جهانیان تأسیس نماید

کمال و جاودانی و اقتدار رحمانی بوسیله ضمیر پاك و راستی
بدست می‌آید

او را با سرودهای عشق مان ستایش میکنیم کسیکه اهورامزدا
و آفریدکار دانا است زیرا بتوسط روح راستی و ضمیر پاك وعده
داده است که کمال و جاودانی در کشور آسمانی و اقتدار و رفاهیت
در خانه ستایشش خواهد بود

کسی که با بدکاران همراه نباشد اهورامزدا او را دوست خواهد داشت

کسیکه نفرت کند از بدکاریکه از خدای خویش میگریزد
و کسیکه پروردگار خود را بر طبق آئین مقدس آموزگار منتخب
او ستایش کند ای مزدا تو دوست و برادر و پدر وی خواهی بود

یسنای ۴۶

از قطعات ۱-۲-۳ این فصل چنین مستفاد میشود که دشمنان از هر طرف پیغمبر را احاطه نموده و او را در مضیقه و تنگنا انداخته اند چنانکه بسوی اهورامزدا متوجه شده و نزد او شکایت نموده و کمک و همراهی اش را استغاثه مینمایند. از قطعه ۴ دشمن قهاری بنظر میرسد که در برابر پیغمبر ایستادگی میکند از اینرو پیغمبر بحامیان معدود خویش و سایر مستمعین (قطعات ۵-۶) خطاب نموده و آنها را بجنك بر خلاف دشمن ترغیب مینماید قطعات ۷-۱۰ استغاثه و سئوالاتی است از اهورامزدا که در واقع چنانکه گفتیم بطرز شاعرانه برای تهییج قلوب شنوندگان و تجدید قوای روحی خوانندگان قصد شده است. قطعات ۱۱-۱۲ خطاب بمجتمعهین و در قطعه ۱۳ آنها را به نیل بنعمت خوش اهورامزدا امیدوار میسازد اما در قطعات ۱۴-۱۵ روی صحبتش به برگزیدگان خویش میباشد.

ما بقی قطعات موعظه در مجلسی است که از دحام مستمعین زیاد و رؤسا و یاوران زرتشت نیز حضور دارند

۱-۴۶

شکایت زرتشت از بیوفائی جهان و مردمانش

ای اهورامزدا بکدام سوی روی آورم و بکجا رفته پناه جویم
 زیرا که خویشانم مرا ترك گفته و بزرگان از من کناره میجویند
 و حق مردمان و شهریاران دروغ نیز مرا از خود خوشنود
 نمیسازند پس چطور من ترا راضی ساخته و آئین و پیام مقدست
 را منتشر سازم

۲-۴۶

زرتشت در عالم پریشانی بتوسط راستی دولت ضمیر پاك را خواهان است

ای اهورامزدا میدانم که چرا بمقصود خود نمی‌رسم زیرا که
 فقط چند نفری با من همراه و استطاعتم برای پشتیبانی آنها
 بسیار قلیل است

ای خداوند من مشاهده فرما مرا که می‌خروشم و بتو شکایت
 میکنم کمک و مدد جانب‌بخش را مثل آنکه دوستی بدوست خود
 میدهد بمن عطا فرما و بوسیله راستی فروغ منش نيك و ثروت
 ضمیر پاك را بمن ارزانی فرمای

آموزگاران روحانی سوشیانس ها اند هرکس که باشد

پروردگارا کی سپیده دم بدر آید تا جهان را بسوی مقصد
راستی سوق دهد؟ و کی راهنمایان روحانی تعلیمات عالی و ستوده
آموزگار منتخب ترا منتشر خواهند کرد و آنها برای همراهی
که با ضمیر پاک خواهند آمد؟ ای اهورامزدا آنان بکمک من
خواهند آمد که ترا آموزگار خود میشناسم

ضدیت بابدان باعث آبادی جهان است

پیرو دروغ نمیگذارد که پیروان راستی چارپایان را زیاد کرده
و چراگاه و ایالت و کشور خودشان را آباد کنند زیرا که او
بدکار است و با اعمال بد خود جهانیان را تباه میسازد هرکس که
او را از کشور بیرون کرده و از جان و مال مردم دور کند راه
ترقی و تعالی جهان را هموار و درست میسازد

۴۶-۵

دانیان باید دوستان خود را به مخالفت بدان تشویق کنند

ای اهورامزدا خداوندگار من شهر یاری که مخالفت میکند با دشمن بدکاری که برای تباهی تمدن ما در حرکت است و دانائی که بوطایف خویش آگاه و از روی قانون راستی و عدالت زندگی میکند و شخص پاک و مقدسی که قوای بدی را میشناسد، بشود که باطرافیان و دوستان خود بگویند «برخیزید و بلند شوید تا قوای بدی را از پای در آورده و نابود کنیم»

۴۶-۶

مخالفت نکردن با بدان دلیل دروغ پرستی است

اما کسی که مقتدر است و با دروغ پرستان مخالفت نمیکند بمکان دروغ خواهد شتافت زیرا که دروغ پرست است کسی که با دروغگو مهربانی میکند و بالعکس کسی درستکار است که با پیروان راستی درست باشد. پروردگارا این نیست مگر از قانون ازلی تو

تعلیمات راستی در هنگام پریشانی بهترین پشتیبان است

ای اهورامزدا هنگامیکه دزوغ پرست بدکار بمن حمله میآورد
 که نگاهبان من بوده و مرا محافظت خواهد کرد؟
 آری فروغ مقدس و منش پاک تو و البته بتوسط قدرت مافوق
 آنها راستی مقام خود را خواهد گرفت
 پروردگارا با حکمت رحمانی خود روانم را تعلیم ده

چاه کن در چاه منزل دارد

ای اهورامزدا بشود که شعله آتش فساد بدکاریکه میخواهد
 بدودمان من تباهی وارد آورد بمن نرسد البته زبانه های آتش
 فسادش بخود او شعله ور خواهد گشت اثرات شومی که از اعمال
 و افعال او بروز خواهد کرد وی را از زندگانی نیک و خوش
 دور کرده وبا پریشانی و اندوه قرین خواهد ساخت

۹-۴۶

تنها اهورامزدا قابل ستایش است و مؤمن بتوسط ضمیر پاك
از فیوضات راستی بهره‌ور میگردد

ای اهورامزدا کجاست مؤمن و وفاداری که مرا نخستین
آموزگار شناخته و یقین کند که تنها تویی قابل ستایش و تویی
خداوندگار مقدس و پروردگار کریم و کجاست مؤمن و وفاداری که
بتوسط ضمیر پاك بشنود از من آنچه را که راستی بمن آشکار کرد
و آنچه را که آفریدگار جهان بر راستی ظاهر ساخت

۱۰-۴۶

تساوی حقوق زن و مرد. آنکس دارای ضمیر پاك است که
برای خاطر راستی درستکار است

ای اهورامزدا هر کس چه مرد و چه زن بکار بندد آنچه را
که تو آنرا در زندگانی بهترین چیزها میدانی و هر کس که محض
خاطر راستی دُرست کردار است و هر کس که در اقتدار خویش
بتوسط ضمیر پاك فرمان راند، بآنها سرودهای ستایش را تعلیم
داده و بر روی چینه‌ودیل دلالت میکنم

سزای بدکاران بدی خودشان میباشد

کریان‌ها و کاویها با ستمکاران همدست شده و زندگانی انسانی را
 بتوسط کشتار و شهر سوزاندن تباه میسازند یقیناً هنگامیکه بر
 روی چینودیل مانده و در مکان دروغ منزل میگزینند روحشان
 و وجدانشان در عذاب خواهد بود

پیرو راستی و محبت از هر نژاد که باشد از بخشایش اهورامزدا
 مستفیض است

هنگامیکه مابین خویشان و بازماندگان ستوده فرمان توراتی
 راستی برخاست میکنند و هنگامیکه آنان بتوسط عشق و فداکاری
 اوضاع کشور را روی بهبودی میبرند اهورامزدا ضمیر پاک را
 بملاقات آنان خواهد فرستاد و عنایت خداوندی آنانرا در راه
 خوشی و کمال راهنمایی خواهد کرد

۱۳-۴۶

قابلیت پیشوائی و نیل بدولت ضمیر پاك از راستی است

ای اهورامزدا کسیکه با کردار نيك خود زرتشت سپنتمان را خوشنود میسازد یقیناً قابل آنست که تعلیمات آئین مقدست را بمردم آشکار ساخته و تعلیم دهد اهورامزدا چنین شخصی را باعطای بهترین زندگانی مفتخر و کشورش را بتوسط ضمیر پاك ترقی خواهد داد و یقیناً او یاور صمیمی و وفادار راستی است

۱۴-۴۶

پاداش کسانی که در انتشار پیغام راستی میکوشند

« ای زرتشت کیست یاور وفادار تو در انجام این مقصد بزرگ؟ و که میخواهد پیغام تو آشکار گردد؟ یقیناً او کی کشتاسب پهلوان معروف است

ای اهورامزدا کسانی که در مکان تو راه مییابند آنانرا با سرودهای منش پاك ستایش کرده و برای یآوری در انتشار پیام مقدس تو دعوت میمایم

تمیزدهندگان راستی از دروغ مقصد راستی را پیش می‌برند

ای اخلاف هچتسپ سپنتمان اکنون با شما سخن میرانم یقیناً
شما راست و دروغ را از یک دیگر تمیز میدهید و بتوسط کردار
دلیرانه‌تان راستی را با قانون ازلی اهورامزدا بدست آورید

سر انجام خوش پیروان راستی

ای فروشتر از دودمان هوگو برو بدانسوی با یاوران
وفاداری که ما هر دو برای نجات عالم برگزیده‌ایم بدانسوی جائیکه
آرمیتی نماینده ضمیر چالاک با راستی همراه است بدانسوی جائیکه
اهورامزدا در مکان مجلد و با شکوه آمال مسکن دارد

۱۷-۴۶

پیروان راستی محبوب خدایند

بیا ای جاماسب هوگو که من در نظم از تو تمجید خواهم کرد
نه در نثر آنکس که ستایش خود را با اطاعت کامل تقدیم میکند و
و آنکس که مابین راست و دروغ تمیز میدهد اهوامزدا او را
بموسط قانون شریف راستی و داد درست خواهد داشت

۱۸-۴۶

پاداش پیروان راستی

کسی که راستی را پیروی مینماید برای من زرتشت کار کرده
و مقصد بزرگ را مطابق آمال و آزریم پیش میبرد چنین کس در
اینجهان عزیز و شریف بوده و درجهان دیگر پاداش لایق و
سزاوار خود خواهد گرفت
ای خداوند من و ای اهورای دانای مطلق یقیناً تو خودت
همه اینها را بمن آشکار فرمودی

بهترین چیز، کمال و جاودانی بتوسط ضمیر پاك بدست میآید

بشود که زندگانی بهترین برای کسی باشد که از برای من
سرچشمه سرور و خوشی است بتوسط ضمیر پاك باو خواهم بخشید
بهترین آنچه را که من دارايم

بشود که زحمت و سختی برای کسی باشد که برما زحمت و
سَم روا میدارد

ای خداوند من و ای راستی که میخواهید مقصودتان
بانجام برسانید این است نتیجه فهم من و این است آرزو و آمال
من

سپنتمد گات

یسنا ی ۴۷

سومین گاتها سپنتمد با این فصل شروع میگردد و غالب مندرجاتش صحبت از دو نعمتی است که اهورامزدا به پیروان راستی (قطعات ۴-۵) و آنکس که برای زرتشت کار میکند (یسنا ۶ ۴ قطعه ۱۹) و خود پیغمبر (یسنا ۲۹ قطعه ۶-۸) ارزانی میدارد آن دو نعمت و موهبت لاینفک خوشی و جاودانیت نعمت خوشی که زرتشت وعده میدهد عبارت است از انتهای خوشی و کمال در هر چیز از هر حیث و مراد از نعمت جاودانی نیز معلوم و آشکار و محتاج بتوضیح نیست. مواهب مذکور را اهورامزدا بتوسط منش پاک و راستی و اقتدار رحمانی که با آرمیتی (عشق پارسائی و فداکاری) ارتباط دارند احسان میفرماید

این فصل کوچک مقدمه است برای فصول آینده که پیغمبر در آنها شرح و بیان مفصلتری راجع بخصایص عشق و غیرت (آرمیتی) میدهد

۱-۴۷

بهترین پاداش اهورامزدا یعنی کمال و جاودانی از آن کسانی است
که خیال و گفتار و کردار شان نیک است

بشود که اهورامزدا با خرد مقدس خویش و بتوسط ضمیر پاک
و اقتدار رحمانی و عشق و فداکاری (آرمیتی) دو نعمت شریفش
یعنی کمال و خوشی این جهانی و جاودانی دیگر سرای را برای
خیال و گفتار و کردار نیکی که بتوسط راستی بعمل آمده است
بما ارزانی دارد

۲-۴۷

فقط دارندگان ضمیر پاک و عشق و غیرت و ظایف خود را
نسبت بروح مقدس بجای میآورند

ای اهورامزدا کسی میتواند که وظایف خود را نسبت بخرد
مقدس تو کاملاً بجا آرد که دارای ضمیر پاک بوده و سرودهای
ستایشت را بسراید و کسی که با تمام قوای خویش مطابق دستور
آرمیتی با عشق و فداکاری برای ترقی این عالم مادی بکوشد
بروردگارا یقیناً با حکمت کامل خویش توفی پدر راستی

۳-۴۷

امشاسپندان باعث خرمی جهان و از خصایص اهورامزدا هستند

ای اهورامزدا یقیناً تویی خداوند خرد مقدس زیرا در هنگام
مشاوره با ضمیر پاک این جهان خوشی دهنده را آفریده و بتوسط
آرمیتی (فداکاری و عشق) زمین را سبز و خرم فرمودی

۴-۴۷

پیروان دروغ با وجود قدرت و تمول مقهور پیروان راستی میگردند

ای اهورامزدا پیروان دروغ از خرد مقدس تو شکست
میخورند نه پیروان راستی اگر چه پیروان راستی ضعیف و فقیر
و پیروان دروغ مقتدر و متمول اند

بدکاران از مواهب اهورامزدا محروم اند

ای اهورامزدا بتوسط خرد مقدس خویش تمام چیزهای نیک را برای نیک مقرر فرموده اما زشت و بد از مراحم و نعم تو دور بوده و بواسطه اعمال و کردار زشت خویش در مکان ضمیر بد منزل خواهد گرفت

امید آخرین پاداش، بسیاری از بدکاران را پیرو راستی خواهد کرد

ای اهورامزدا بتوسط خرد مقدس خویش و بتوسط آفر حقیقی خود نیک و بد را از روی راستی و عدالت بطرفین متخالف تقسیم خواهی کرد و البته این باعث خواهد شد که بسیاری پیغام مقدس را شنیده بکار بندند

یسنای ۴۸

مندرجات این فصل برخلاف یسناهای سابق مختلف و دريك موضوع معینی نیست و بقطعات ۱-۴ و ۵-۶ و ۸-۱۲ قسمت شده است. 'مبارزه مذهبی حتمی الوقوع است ولی آیا بواسطه تحريك و تشجيع (یسنا ۳۱ قطعه ۱۸) و یا وقوعش پیش بینی شده است (یسنا ۴۴ قطعات ۱۵-۱۶) و یا امید فتح و نصرت (یسنا ۴۵ قطعه ۱) و یا شکست (یسنا ۴۹ قطعه ۱) نمیتوان بطور یقین معین نمود

پیغمبر یا مروج آئین مزدا قطع نظر از نتایج اولیه جنگ خواه خوب و خواه بد مہدای کشمکش و مبارزه است اما از سر انجام و عاقبت خوش آن و غلبه راسخی بر دروغ مطمئن (قطعه ۱) میباشد ولی باز هم قبل از فرا رسیدن بحران عظیم جنگ (قطعه ۲-۳) از اهورامزدا برخلاف یسنای ۳۱ قطعه ۱۷ که سؤال نمود 'ظفر با کیست' استغاثه مینماید که بوی اطمینان فتح بدهد و میگوید اطمینان مزدا بهترین وسیله برای تجدید جهان و جهانیان میباشد کسانیکه منتظر اند از

نعمتهای روحانی اهورامزدا متنعم کردند (قطعه ۴) باید بصیرت خود را در ایمان کامل سازند

قطعات ۵ - ۶ استغاثه ایست به آرمیتی نماینده عشق و غیرت که نگذارد سپاه دشمن در مبارزه پیشرفت نموده و سلطان دروغ بر مردم سلطنت کند بلکه بشود که نیکان با حکمت منش پاك شیرازه امور مملکتی را در دست گیرند تا از پرتو آنان مردم راحت بوده و جهان آفرینش خوش و خرم گردد در قطعه ۷ با تأکیدات لازمه حامیان و یاوران خود و مردم (قطعه ۸) را بجنبه بحد قوای دروغ تحریک و تشجیع مینماید اما در بعد گویا بواسطه غلبه مخالفین (قطعه ۹) شکایت آغاز میکند و میفرماید (قطعه ۱۰) کی مردم پی برسالت او برده و در بر انداختن مشروبات الکلی که علل خرابی جهان و بدبختی جهانیان است میکوشند و از خدای خویش (قطعه ۱۱) سؤال مینماید که حکمت ایزدی بکه روی میآورد تا صلح و سلامتی را در جهان حکم فرما سازد و در آخرین قطعه خصایص و صفاتی را که سوشیانسها و راهنمایان روحانی باید دارا باشند بیان میسازد

۱-۴۸

فیروزی پیروان راستی در سر انجام حتمی است

وقتیکه بشر با کمک راستی بر دروغ چیره میگردد و وقتیکه
برده از روی زشتی و جهل و نادری که مدتی بر خداوندان
دروغ و فرومایگان فرمانروائی داشتند برداشته میشود آنوقت ای
خداوند من موسم بهار ستایش تو میرسد و پیغامت انمار
شرین و لذیذ خود را بیار خواهد آورد

۲-۴۸

غلبه راستی بر دروغ، جهان را تجدید خواهد کرد

ای اهورامزدا آگاه ساز مرا زیرا تو آگاهی که قبل از
فرا رسیدن بحران عظیم آبا راستی بر دشمن خویش که دروغ پلید
است مظفر و منصور خواهد شد.

آری این پیغام خوبی است برای تجدید جهان و جهانیان

۳-۴۸

دانش و حکمت عبارتست از معرفت با ایمان مقدس مزدا

ای اهورامزداى عالم الغیب به شخص دانائی که ینقامت را
شنیده است کلید فهم ایمان مقدست را که بتوسط ضمیر پاک تاسیس
فرموده و اساسش بر روی راستی است عطا فرما تا شاید که بفیض
نعمت تو نائل گردد

۴-۴۸

آنکس که خردش را در راه راست بکار برد دازای عاقبت
خوش خواهد بود

پروردگارا کسی که نیک را از بد تمیز دهد و کسی که بصیرتش
را در ایمان عمیق تر سازد آرزو و امیدش باغایت آمال زندگانی
هم آهنگ میباشد
ای خداوند من یقیناً تو از سر انجام خوش او مسبوق و آگاهی

حکومت راستی باعث آبادی زمین و خوشی جهانیان است

ای آرمیتی (عشق و محبت) مکنذار که بدان بر ما فرمانروائی
کنند بشود که نیکان باستعانت ضمیر پاک و حکمت رسا بر ما
سلطنت نمایند ای بهترین همه و ای واجب الوجود انسان را کامل
فرما و زندگانش را با کمال و خوشی و جاودانی بیارای و بکنذار که
انسان غیور بوده و با عشق و غیرت زمین و چارپایان را توجه
و نگاهداری کند زیرا که یقیناً او را خواهند پرورید

چون زمین مخصوص سکونت و زراعت است در آبادی آن

باید ساعی بود

آرمیتی (عشق و غیرت) خانه‌های روح افزا و زندگانی خوش
و جاودانی را بما ارزانی میدارد و برای خاطر او اهورامزدا در
روز ازل بتوسط قانون راستی زمین را سبز و گیاه را برویانید (۱)

(۱) مقصود این است که اهورامزدا چون نوع بشر را دوست میدارد همه
و سایل استراحتش را فراهم نموده است

منتظرین مواهب یزدانی تندی و ستم را باید بر اندازند

ای کسانی که می‌خواهید یاور ضمیر پاک شوید و با راستی
دوست گردید و مقصود مقدس را پیش برید تندی و خشم را
فرو نشانید و از کینه و بد خواهی دوری گزینید
ای اهورامزدا البته چنین مردمان نیک را بگروتمان دلالت
خواهم کرد

نعمت کشور آسمانی برای زرتشت مقرر شده است

ای اهورامزدا خوشی کشور آسمانی تو نعمتی است که برای
من مقرر شده است
ای راستی کدام نشانهای تو مردم را بیاری ما بر خواهد
انگیخت؟ و پروردگارا کدام فروغی از منظره درخشان تو آنها را
و اداری بانجام اعمال نیکی خواهد کرد که منشاء آن از سر چشمه
روح تست

۹-۴۸

ظالمین بسزا میرسند

ای اهورامزدا کی خواهم دانست که تو چگونه با راستی و عدالت رفتار میکنی با آنانی که بر من ستم روا داشته و در بیم و شکم میاندازند بشود که کله معمای خوش که سر انجام مسرت بخش چیست بمن روشن گردد من که رهاننده و سوشیانسم

۱۰-۴۸

منع استعمال الکحل

ای اهورامزدا در چه وقت دانا یان میآیند و فساد چرکین خمر و الکحل را از میان میبرند چیزیکه بتوسط آن کریاها و خداوندان دروغ عالم را خراب و زمین را بایر میسازند

کی جهانیان از نعمت حکمت ضمیر پاك برخوردار میگردند

ای اهورامزدا کی عشق و فداکاری با راستی در ممالك ما قدم خواهد نهاد؟ و کی بتوسط سلطنت نيك زندگانی خوش و چراگاه سبز و خرم بما روی خواهد آورد؟ و که در مقابل بدکاران و دروغ پرستان صلح و آرامی برای ما برقرار میدارد؟ و حکمت ضمیر پاك بکه توجه خواهد کرد

پیروان راستی و ضمیر پاك راهنمایان روحانی اند

پروردگارا یقیناً کسانی سوشیانسها و نجات دهندگان عالم محسوب اند که تورا ستایش کرده و ضمیر پاك مهیج آنان است و کسانی که کردارشان با قانون راستی و عدالت هم آهنگ بوده و در ترویج آئین تو میکوشند
ای اهورامزدا یقیناً آنان از طرف تو برای درهم شکستن خشم و تندی معین شد اند

یسنای ۴۹

از مندرجات این فصل که بر دو قسمت تقسیم شده است چنین
مستفاد میگردد که کشمکش های مذهبی در یکدفعه بنفع پیروان
دروغ تمام شده است بندویکی از رؤسای آنان (قطعه ۱-۲) بواسطه
عدم اعتنا بقانون راستی و عشق و محبت در مقابل پیغمبر علم مخالفت
بلند کرده و سدّ بزرگی برای پیشرفت مقاصد او و حامیان اوست
چون دروغ سر چشمه تباهی، و راستی باعث خرمی جهان
و شادمانی جهانیان است باید در دفع دروغ پرستان و نابود کردن
(قطعه ۳) آنان کوشید و آنکس که با خیالات بدکاران موافقت
نماید با آنان موافق و همراه بوده و در توسعه دایره جهالت و دروغ
ساعی است (قطعه ۴) اما هرکس که در آبادانی (قطعه ۵) و خرمی
زمین و آسایش مردم جهد میورزد مومن بآئین مزدا و از پیروان
راستی و دوست آرمیتی نماینده عشق و محبت است. مبلغین آئین
مزدا باید طریقه تبلیغ را (قطعه ۶) از راستی تعلیم گیرند زیرا
اوست که حکمت بزدانی را بیشر میآموزد در قطعه ۷ پیغمبر
بطور شاعرانه از اهورامزدا استغاثه مینماید که بسؤال او کوش

دهد و کسی را که مبلغ آئین مزدا خواهد بود (یعنی فروشستر) بوی معرفی نموده و او را با سلاح مقدس راستی و درستی مجهز کند تا بتواند در طی حیات جهانیان را هدایت نماید آنگاه بشنوندگان خود تأکید مینماید (قطعه ۹) که از معاشرت با دروغ پرستان خود داری نمایند تا کم کم ضعیف گردیده و قوایشان از میان رفته و نابود گردند پیروان راستی بواسطه ایمان بآئین مزدا از منش نیک و محبت (قطعه ۱۰) بهره‌مند گشته و در پناه و حفاظت اهورامزدا خواهند بود در حالیکه پیروان دروغ بواسطه مخالفتشان (قطعه ۱۱) در سرای منش زشت با بدترین حالت و خورا کهای ناخوش بدبو باستقبال رفقای خود خواهند شتافت آخرین قطعه این فصل بفصل آینده تعلق دارد و از مندرجاتش چنین مفهوم میشود که در کشمکش‌های مقدس شکستی بیروان راستی وارد گردیده است از اینرو پیغمبر برای غلبه و ظفر بر دشمنان خویش کمک و استعانت راستی و منش پاک را از اهورامزدا درخواست مینماید تا بتوسط آن اسلحه‌های مقدس مخالفین خود را از میان برداشته و نابود سازد

۱-۴۹

تحریرکات ضمیر پاک مارا مظفر میسازد

ای اهورامزدا بندو نادرست بدترین دشمن من است
 هنگامیکه گمراهان را بسوی فروغ راستی دلالت میکنم پروردگارا
 با رحمت خود بیاری من بشتاب و جراحات قلبم را مرهم نه و
 بتوسط ضمیر پاک مارا تهییج و بر بدکاران و پیروان دروغ چیره فرمای

۲-۴۹

بدکاران از منش پاک و عشق پارسا دوراند

ای مزدا بندو حکمران بد و پیرو دروغ که از فروغ راستی
 محروم و منفور اشاست دیر زمانی است که خار سر راه من میباشد
 از اینجهت از عشق و غیرت و فداکاری بوئی نبرده و در آبادی
 و خرمی زمین ساعی نیست و از فیض مشاوره با ضمیر پاک و منش
 نیک محروم است

پیروان راستی باید از پیروان دروغ دوری گزینند

ای اهورامزدا در آئین مقدس تو راستی برترین و برای
جهانیان سود بخش ترین است و دروغ برای پیروانش باعث
تباهی و ویرانی
این است که میکوشم منش پاک را بدست آورم و از این جهت
موعظه میکنم که ارتباط با دروغ و دروغ پرستان را قطع کنند

پیروان دروغ باعث خرابی و تباهی اند

کسانی که با گفتار زشتشان در ترویج فساد اند و کسانی که بواسطه
جهلشان باعث ویرانی و تباهی اند و کسانی که مقصدشان موافقت
با بدی و بدکاران است البته در توسعه دایره دروغ و جهالت
میکوشند

۵-۴۹

پيروان آئين مزددا و منش پاك باعث آبادى جهان اند

اما كسيكه بتوسط ضمير پاك با آئين مقدس تو پي برد باعث آبادى
و خرمى زمين و ترقى عالم ميباشد
اى اهورامزدا چنين كس پيرو راستي و صميمى و فداكار و داراى
عشق پاك آرميتي است و براى ياداش خوب در كشور آسمانى تو
مزل گرفته و از نعم ابدى مستفيض خواهد گشت

۶-۴۹

راستي و منش پاك آئين مزددا را آشكار ميكند

اى اهورامزدا هنگاميكه براى درخواست رحمت و دانش بسوى
تو زانو ميزنم روح راستي مرا از بطون حكمت رحمانى تو آگاه
ميسازد و دستور ميدهد كه همواره در راه راست ثابت قدم بوده
و اعمالم را بر طبق آن بعمل آورم تا بشود كه فروغ آئين مقدس
تو جلوه گر گرديده و جهان را روشن سازد

که با زرتشت در ترویج آئین حقیقت همدست خواهد شد

ای اهورامزدا ستوالم را بشنو و هم بشنوید ای کسانی که راستی
 مهیج آنان است و دارای ضمیر پاک هستید که از میان شرفا و
 خویشانم با من همدست شده و در تبلیغ آئین مقدس مابین گروه
 کارگران بمن یاری میکند

استغاثه زرتشت که راستی با فروشتر متفق گردد

ای اهورامزدا درخواست مینمایم از تو که به فروشتر چنان
 راستی و درستی عطا فرمائی که هدایتش برای جهانیان مفید باشد
 و بخودم نیز خوشی کشور آسمانیت احسان فرما و تا طول حیات
 ما هر دو مبلغ پیغام مقدس تو خواهیم بود

۹-۴۹

پیروان راستی نباید با پیروان دروغ معاشرت نمایند

باید آن یاوریکه برای راهنمایی آفریده شد این فرمان مرزا را بخاطر خود بسپرد. پیروان راستی نباید با پیروان دروغ معاشرت نمایند. ای جاماسب هر کس که با راستی متفق گردید در روز واپسین از نعمت یزدانی متنعم خواهد شد

۱۰-۴۹

پیروان راستی در تحت حمایت اهورامزدایند

ای اهورامزدا اینها را بتوجه و حفاظت تو وا میگذارم
 صاحبان ضمیر پاک و ارواح پیروان راستی و آئین مقدس و روح
 عشق و غیرت زیرا توئی سلطان عالم و قوه زوال ناپذیر

پیروان دروغ با چیزهای زشت و بد محشور خواهند بود

ارواح پیروان دروغ با خوراکیهای زشت و بدبو در مکان
 دروغ با استقبال حکمرانان بد و صاحبان خیال بد و گفتار بد و
 و کردار بد خواهند شتافت

سؤال زرتشت که بتوسط راستی و منش پاک چه کمکی باو
 خواهد شد

ای راستی چگونه مرا یاری خواهی کرد من که کمک ترا
 خواهان و آرزومندم و ای ضمیر پاک کدام فیض و نعمتی را
 برای من خواهی آورد و ای اهورامزدا من که همواره با فروتنی
 تمام سرودهای ستایش را بتو نیاز کرده و بخشایش بی پایانت را
 خواستارم احسان فرمای بمن آنچه را که تو دارائی زیرا آن
 بهترین است

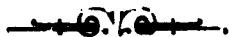
یسنای ۵۰

چنانکه گفتیم مندرجات قطعات اولیه این فصل دنباله آخرین قطعه فصل گذشته است پس از سؤالات پیغمبر از اهورامزدا و پیش بینی کشمکش های شدید (یسنای ۸ ۴ قطعه ۱-۷) و تشجیع و تحریک مردم بجنك و مبارزه با دروغ و دروغ پرستان (یسنای ۸ ۴ قطعه ۸ و ۱۱) اکنون که جنك بنفع دشمن تمام گردید پیغمبر بطرز مخصوصی که مختص بخود اوست از اهورامزدا كمك و یاوریش را استغاثه مینماید و درضمن تعلیم میدهد که در مواقع پریشانی باید بمزدا اعتماد نموده و از او تنها منتظر یآوری و كمك بود

در قطعه ۳ جواب سؤالات مندرجه در قطعه ۲ مشاهده میشود که میفرماید هنگامی آسایش و آرامی در ملك برقرار میگردد که بر دشمنان خویش، دروغ پرستان غلبه یابیم و حتی در حین کشمکش و بجران جنك (قطعه ۴) نیز باید منتظر رحمت و لطف الهی و نعمت اعلی علین بود

از مندرجات قطعه ۵ چنین مفهوم میشود که مردم بی بحقانیت پیغمبر برده و برای كمك او با جان حاضر اند حتی از اهورامزدا پیشرفت مقاصد و آمال او را و خود زرتشت با خامیانش (قطعه ۷)

کمک راستی و ضمیر پاک را استغاثه می نمایند مابقی قطعات مناجات
و سرودهایست که پیغمبر برای ستایش اهورامزدا ترتیب داده
است



۱-۵۰.

مردا و راستی و منش پاك پشت و پناه مردم اند

از که درخواست یاوری و کمک بنمایم؟ و بر که اعتماد کنیم تا
رمه و قلوب ما را از دستبرد دروغ و پیروانش محافظت نماید؟
بر راستی و ضمیر پاك اعتماد باید کرد که دعوت ما را لبیک اجابت
میگویند و بر تو ای مردا که پاینده و جاودانی

۲-۵۰.

بتوسط راستی و درستی زندگانی خوش برای بشر مقصود شده است

ای پروردگار من آگاه فرمای مرا که چگونه عمل کنند
کسانی که این جهان خوشی بخش را با ثروت زیاد و چراگاه
سبزش دوست دارند؟

(جواب) زندگانی نمایند در زیر پرتو درخشان خورشید
مطابق قانون راستی و درستی و مطابق قانون ازلی. اینگونه مردم
در روز واپسین ببخشایش معهود و بنعمت جاودانی نایل
خواهند شد

آنکس از موهبت یزدانی بهره میبرد که دست دروغ و پیروانش را
از زمین و کشت زارها کوتاه میسازد

بروردگارا پیش آهنگ زور آوری که بواسطه پیغام مقدس
تو بهیجان آمده و آرامی و آسایش را بر زمین و کشتکاری که
پیروان دروغ ویران نموده اند برقرار میدارد بتوسط راستی از نعمت
و موهبتی که وهومن در کشور آسمانی وعده داده است مستفیض
خواهد گشت

ستایش و پرستش زر تشت

ای محبوب من و ای خداوند من در حالیکه از راستی قلبم در
ارتعاش است و در حالیکه از خیال بهین ضمیرم در هیجان است
و در حالیکه تمام اقتدار رحمانی در من جمع است با سرودهای
ستایش در لبانم در نهایت خضوع بسوی تو زانو میزنم و حتی
در روز واپسین هنگامیکه در بارگاهت ایستاده استغاثه می کنم
خواهم شنید آواز باز گشت شیرین ستایشم را از مکان سرودهایت
(گروثمان - عرش)

۵-۵۰

با کمک مزدا خوشی و آسایش نصیب ما میگردد

پروردگارا با رحمت و بخشایش ابدیت بسوی پیغمبرت پیش آی
 که بتوسط تو و بتوسط راستی بهیجان آمده و پیغام مقدست را
 بوسیله سرودهای روحانی بجهانیان اعلام میدارد و ای اهورامزدا
 دست کمک خویش و یاوریت را بوی ارزانی دار تا خوشی و آسایش
 را میان ما برقرار سازد

۶-۵۰

آنکس که در راه راست سیر مینماید دوست زرتشت است

ای خداوند من کسیکه کردارش بر طبق قانون راستی است
 با کمال فروتنی بسوی تو زانو زده و سرودهای ستایشت را سرانیده
 و ترا میپرستد و کسیکه گفتارش را در راه راست حکمت بکار میبرد
 دوست صمیمی زرتشت است که بتوسط ضمیر پاک بهیجان آمده و آئین
 مرا اعلام کرده و ترویج مینماید

۷-۵۰

راستی و منش پاک یاور انسان اند

ای اهورامزدا با تندروترین سوارانت یعنی راستی و ضمیر
پاک بسوی ممالك پرستش کنندگانت عبور و مرا در پیشرفت
مقاصدم مدد فرما و یاوری بخش

۸-۵۰

راستی و منش پاک ما را بحضور اهورامزدا رساننده و بوصلالش
نایل میسازد

خداوندگارا در حالیکه با عشق پاک و یارسائی و با دستهای بلند
شده بسوی تو سرودهای مقدست را میسرایم بوصل تو نائل خواهم
شد و ای مزدا در حالیکه راستی و ضمیر پاک را با خود یکی کرده
و با تواضع بسوی تو زانو میزنم بفیض حضورت مستفیض خواهم گشت

۹-۵۰.

هر کسی خودش بانی امورات خویش و خداوند مقدرات
خود میباشد

خداوندگارا با اتفاق راستی و ضمیر پاک و این سرودهای رحمانی
 بدیدار تو خواهم رسید و در حالیکه با جدی تمام در نیل بوصول
 پاداش خوشی بخش و مواهب رحانیت میکوشم و بآن نائل میگردم
 خودم خداوند مقدرات خویش خواهم گشت

۱۰-۵۰.

نه تنها انسان با اعمال خودش تسبیح خوان خداست بلکه
تمام موجودات حتی ماه و ستاره هم از پی تسبیح خدایند

ای اهورامزدا کارهای نیکی که کرده و در بعد خواهم کرد
 و چیزهای نیکی که میدرخشند و زیبا بنظر میرسند مثل آفتاب
 و ستاره و بامداد که منادی روز است تمام در حقیقت ترا میستایند

زرنشت تا طول حیات مُروّج آئین مزدا خواهد بود

ای مزدا من خودم را شاعر ستایشت میدانم وای راستی تاهمذنی
 که مرا تاب و توانائی است بچنین حال باقی خواهم ماند بشود که
 آفریدگار عالم مرا بوسیله ضمیر پاک مدد فرماید و بشود که بتوسط
 رحمت نامحدودش بجا آورده شود آنچه که بیشتر مقصد آفرینش
 را پیش میبرد

❦ وهو خشرکات ❦

این فصل وهو خشرکات چهارمین گاتها را تشکیل داده واقندار
رحمانی و فرمانروائی اهورامزدا بر روح و قلب بشر موضوع مهم
آست. در قطعه چهارم یینغمبر بواسطه سؤال خویش از اهورا
که « راستی کجاست؟ ضمیر پاک کجاست؟ روح خواننده را بهیجان
میاورد و مخصوصاً بیان « بهتر از خوب و بدتر از بد » در قطعه ۶
قابل بسی تأمل و تعمق است مندرجات قطعه ۱۱، یسنای ۴۵ را
بیاد قارئین میآورد. قطعات ۱۶-۲۰ راجع بازدواج زرتشت
با دختر فرشوشت بسیار دلکش و شیرین است. آخرین قطعه ستایش
شریفی است که زرتشت در آن برای یاوران و حامیان خویش
دعا میکند

حکومت راستی را باید استغاثه نمود

بهترین چیزی را که باید استغاثه نمود حکومت راستی است
 زیرا با عشق و غیرت و با حکمت و دانش کار میکند و سعادت
 و خوشی برای مردم بار آورده و کشور آسمانی را در این جهان
 مادی تأسیس مینماید لهذا از برای تحصیل و نیل باین موهبت
 روحانی همیشه میکوشم و کار میکنم

هر کس در راه مزدا کار کند از نعم یزدانی برخوردار میگردد

ای مزدا نخست موهبت راستی و نعمت درستی را بمن ارزانی
 دار و ای روح عشق و پیارسائی تو نیز خصایص و صفات روحانی
 خویش را بمن بخش

و ای خداوند من مواهب و نعم سبحانی خویش را بکسی
 احسان فرمای که با ضمیر پاک برای مقصود مقدس تو کار کرده
 و ترا میستاید

۳-۵۱

استغاثه کسانی که در راه خدا میکوشند مسموع است

ای اهورامزدا بکسانی گوش ده که در زیر سایه اقتدار و مواهب
تو جمع شده و کردار و گفتار شان از سر چشمه راستی و ضمیر پاک
است و شخصی که نخستین مهیج و آموزگارش تو میباشی ای
پروردگار من

۴-۵۱

سؤال زرتشت

ای اهورامزدا بجاست حکمران درستکار که از مردمان ساعی
و غیور حمایت کند؟ و رحمت و بخشایش در بجاست و کی راستی
مقام خویش را خواهد گرفت و بجاست آرمیتی و عشق و فداکاری
و غیرت؟ و کی ضمیر پاک بما نزدیکی خواهد کرد
پروردگارا یقیناً همه اینها در کشور آسمانی و از اقتدار
رحمانی تست

کارگر درست برای آبادی جهان میکوشد

از تو میپرسم آیا بر زیگر دانائی که پیرو راستی است و داور
دادگری را میپرستد که بر هر دو دسته بمنفعت مؤمنین قضاوت
میکند بنعمت جاودانی خواهد رسید؟

در روز واپسین، سرانجام درستکاران خوب و بدان بد است

اهورامزدا داور قادر و توانا در روز واپسین بشخص وفاداری
که راه راست را برگزیده و نیکی را بمردم نشان میدهد سرانجامی
بهتر از خوب باو ارزانی خواهد فرمود و کسیکه از راستی بوئی
نبرده و از خوبی نشانی ندیده در روز واپسین بسر انجامی بدتر
از بد خواهد رسید

۷-۵۱

درخواست زرتشت برای کمک و اقتدار رحمانی در تبلیغ آئین حقیقت

ای آفریدگار عالم و چارپایان وای خالق نهرها و گیاهها بتوسط
خرد مقدس خویش مواهب کمال و جاودانی و باوری ضمیر پاک
و اقتدار سبحانی را برای خدمت بآئین مقدس و انتشار پیغام
رحمانیت بمن ارزانی فرما

۸-۵۱

فرح و انبساط قلب پاداش درستکاران است

ای اهورامزدا آنگاه از جانب تو بکسانی خواهم گفتم که مایل
بدانستن اند که بدی نصیب پیرو دروغ است و نهاد پاک و قلب
روشن و ضمیر موزون بهره کسی است که برای خویش قانون
راستی برگزید

ای خداوند من اعلام چنین پیغامی بدانایان باعث سرور
پیغمبرت خواهد بود

۹-۵۱

در روز واپسین زیان برای دروغ پرستان و سود برای
پیروان راستی است

ای اهورامزدا خرد مقدس از آن تست که مزد و پاداش برای
 هر دو فرقه معین میکند پروردگارا آذر سرخ برای پیروان دروغ
 اشاره از فلز گداخته است که آه از نهاد آنان بر میآورد و برای
 نیکان باعث فرح و انبساط قلب میباشد

۱۰-۵۱

مخالفین زرتشت دشمن انسانیت اند

ای اهورامزدا کسیکه میکوشد بدون جهت و انصاف مرا بقتل
 برساند پیرو دروغ و باعث زحمت جهانیان است پروردگارا بی باکانه
 برپای ایستاده و از راستی استغاثه مینمایم که از طرف تو با آخرین
 پاداش نیک بیاری من بشتابد

۱۱-۵۱

درستکاری که دارای خصایص عشق و غیرت و فداکاری اند
بهترین دوست زرتشت میباشند

کجاست زور آوری که با زرتشت سپنتمان دوست خواهد شد
آنکس که مشاورش راستی است و دارای خصایص عشق و غیرت
و پارسائی و فداکاری و آنکس که مهبجش ضمیر پاک است برای
انتشار پیغام مقدس بهترین کس خواهد بود

۱۲-۵۱

عدم رضایت زرتشت از کاوی

در گذر زمستانی کاوی فرومایه زرتشت سپنتمان را از خود
خوشنود نساخت. خدمت اکنون با قامت راستش اینجا ایستاده
و چون آنها بمن نزدیک کردند من از آنان دور خواهم ماند

۱۳-۵۱

بدی و دروغ بدکاران را از پاداش فرح بخش مزدا محروم
خواهد نمود

بالاخره درستی پیرو راستی، زشتی پیرو دروغ را از میان خواهد
برد هنگامیکه روح بدکار بر روی چینود پل راه راستکار را باز
خواهد دید میکوشد که خود را بدان برساند ولی ملتفت خواهد
شد که اعمال زشت او پای بند خود اوست آنکاه با ناله و آه بعجز
و قصور خویش اعتراف خواهد کرد

۱۴-۵۱

بدکارانی که زمین را آباد و چارپایان را توجه نمی نمایند بخانه
دروغ خواهند شتافت

کربانهای دروغ پرست بزندگانی کشاورزی سر فرو نمی آورند
و زمین را آباد و چارپایان را توجه نمی نمایند کردار و تعلیمات زشت
و دروغشان در سر انجام آنها را بسرای دروغ خواهد فرستاد

۱۵-۵۱

گروئمان مأوای کسانی است که در ره راستی قدم میزنند

چه خوش است گروئمان مکان سرودها جائیکه اهورامزدا
خدای یکانه منزل دارد این همان پاداشی است که من زرتشت
منتظر آنم و بکسانی ارزانی خواهد شد که یاور و پشتیبان مقصد
بزرگ میباشند و بشما نیز بخشیده میشود ای کسانی که ضمیر پاک
راهنمایان بوده و در راه راستی قدم میزنید

۱۶-۵۱

تمجید از گشتاسب

شاه گشتاسب حکمران درسنگار یاور مقصد بزرگ گردیده
است سرودهای الهامی شاعر مزدا که اشاره از ایمان نیک
و پیغام مقدسی است که اساسش بر روی راستی میباشد بر وی
موثر شده

بدین طریق اگر خواسته باشیم نعمت نجات از آن ما نیز
تواند شد

ازدواج زرتشت

فرشوستر از دودمان هوگو دختر زیبای خودش را بزنی بمن داد. بشود که اهورامزدا خدای توانا او را بدولت راستی رساناد و بشود که اهورامزدا او را (دختر) بمن ارزانی دارد تا باتفاق یکدیگر با کمك راستی در پیشرفت مقصود مقدس بکوشیم

تمجید از جاماسب

خداوندگارا جاماسب هوگو خداوند ثروت و اقتدار و پیرو راستی، حکمت آئین مقدست را برای خویش برگزید لهذا از این انتخاب بدولت ضمیر پاک نایل میگردد. پروردگارا چنان قوه بمن عطا فرما که بتوانم بمردم تعلیم دهم که همواره امیدشان بسوی تو بوده و برای پناه و یآوری بتو متوجه گردند

۱۹-۵۱

تمجید از میدیوماه

میدیوماه از دودمان سپنتمان پس از دانا شدن و پی برد
 بآئین مقدس با عشق پاك خویش میکوشد که با کردار و اعمال
 زندگانی نيك بهمه خوبی کرده و قانون راستی و درستی که اهورامزدا
 مقرر فرموده است بآنان آشکار سازد هر کس بدین طریق اعمال
 نيك زندگانی خود را تقدیم میدارد یاور مقصد بزرگ است

۲۰-۵۱

راستی و ضمیر پاك و عشق پارسا آخرین خوشی را نصیب ما میسازد

شما که برای يك مقصد کار میکنید بشود راستی و ضمیر پاك
 و عشقی که بتوسط آن به سوی کمال سپنتمان آرمیتی یدش میروید
 شما را به نیل آخرین خوشی که منتظرید نایل سازد ای اهورامزدا
 برای تحصیل خوشی و موهبتی که از سر چشمه تست ستایش خویش
 را با فروتنی تقدیم میکنیم

تییکی بر مردم کردن نتیجه ضمیر پاك و دانش و معرفت خدادادی است

شخص پارسا و غیور بواسطه دانش پاك و معرفت راستی
و بواسطه پندار نيك و گفتار نيك و کردار نيك همه کس
مهربان و نيك است از اینجهت اهورامزدا دولت ضمیر پاك را باو
ارزانی میدارد دولت و موهبتی که من نیز آنرا منتظرم

زرتشت کسانی را دعا میکند که بآئین مزدا ایمان آورده اند

کسان نیکی که چنین ستایش خوبی را بخداوندگار من تقدیم
مینمایند کسانی که رفته اند و کسانی که مانده اند و کسانی که
اهورامزدا خودش میداند در ستایشم يك يك را دعا کرده و با محبت
قلبی بآنان خواهم رسید

❖ و هیشتهواشت گات ❖

یسنای ۵۳

این فصل آخرین گاتها و هیشتهواشت را تشکیل و در موضوع مهم ازدواج پوروچیست دختر زرتشت با جاماسب صحبت میدارد پس از آنکه پیغمبر شاه گشتاسب و سردارانش را پیرو خود ساخت امیدوار است که آنها در ترویج آئین مزدا کوشیده و حقایق واقعی را ب مردم تعلیم دهند در قطعه ۳ به پوروچیست کوچکترین دختر خود که باید بعقد ازدواج جاماسب در آید آزادی کامل داده و باو دستور میدهد که در این کار مهم و شریف بصلاح و تصویب خرد و عقل خود رفتار نماید پوروچیست در جواب پدر (قطعه ۴) متعهد میشود که در همه کارها با عشق پاک و راستی رفتار نموده و نسبت بشوهر خویش صمیمی و وفادار خواهد ماند. مابقی قطعات بیانی است که پیغمبر در موقع عقد ازدواج بداماد و عروس و سایر حضار خطاب مینماید. این فصل مقام اجتماعی زن را در ایران قدیم و تساوی حقوق او را با مرد بطور خوبی معلوم و مشخص میسازد

امید زرتشت

ای خداوند من بلند ترین آمال زرتشت سپنتمان آنگاه بر آورده
 میشود که برای راستی کاملش زندگانی جاودانی باو عطا فرمائی
 در هنگامیکه پیروان دروغ بالاخره بسوی او رو آورده و با شوق
 تمام پیام مقدس و اصول ایمانت را فرا میگیرند

حامیان زرتشت باید راه راست را بمردم نشان دهند

پس بگذارید که آنها با پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک
 و با فروتنی تمام سرودهای ستایش اهورامزدا را سرانیده و او را
 بپرستند بشود که شاه گشتاسب و فروشتر و پسر زرتشت سپنتمان
 بمردم یاد دهند که در راه راست آئین مزدا ثابت قدم مانند آئینی
 که اهورامزدا بتوسط پیغمبر خویش و روحانیون آینده فرستاد

۳-۵۳

بعقد ازدواج در آوردن دختر خود پوروچیست را بجاماسب
و آزادی عقیده باو دادن

ای پوروچیست جوانترین دختر زرتشت از دودمان هچتسپ
و سپنتهان اهورامزدا جاماسب را برای یآوری تو بر کزید جاماسب
که دارای ضمیر پاک و پشتیبان راستی و درستی است اینک تو
با خرد خویش مشورت کن و با عشق پاک بدستور عقل رفتار نما

۴-۵۳

جواب پوروچیست که بواسطه وفاداری بشوهر و اقوام و دیگران
بنعمت جاودانی خواهد رسید

پوروچیست البته در عشق نسبت باو صمیمی خواهم بود
و با پدر و شوهر و شرفا و برزیگران رسم وفا معمول خواهم داشت
و مثل يك زن درستکار وفادار خواهم ماند. از اینرو موهبت عالی
فروغ ضمیر پاک از آن من خواهد بود بشود که اهورامزدا این
نعمت جاودانی را بمن ارزانی داراد

اندرز زرتشت بداماد و عروس

ای عروسان وای دامادان روی سخنم با شماست باندروزم گوش
و گفتارم را در سینه ثبت سازید از پیروان راستی اصول آئین نیک
یاد گرفته و هر يك بکوشید که زندگانی را باتفاق ضمیر پاک پایان
رسانیده و با قلب پاک و صمیمیت در عشق نسبت بیکدیگر سبقت
جوئید و آنگاه یقیناً زندگانی خوش خانوادگی از آن شما خواهد بود

اندرز زرتشت بحضار

ای مردان و زنان اینها حقایق واقعی است هرگز خوشی
نخواهید دید اگر غفریتهای دروغ گردونه زندگانی شما را برانند
ارتباط خویش را با دروغ و دروغ پرستان قطع کنید خوشی
و سرور که بآبی شرفی توأم است و خوشی و سرور که باعث زحمت
دیگران است برای جوینده اش زهر قاتل میباشد دروغ پرست
بی ایمانیکه راستکار را در این جهان تباه میسازد زندگانی معنوی
خویش را خراب مینماید

۷-۵۳

هر کس بدی را مغلوب کرد بنعمت خوشی خواهد رسید اما وای
بحال کسیکه مغلوب بدی گردد

ای مردان و زنان هنگامیکه درخت آمال خودخواهی
 و آرزوهای بد را از زمین وجودتان ریشه کن کردید و هنگامیکه
 بدی نفس خویش را مغلوب ابدی ساختید آنگاه بفیض موهبت
 رحمانی مستفیض خواهید گشت و اگر قصور و اهمال ورزیدید
 افسوس فریاد واپسین شما خواهد بود

۸-۵۳

پادشاه درستکار باید آرامش را در ملك برقرار ساخته و بدکاران
را نابود کند

آنانیکه پیروان دروغ اند بآمال خویش نمیرسند و به نیستی
 محکوم اند باید که شهریار درستکار آنانرا برباد فنا دهد و راه
 خوشی و خرمی برای بیچارگان و برزیگران باز کند و یاغیان را
 در زیر زنجیر شکنج و رنج در آورد و باید هر چه زودتر این
 اتفاق بوقوع پیوندد

اهورامزدا پشتیبان بیچارگان است

ای خداوند من بدکاران و پیروان دروغ خادمیت را آزار داده
و به نیک و نیکان بنگاه حقارت مینگرند کجاست شهریار درست
کرداری که آزادی از آنان سلب کرده و معدومشان سازد
ای اهورامزدا اقتدار رحمانی و سلطانی از آن تست توئی آنکسیکه
به بیچارگان راستکار در روز واپسین بهترین بهره‌شان را عطا
میفرمائی



فرزانه که بفرزانگان پیوست

بهتر آن دانست که با مطلق :

" بوی گل را از که جوئیم از گلاب "

اندیشه‌های شهردان را از زبان و قلم خودش دریا بیم . رشید در
دیباچه کتاب فرزنانگان مینویسد :

" در اوان جوانی، هوای جستجوی حقیقت بر سر داشتیم و از هر جا و
هر کس جویای طریقت و معرفت بودم . بخدمت صاحب‌دلان و عارفان
رسیدم . تذکره‌های بزرگان و عارفان پیشین را ورق می‌زدم نفوذ
و شهرت کار آنها را مطالعه می‌نمودم ."

"در هندوستان به کتب و آثار فرزنانگان زرتشتی و اولیای گرامی
آنها برخوردیم فرزنانگانی که بزرگترین عارفان و اولیای اسلام
مانند : شیخ بهاء الدین الجلی‌العالمی و میرزا ابوالقاسم
فندرسکی و دوستی آنها مفتخر بوده‌اند ."

اونیز بمصدق :

سایه حق بر سر بنده بود

عاقبت جوینده یا بنده بود

دستیابی به آثار فرزنانگان را از لطف سایه حق میدانند .

به تشویق اردشیر خاضع و آقای رستم بهرام فرخانی در گرد -
آوری شرح حال فرزنانگان زرتشتی پرداخت تا مورد استفاده عموم
وسرافرازی جامعه گردد و هم نام بزرگان فراموش نشده و در گنجینه
دلها محفوظ ماند .

رشید میگوید آقای سررستم مسانی و امنای بنگاه خاور
شناسی خورشید جی رستم جی کا ما در بمبئی و هم چنین آقای
کاو س پیروز شاه دستور ، کتابدار بنگاه و آقای جمشید تارا پور
دبیر بنگاه و آقای سهراب باتلی والا دانشمند پارس و آقای
برزو و دستور کتابدار کتابخانه مهر جی رانا در نوسازی گجرات
تسهیلات و راهنمایی‌های بی‌هنگام نسخه برداری و گردآوری یاد -
داشت‌ها انجام داده‌اند که از همکاریه‌ای بیدریغ آنان سپاسگزار
است .

اما چه شد که اصولاً " رشید در این راه گام برداشت ؟

اگر به شرح حالیکه رشید در پایان کتاب فرزنانگان نوشته
توجه گردد ، پیشینه نیاکان خود را چنین گفته است :

۱- رشید پور شهرمدان

۲- شهرمدان پور ایران

۳- ایران پور گشتاسب

۴- گشتاسب پور بهرام

۵- بهرام پور شهریار

یعنی تا پنج پست خود را بیان مینماید. رشیدنیا کانش را از مردم قریه حسینی حومه تفت یزد میداند و میگوید معروفند به طایفه بهرام شهری و آن خاندان بسیار بزرگی است که افراد آن در سراسر نقاط ایران و هند و اروپا پراکنده میباشند. رشید انگیزه اینکه به بهرام شهری معروف شده اند چنین می نویسد :

نیای پنجمش یعنی بهرام پور شهریار معروف به بهرام شهر، پدرش اسفندیار نام داشت و در روستای حسینی نزدیک تفت زندگی میکرد. مردی بود متشخص و ریش سفید محل بود که با اندازه خود از تمکن مالی برخوردار بود حتی یک شبانه روز آب قریه با و تعلق داشت منزلش در بلندترین بخش روستا بر بالای بلندی قرار داشت بطوریکه دارای آب انبار اختصاصی از خود بود و درخت سرو بزرگی در جلو منزل بود که اینک نیز در آنجا هست. محله مذکور اکنون در حال ویرانی است زیرا کسی در آنجا زندگی نمیکند سابق برایین زرتشتیان زیادی در روستای حسینی منزل داشتند که اکنون یک مرد پیر و یک زن پیر در آنجا زندگی میکند (اگر زنده مانده باشند) فرزندان بهرام شهر در خلیل آباد، زین آباد، مبارکه، خرماشاه، نرسی آباد، کرمان، بم، بمبئی و امریکا

وسایر نقاط پراکنده هستند.

یکی از فرزندان بهرام شهر گشتاسب میباشد که نوادگان او در کرمان و جوپار و بم بوده اند خانواده دولت زاده و کابانی و خدائی و کسروی از اعیان ایشانند.

پدر بزرگ رشید بنام ایران دردوره طفولیت به همراهی برادر مهتر خود به هند مهاجرت نمود و در خاندان دادی شیت به سمت خدمتکاری با حقوق گزاف (۲۰ روزها) ماهی بیست روپیه بکار مشغول شد و در ضمن با جازه ارباب مستقلا" با غبانی نیز مینمود. از این جهت حقوق را گزاف میگوید که زرتشتیان ایران که در آن عهد به بمبئی مسافرت و در منازل پارسیان بکار میپرداختند ماهی یک یا دو روپیه بیشتر حقوق نداشتند بنا بر این ماهی ۲۰ روپیه یعنی ۱۰ برابر حقوق معمولی خیلی زیاد بود.

پدر بزرگ رشید یعنی ایران در بمبئی با دوشیزه مروارید خرمشاهی که به هند پناهنده شده بود ازدواج کرد که شاید صفحات بعدی این یادنامه چگونگی وانگیزه پناهنده شدن ایرانیان را به هند با ذکر نمونه هائی از قلم وزبان همین رشید بیاورد.

پس از مدتی با صرار خویشاوندان همسر خویش پدر بزرگ رشید یعنی ایران برای برگزاری مراسم دینی در گذشتگان راهی یسزد و خرمشاه شد و با ایران برگشت و در بین راه به بندر عباس و یسزد در گذشت

با پدافاهه نماید در گذشته خیلی از زرتشتیان که عازم هند میشدند و یا به میهن بازمیگشتند در اثر نا ملایمات - بیماری آب و هوای نامناسب حمله راهزنان - عوارض دریا و هوای استوائی هند در میگذشتند و پیش از آنکه بمقصد برسند بیکباره از تمام نا ملایمات زندگی راحت میشدند، که پدر بزرگ رشید هم یکی از آنان بود. رشید میگوید خاندانش همه در هندوستان اقامت داشته و دارند. تولدش در روز دهم مهر فروردین ماه باستانی ۱۲۷۴ یزدگردی (۱۲۸۴ خورشیدی) برابر ۵ آوریل ۱۹۰۵ میلادی در شهر بمبئی بوده است.

در هفت سالگی با اتفاق پدرش شهردان برای تحصیل فارسی با ایران آمد. و پس از اتمام تحصیلات ابتدائی بمدت دو سال در درمانگاه سررتن تا آنکه به سرپرستی انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی در یزد تاءسیس شد بکار مشغول و سپس به بمبئی برگشت، و تحت توجهات روانشاد فرزانه دینشاه جی جی باهای ایرانی سلیسیتر در تعلیمات دینی و فلسفه صاحب اطلاعات گردید و در ضمن در کارهای ادبی و فارسی، آن فرزانه را یاری مینمود و بنا به تشویق دینشاه بنگارش رسالات فارسی پرداخت. که شرح کارهای مطبوعاتی او جداگانه خواهد آمد.

در ضمن هنگامیکه در سال ۱۹۲۵ میلادی بنا بدعوت فرزانه دینشاه

ایرانی سلیسیتر ، استاد پورداود برای گزارش کار فرهنگ
اوستا به بمبئی آمده بود ، رشید نیز برای رونویسی نوشته‌هایش
بکمک اوماء مورگشت و از فضل و کمال استاد پورداود استفاده‌های
گرا نیها حاصل نمود .

رشید اضافه مینماید :

پس از ذکر خدمات فرهنگی ، ذکر خدمات اجتماعی که باید
در گمنامی انجام یابد خارج از شیوه مردمی است و از ذکر خدمات
اجتماعی خودداری مینماید و امیدواری میدهد باری اهورا
مزدا و پیروی راستی در روزافزون ساختن آبرو و بزرگی جماعت
توفیق حاصل گردد. و شرح حال خود را با این جمله اوستائی
پایان میدهد : اته جمیات پته آفرینامه

چنان شود که من آرزو مندم .

(آمین = ایدون باد)

انگیزه تدوین کتاب فرزنانگان زرتشتی

رشید چنین مینویسد :

روزی آقای اردشیر خاضع (که خود یکی از فرزنانگان است) از اینجانب
(رشید) خواست مختصر تذکره‌ای از صاحب‌دلان زرتشتی برایش تهیه
نمایم تا در دیباچه‌نامه گذشتگان چاپ نماید . درنگارش مورد
نظرا و هر چند با ختم رکوشیدم مفصل از کار برآمد ، آقای خاضع

پس از ملاحظه اظهار داشت بسیار رواست در تکمیل این کتاب اهتمام شود و در دسترس به‌دینان قرار گیرد.

چون دوست گرامی آقای خاضع برخواهِش خویش افزودند، با وجود فقر ادبی و خوشه‌چینی از خرمن بزرگان در تحصیل رضای دوست و تاءمین خواهِش دوستان (خاضع و رستم فرخانی) کوشیدم و در گرد آوردن این نامه تا آن اندازه که مقدور بود سعی بلیغ نمودم امید که پسند خاطر اهل دانش افتاده در اکمال و اصلاح نقایص آن همت گمارند زیرا منظورم احیای نام بزرگان است.

رشید کتاب را چهار بخش مینماید:

بخش اول بیشتر جنبه تاریخی دارد.

بخش دوم از فرزنانگانی در ردیف فرمانروایان و پیشوایان و موبدان گفتگو مینماید.

بخش سوم از نامه‌های متبادله بین هندوایران را در گذشته ارائه میدهد که خود جنبه تاریخی دارد.

بالاخره بخش چهارم فرزنانگان دور و نزدیک ایران و هند را معرفی مینماید.

نوشته‌ها - کتب - رسالات - گفتارها و سخنان رشید.

و قتی که نوشته‌های رشید را مورد مطالعه قرار داده و کتابها دسته‌بندی شود فهرست ۳۳ کتاب نظر را جلب مینماید که صورت کامل

آن در پایان کتاب تاریخ زرتشتیان پس از سانسیان آمده است. کتاب ها تعدادی جنبه دینی و تعدادی تاریخی و برخی ترجمه و ادبی و عرفانی و برخی هم باستانی است.

هر جا که رشید می دید کتاب یا نوشته از جنبه حقیقت به دور بوده و یا ابهاماتی ناروا، در بردارد در صد پاسبان سگویی بر آمده است و این پاسبان سگویی در برابر دیگران تا همان اواخر عمر با شهادت ادا شده داشت و صفحات مجله هوست بارها شاهد پاسبان سگویی متین و مستند رشید می باشد. ما در فهرست کتب رشید بنام رساله هرمی خوریم با اسم "حرف راست" که در ۱۹۲۲ میلادی در پاسخ حملات ناجوانمردانه بردین مزدیسنا منتشر گردیده.

و یا کتاب دیگری بنام "دساتیر کتاب آسمانی نیست" که آنرا هم در سال ۱۹۲۸ میلادی از سوی انجمن زرتشتیان ایرانی منتشر نمود و چنانچه میدانید روزگاری که پاریس سرائی اوج گرفت عده لغات دساتیری بکار می بردند که شاه دروان نیز بی پایه بودن لغات دساتیر را عنوان نمود و خود رشید هم درباره قدمت دساتیر و آذرکیوان در کتاب فرزنانگان زرتشتی گفتاری در صفحه ۶۸۸ دارد و چون مطالعاتش در خدمت پوردا و دودین شاه ایرانی بوده، جالب توجه می باشد. گفتگو درباره کتاب فرزنانگان زرتشتی را بس نموده و از کتاب دیگری بنام پرستشگاههای زرتشتیان نام میبرد.

کتاب پرستشگاههای زرتشتیان

رشید را عادت بر این بود که هر جا نام و نشانی از زرتشت و زرتشتیان و زرتشتیگری می یافت و یا به چشمش می آمد و یا به گوشش می خورد دنبال آن میرفت و در این راه بارها با خطرانی مواجه شده بود مسافرتهايش به بلوچستان و حاشیه کوه تفتان برای آگاهی از طایفه خارگلی که از اعقاب زرتشتیان بودند و بوسیله ضربه های خاری بنام خارگلک ، خارگلکی نامیده شده اند و یا مسافرتهايش با ورامان کردستان در راه دسترسی به قضیه پیرشالیار و همچنین سایر نقاط ایران از قبیل نقاط مختلفه عشایر نشین فارس و بختیاری و بویراحمدی و مازندرانی و غیره خود از حد توانائی یک فرد معمولی خارج است و میرساند در راه دسترسی به خواسته دل و درون از هیچ کوشی فروگذار نمی نمود و فردی عاشق و وارسته بود که حتی سالها پیش آنرا با همسر و فرزندان در میان گذاشته بود و صراحتاً " بآنان گفته بود که من نمیتوانم از راهیکه در پیش گرفته ام برگردم . و تا آخرین روزها در راه دین و ایران گام برداشت .

شما وقتی که کتاب پرستشگاهها را بررسی نمائید می بینید که در همین کتاب ۳۰۰ صفحه ای مجموعه از تشکده های باستانی - درمهرها - انجمن ها - پیرها - آموزشگاهها و انجمن ها -

خیریه‌ها حتی دخمه‌ها و آرا مگاها را معرفی مینماید که این خود فرهنگ و آنسیکلوپدی کوچکی است که در حین کوچکی جامع است یعنی نشان میدهد که مثلاً "پارسیان، روزگاری در عدن، نایروبی و مالایا و رنگون و برمه ممباسا و آفریقا، در مهر و آرا مگاه داشته‌ویا دارند و قتیکه شخص آما را انجمن‌ها - در مهرها- آرا مگاه‌ها را درهند قبل از تقسیم در این کتاب ملاحظه میکنند در مییابند پارسیان یا اعیان آنها پس از مهاجرت بهند چگونه قوام یافته و در نقاط مختلف هند سکونت گزیده و به تاءسیس در مهر و انجمن پرداخته و یا آموزشگاه و بهنگاه خیریه و پذیرشگاه بنیاد نهاده و بالاخره آرا مگاه‌ویا دخمه برای دفن درگذشتگان برپا شده است و قتیکه فهرست مورد مطالعه قرار گیرد میزان گسترش فعالیت پارسیان یا بهتر گفته شود اعیان زرتشتیان روشن میگردد و این اثر رشید و زحماتش در راه گردآوری این مجموعه از هر لحاظ قابل وارزنده و تاریخی است.

خود رشید در پیش گفتار، کتاب را چنین معرفی مینماید.

"پرستشگاه‌های زرتشتیان، مجموعه ایست که در باره ساختمان‌های دینی و معابد و زیارتگاه‌های پارسیان از روزگاران باستان تا کنون سخن میراند. این مجموعه از روایات مختلف و کتب گوناگون نویسندگان گذشته و حال گردآوری شده و بخشی از تاریخ

زرتشتیان از گذشته تا کنون و...

جای دیگر مینویسد :

"برای رسائی کتاب مورتی از کلیه ساختمانهای دینی پارسیان هند، آتشکده، پزیرشگاه، آرامگاه، دخمه و زیارتگاه که اینک مستعمل و بهنگاهای اجتماعی مانند آموزشگاهها و انجمنها که درجهان امروزی بکار مشغول است در پایان کتاب داده ایم."

رشید در جای دیگر بتاءسف میگوید :

"این کتاب کامل نیست زیرا در استان کرمان و بنادر و خراسان و خوزستان و سایر شهرهای ایران و عراق که پایتخت ساسانیان بود، بسیاری از آثار دینی پارسیان بحال ویرانه و یا آنکه در دل خاک نهفته است و باید دانشمندان ایرانی و ایران شناس برای این گونه آثار روشنی بیفکنند و شکوه و جلال باستانی را بنمایانند."

سپس اشاره بدوری از محیط ایران نموده چنین ادامه میدهد :

"بدبختانه روزگار ما را از محیط ایران دور ساخته و از لذت چنین خدمتی محروم گردانیده است"

در اینجا دست بدامن باستان شناسانی مانند مصطفوی (که او هم قبل از رشید چراغ عمرش خاموش شد) و سامی و مورخینی مانند باستانی پاریزی میزند که رازهای نهفته را آشکار سازند و در پایان با مصطفوی هم آوا شده تکرار مینماید.

"جوانان ایرانی در انجام چنین خدمت مهم میهنی فعالیت‌بران داشتند نام نیکی از خود بیادگار گذارند."

(۱۳۴۵ خ)

رشد در جاهای زن و آتش و پرستشگاه سخن به میان می‌آورد پس از ذکر گفته‌های دیگران دربارهٔ نور و منبع آن و جای نگهداری آن پرستشگاه را چنین تعریف می‌نماید :

"پرستشگاه را میتوان با ننگ یزدانی نامید که نیایش کنندگان، دینداران و دلدادگان، ارمغان مهر و ایمان ویژه خود را در آنجا بودیعه می‌سپارند و غم‌دیدگان و دردمندان که بآن نیازمند و بدانجا روی نیازبخاک می‌مالند، از آن ودیعه یزدانی بهره‌مند میگردند و دلداری و آرامش می‌یابند ایزدان و خوبان که در جای‌های پاک و پرستشگاه‌ها مقام دارند و بدیده نمی‌آیند، از نیا زهای بیری که در آن جایهای مقدس پیشکش می‌گردد، شادمان میگردند و به بندگی بندگان بی‌ریا دعای خیر می‌نمایند و برکت میدهند. بهترین پیشکش و نیا ز در پرستشگاه‌ها، ترک خویهای زشت خویش و پیمان بندگی و ایستادگی در راه خداوندیت آنگاه که لبدخاکی انسانی مجرای پخش انوار فیض یزدانی میگردد."

"ستایش و نیایش در برابر نور و اخگر فروزان جنبهٔ معنوی دیگر نیز دارد، کالبد انسانی محل نزول پرتو انوار رحمانی است.

لذا آتشکده، ظاهری و بیرونی، یادآور معبدان درونی است. آتش اندرونی کالبد نیز بدرخشانی نیازمند وبا یستی با هدیه های خوشبوی اندیشه و گفتار و کردار نیک همواره فروزان نگاهداشت هنگام پرستش، بندگی خود را با درخواستهای مادی نباید تواءم ساخت و از اهورا مزدا انجام امری را توقع نمود، زیرا خداوند مهربان، دانای بیهمتا است و آگاه به آنچه بهترین است برای ما.

"بهترین روش نیایش آنست که خوب شدن را آلت خواست و فرمانروائی یزدان سازیم اگر چنین کنیم، رهین ارمانهای مادی و معنوی او میگردیم و در بکار بردن بخششهایش، بدرستی یا نادرستی، در پیشگاه خداوند خویش، پس از هشتن کالبد خاکی، مسئول خواهیم بود."

"در ایران باستان آتشکده ها، بغیر از پرستشگاه، جنبه های فعالیت دیگر نیز داشته، نخست دادگاهی بوده که موبد بر کرسی خویش بدادرسی می پرداخته و چون ایزد مهر را، نگاهبان پیمان و داد میدانند بتدریج آتشکده بدرمهرنا مورگردید. دوم درمانگاهی بود که به معالجه جسمی و روحی مردم میرسید. سوم آموزشگاهی بود، مجهز با کتابخانه جامع برای تعلیم کودکان بدروس دینی و رسمی." با پیدافه نامه بدکارهای دیگری نیز در عهده مسئولین آتشکده ها بود چنانچه مغزن نگاهداری ارمان ها و گنجینه غنائم جنگی

نیز بود و غنائم در آنجا جمع میشده .

آری، رشید در مقدمهء کتاب پرستشگاهها از آتش و آتشگاه و پرستشگاه با بیانی ساده و عارفانه و وارسته یاد مینماید که آنچه در بالا آمد، بخش کوچکی از آن نوشته‌هاست .

شهردان سپس در کتاب خود آتشکده‌ها یا بقایای زیادی را در نقاط مختلفه و کشورهای همجوار ایران نام میبرد که قدیمیترین آنها آتشکده‌های هوشنگ و تهورس و فریدون است .

در ایران باستان رسم چنین بود که مادر زرتشتیان بدون اولاد حواله آتشگاهها میشد که بمصرف هزینه آن و برخی خدام برسد و بدین طریق در مهرهای بسیاری بنام گذشتگان ساختمان میگردد . باری تا آنجا نیکه میتوانسته ، رشید از آتشکده‌های نقاط مختلف نام می برد سپس قلعه‌های ناھید و دختر را معرفی مینماید . حتی در جوار قلعه دختر خراسان جایی بنام قلعهء پسر نیز هست ، که شنیدن قلعه بنام پسر نیز جالب است . شهردان علاوه بر آتشکده‌ها و در مهرها از پیران و زیارتگاههای زرتشتیان نیز یاد میکند و این قبیل نقاط را در شهرهای مختلف ایران بویژه نقاط زرتشتی نشین یزد - کرمان و تهران نام می برد که مهمترین آنها پیر سبز یزد یا پیر چکچکو است که همه ساله عدهء از زرتشتیان در روزهای مخصوص (اواخر خرداد و اوایل تیر) از گوشه و کنار بدانجا

روی میآورند .

رشید از ذکر آتش ورهرا م‌ها بویژه در هندی زغال فل نمانده و همه را بیان مینماید .

در پایان کتاب در مهرهای موجوده در گیتی - انجمن‌ها - آرمگاه‌ها - دخمه‌ها ، پذیرشگاه‌ها - آموزشگاه‌ها را نام می‌برد که گردآوری اینهمه صورت نیاز به پشتکار و پیگیری داشته‌است . در پایان کتاب نیز رسم ستایش آتش را در بین گروههای گوناگون در گیتی شرح میدهد .

چون در این یادنامه و کارنامه میخواند تا اندازهٔ خوانندگان را به آثار رشید آشنا سازد بنا بر این از ذکر مطالب به تفصیل خودداری و علاقه‌مندان را با صل کتاب حواله میدهد . زیرا شرح هر بخشی خود مطالب گوناگون زیاد تاریخی - دینی و عرفانی و روحانی را در بردارد که بهتر است پوینده با صل مراجعه نماید .

اکنون اثر دیگر رشید را بنام تاریخ زرتشتیان بررسی نمائیم .

از زبان و قلم خودش

این باشنده هندوستان نگارنده و گردآورنده این برگهای تاریخی زرتشتیان که در ۳۵ سال پیش اندیشه فراهم آوردن تاریخ زرتشتیان پس از خاندان ساسانیان مرا فرا گرفت به جستجو و مطالعه پرداختم

ماء خذونوشته‌های چایی و خطی پیشینیان را بدیده تحقیق نگریستم و یادداشتها برداشتم اما مطالب اندک یافتیم. ازدانایان و دبیران و آموزگاران گروه در ایران در مورد کارنامه فرزنانگان در گذشته خودمان استمداد جستم لکن دست یاری بجز چند نفر بسویم دراز نشد بلکه یکی از آنان در دوره سوم مجله هوست در پیرو اصلاح سهوی در گفتارم مرابه سخریه گرفت و سراسر نامه خود بمجله هوست که مربوط با اصلاح سهوم که با انگیزه عدم مراجع و تنها از شنیدن اخبار شفاهی بوقوع پیوسته بود با علامت استهزاء و تعجب پر کرده بود. چون نظرم بفراهم آوردن تاریخ و یادبزرگان گروه بود از میدان بدر نرفتم و دنباله کار خویش را گرفتم تا اینک که کمتر از نیم قرن میگذرد، با مسافرتها ی بسیار و تحقیقات محلی توان گرد آوردن مطالب بیشماری بدست آوردم لیکن کار به پایان نرسیده ولی عمر به پایان سیر نزولی خویش نزدیک شده است. امیدوارم جوانان دانشمند گروه، که بخواست اهورا مزدا شماره آنها روز افزون است در رفع نواقص آن اهتمام ورزند"

مثل اینکه بنا برگواهی صفحات قبل با شادروان مصطفوی همدستان است هر دو دنباله و تکمیل پژوهش را برعهده جوانان میگذارند. نامبرده در جایی از کتاب (شارستان چهارچمن) نام میبرد که برای یافتن کامل آن دیار زیادی را زیرپا نهاده است، من جمله چنین

مینویسد :

"برای یافتن کتابهای ناب برده بالا با کمک مالی انجمن پنچایت بمبئی همه کتابخانه‌های ملی و دولتی هندوستان را تا آنجا نیکه اطلاع داشتم درنور دیدم لیکن نشانی از آنها نیافتم. یکی از استادان دانشگاه آلبا د هند اظهار داشت تجسس خود را با پستی هفتاد سال پیش قبل از تقسیم هند آغاز کرده باشم زیرا در آن دوره هرج و مرج کتابهای بیشمار خطی و چاپی ناب نابود شد و طعمه آتش گردید. طی مسافرت خویش به دهلی جوپای کتابخانه قاضی القضاات شاهجهان آبا دگردیدم تا شاید شایسته رستمان چهارچمن کامل را که از میرزا خسرو بیگ غصب کرده بود بدست آورم، اما گفتند کتابخانه او به کتابخانه مسجد جامع دهلی منتقل گشته است بدان جا روی آوردم اما مسجد اظهار داشت هفت ماه پیش یکی از اروپائیان همه کتابهای کتابخانه مسجد را با بهائیان گزاف خریداری کرده و با خود برده است از اسم خریدار و شهرش جوپا گشتم گفت از اسم و عنوان و ملیتش بی اطلاع میباشد (برای رشید رنج آور بود) ضمن پژوهش و مطالعات هنگامی که فرزانگان زرتشتی و پرستشگاه زرتشتیان پرداخته بسیاری از رویدادهای تاریخی را در آن دو کتاب که شاید زندگی ام به پایان رسد، هر چند خارج از موضوع بوده گنجانبیده‌ام تا از خطر فراموشی در امان باشد (بسیار کار بجائی

انجام داده است زیرا من که نوشته های تاریخی او را با علاقه در هوجت پی میگیرم موفق شدم برخی را در تاریخ زرتشتیان خودم گردآورم و برخی دیگر در لابلای صفحات هوجت میماند تا بعد از قرنیه صاحب دلی آنرا زنده نماید اما اکنون که همه را گردآوری نموده است لااقل از نظر فرا موشی رسته است.

دکتر ریچارد فرای ایران شناس مشهور آمریکائی که سالها در ایران درموءسه آسیائی دانشگاه شیراز سمت استادی داشت، هنگام ورود به بمبئی و ایراد سخنرانیها در تالار کتابخانه کا ما چون کتاب فرزنانگان زرتشتی بنظرش رسیدنگارنده را بمسافرت با ایران و ادامه تحقیقات و پژوهشهای محلی تشویق نمود.

در دوران پژوهش و مطالعات در دهلی اطلاع یافتم حدود هشت هزار جلد کتب خطی فارسی از کتابخانه شاهان مغول که در قلعه سرخ دهلی موجود بوده یکسال پس از انقلاب ۱۸۵۷ هند که انگلیسها آن را شورش می نامند بلندن منتقل گردیده و فهرست آن تاکنون به چاپ نرسیده است.

خبر دیگر اینکه نا در شاه افشار پس از حمله به هند و ورود با پیروزی به دهلی شصت هزار جلد کتب کتابخانه پادشاهی هند را جمع کرده هما یون و اکبر شاه گورکانی را با انضمام تخت طاوس و غنائم هنگفت دیگر با خود با ایران برده است.

گفتار دکتر فرای مبنی بر تحقیقات محلی در ایران و امید یافتن کتب گمشده خویش که روشی افکن بر تاریخ زرتشتیان می باشد در بین کتب کتابخانه پادشاهان گورکانی هند، در ایران یا لندن موجب شد که در سال ۱۳۳۴ یزدگردی برای ادامه کار خود در خارج از هند تلاش نماید. لیکن به سبب ناتوانی مالی، بودجه عزیمت خویش را که در آن زمان بالغ بر ۲۵ هزار تومان می گشت از کجاستیه کنم ؟

اندیشه ام با انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی کشید که چند سال جلوتر بواسطه پژوهشهای تاریخی ام و گواهی و توضیح نگارنده در دادگاه دردعوی دادگستری بمبئی پیروز گشته بودند، از آنها برای ادامه پژوهش تاریخی استمداد جویم که با وجود داشتن بودجه ویژه ای به پیشنهادم پاسخ منفی دادند.

(رشید در آتش تحقیق می سوخت و شعله های آن در دلش زبانه می کشید تا شارستان چهارچمن کامل بدست آورد و انجمن مزبور جای دیگری را سیر میکرد و یکدیگر را درک نمی کردند ...)

لیکن گشایش کار از اهورا مزداست از اتفاقات روزگار رادمرد خیر اندیش آقای مریدون فلفلی به بمبئی وارد و در همان روز اول ورود در خیابان بهنگارنده برخورد و اظهار داشت مدتهاست در ایران منتظر ورودم می باشند علت تاءخیر چیست ؟ پاسخ دادم عدم بودجه

کافی مرا از حرکت وادامه پژوهشهایم بازداشته است فرمودند هر قدر از بودجه کسر باشد بهنگام ورودت با ایران میپردازم. بهزودی حرکت کن و کار خود را ادامه بده - روز بعد به هتلی که اقامت داشت رفته پس از اظهار سپاس از همت والایش گفتم شاید از این مسافرت پژوهشی آنچه منظور است بدست نیاید و هزینه و تلاشها بهدر رود با خنده که عادت اوست فرمودند با کوشش خویش وجدان شرمنده نخواهد بود چنین اندیشه ای بخود راه ندهم.

در اینجا باید تذکردهم کتاب حاضر نوشته هائی که پیش از این در ایران نگاشته ام نتیجه مساعدت و یاری این رادمرد خیر اندیش میباشد که در مواقع لزوم از همراهی خود دریغ نفرموده اند اهورا مزدا او و خانواده اش را همواره در پناه خویش از هرگونه رنج و اندوه مصون دارد.

اما در مورد تجسس کتابهای گمشده، هنگام ورود با ایران به همه کتابخانه های کشور سرزدم و نشانی از آن نیافتم، بکتابخانه سلطنتی مراجعه نمودم با میدا پنکه شاید کتابهای پادشاهان گورکانی هند را در آنجا بیابم. متأسفانه از ۶۰ هزار کتاب که نا در شاه با خود با ایران آورد فقط سه هزار کتاب در کتابخانه سلطنتی موجود بود بقیه بواسطه پیشینیان به یغما رفته و یا برخی از آن با مهر شاهزادگان قاجار در کتابخانه های فرانسه و انگلستان و بقیه

اگر نابود نشده باشد در کتابخانه‌های اشخاص با ستراحت مشغولند. در کتابخانه‌های شهرهای افغان، ترکیه و انگلستان اثری از آنها پیدا نشد. در کتابخانه ایندیا آفیس لندن جویای هشت هزار کتب فارسی قلعه سرخ دهلی گردیدم که در بالا از آن صحبت شد کتاب‌های مذکور بطن قریب به یقین باید پس از پادشاهی اورنگ زیب جمع شده باشد.

کتابدار اظهار داشت پس از ۱۲۳ سال مشغول تهیه فهرست آن می‌باشند. چون اصرار بدیدن آن داشتم صورت کتابهای مذکور را آورد. لیکن اسم گم شده خود که روشنی بر تاریخ زرتشتیان روزگار گذشته میافکند در آن نبود. باندیشه فرو ر قتم و با خود گفتم طی چند سده هوای مرطوب هند و دوران چندین هرج و مرج و پیکارهای منطقه‌ای در آن کشور بزرگ و جنگ هندو و مسلمان که خانمان یکدیگر را در آتش قهر میسوزانند، کتب معدود خطی ما که شاید چند نسخه بیش نبوده با احتمال قوی راه نیستی را پیموده باشد.

نگفته نگذارم با انتشار مجله هوست در تهران گفتارهایی از بمبئی بعنوان گوشه‌ای از تاریخ برای اطلاع همکیشان و حفظ از دستبرد روزگار برای درج بآن مجله میفرستادم اینک که به تهیه تاریخ زرتشتیان اقدام نمودم با سپاس فراوان از صاحب امتیاز و سر دبیر مجله گفتارهای پراکنده مذکور را هم در این کتاب ضم نمودم

پیش گفتار در اینجا با سپاس از کسانیکه در چاپ کتاب او را همراهی نموده اند بپایان میرسد. (رشیدشهمردان ۱۳۵۶)

گمان می‌رود آنچه از زبان و قلم خود رشید است بمراتب بهتر و بیشتر گویا باشد تا امثال من دربارهٔ او سخن بگوئیم. اما به - بینم در متن کتاب چه دیده میشود؟ شرح احوال ایران در اواخر ساسانیان و انگیزه رخت بر بستن حکومت از دودمان آنها - فرمانروایان زرتشتی در تبرستان - زرتشتیان در سده های اول هجری - جنگ ها و خونریزی ها کلانتران زرتشتی - شرح حال زرتشتیان در نقاط مختلف ایران - آغاز مهاجرت پارسیان به هند - عده از فرزنانگان زرتشتی - مانکجی و انجمن ها و پنچایت ها و زرتشتیان در نقاط دیگر دنیا و پارسیان و غیره . بالاخره زرتشتیان در سده های اخیر .

در پایان کتاب نام سایر تالیفات و نوشته های مؤلف آورده شده که بالغ بر ۳۳ تا میگردد که فهرست و آرمیا وردتا کسانیکه مایلند خود آنرا دنبال نمایند .

- ۱- حرف راست : پاسخی است مختصر به یاد و سرائی یک نفر که به دینی را ترک نموده .
- ۲- دساتیر کتاب آسمانی نیست .
- ۳- هیمبری زرتشت ۴- فرزنانگان زرتشتی ۵- خرده اوستا بالفبای

دین دبیره ۶- تعلیمات زرتشت ۷- آتش و آتش پرستی ۸-
 خورشیدنگرشنی ۹- اصول سه گانه مزدیسنا ۱۰- پرستشگاه
 زرتشتیان ۱۱- خرده اوستا برگردانده از دین دبیره ۱۲- زرتشت
 و همزمانان اودر ویدا ۱۳- سال دینی زرتشتیان ۱۴- زادبوم
 زرتشت ۱۵- فهرست کتابهای دینی زرتشتیان ۱۶- خرده اوستا
 با ترجمه ۱۷- تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان .
 نوشته هایی که از انگلیسی ترجمه شده . ۱۸- راماین ۱۹- داوید
 کوپرفیلد ۲۰- کلیسای نوتردام از نشریات اداره انتشارات
 حکومت هند ۲۱- مسرت بشر ، نشریه مبلغین مسیحی ۲۲- هفتاد
 گل ۲۳- هیچ و همه چیز ۲۴- پرتو حقیقت ۲۵- ازدواج و سلوک
 ۲۶- سیرت کامل تدریجی روح ۲۷- بهترین چهره زندگی ۲۸-
 پیامهای اوتار مهربابا از نشریه کانون دوستداران مهربابا
 ۲۹- دانستنیهای آئین زرتشتی ۳۰- در قدم استاد رساله عرفانی
 حاضر برای چاپ ۳۱- آثار مهرپرستی در دین ایزدی و پرستش
 شیدان نه شیطان ۳۲- بازگشت روان در اسلام ۳۳- اوستای
 فره وشی ، یشت گاهان و درون شش گانه برگردان از دین دبیره .
 اگر ردیف ۱۵ مورتوجه قرار گیرد که آن عبارتست از صورت کتاب
 های دینی بزبان پارسی - انگلیسی و فرانسه که در کتابخانه
 اردشیربکانکی موجود است . و شاه دودم که شهردان مدتها صبح

و عصر در کتاب خانه حاضر شده و یک بیک کتابها را با توجه بدفتر از قفسه برداشته و بررسی و ملاحظه تا این فهرست را برای آسانی کار مراجعه کنندگان آماده نموده که وسیله پرویزگانگی صورت چاپ بخود گرفت و در نوع خود کار ارزنده و خوبی است .

بخش دوم

همه آن‌ها نیکه‌رشید را از نزدیک دیده و با او تماس داشته و سخنانش را شنیده و با خواننده اند بخوبی او را می‌شناسند و با آنچه که ما در بخش اول از زبان او گفته‌ایم گمان نمی‌رود نیازی به توضیح اضافی باشد اما از آنجا که هرگل را رنگ و بوی ویژه‌ایست کوشش می‌شود در این بخش هم کارنا مه و با دنا مه آن شادروان را پی گیریم.

رشید مردی وارسته بود

در وارستگی رشید همین بس که برای پژوهش و تحقیق امری که مورد نظرش بود همه چیز را به یکباره کنار نهاده و بقول خودش ساک یا چنته درویش را روی کول نهاده و بسوی مقصد براه می‌افتاد تا از نزدیک به بیند و با بشنود مثلاً "فلان اثر چیست و یا دگوار چه دورانی است و با اعتقادات اهالی فلان محل بر چه پایه‌ایست و اینکه می‌گویند آن‌ها زرتشتی و یا زرتشتی زاده هستند مبنای ما خدش چیست؟ چه بسا در این راه مواج با خطر جانی گردیده است که در بخش ۱/ اشاره به آن شده بود. چنانچه میدانید رشید فاقد

وسيله شخصى بود و ناگزير بود با اتوبوس و يا هروسيلهء كه او را به مقصد و مقصود ميرسانيد بسوى هدف برود كه حاصل كارش بصورت گزارش و مقاله يا كتاب صورت ميگرفت . اگر ميگويد رشيد و ارسته بود سخنى بگزارف نيست . با ذكر اين چند مورد ، بخوبى درخواهيد يافت كه رشيد چگونه دنبال منظور خود بود .

ذكر يك مورد :

آقاى كيخسرو خرويانى (راستى) ميگفت : در سفر يكه اوائل سال ۶۳ به بمبئى داشت بر خود لازمديد كه بديدار خانوادهء او برود و درگذشت رشيد را تسليت گويد . و نقل مينمود كه همسرش مى گفت سالها پيش با شهردان به گفتگو نشستم و گفتم همه اش اين سوي و آنسوي ميروي و پژوهش ميكني ، اينكه زندگي نميشود ؟ تو همه اش در مسافرت بسر ميبري ، آخر سهم من و فرزندانت چيست ؟ يا ، ماها ، يا مسافرت . كه شهردان ميگويد نميتوانم دست از پژوهش برم - دارم ، من دنبال پيشينه و ميراث نياكان و فرهنگ كهن و دين خود هستم ، بنا براين نميتوانم باشما باشم ، ارتباط من باشما معنوي است ، اين بود بنا بگفتهء همسرش ، سالها پيش حسابشان از رشيد سوا شده بود . آري اين و ارستگي و از خودگذشتگي بلكه از خودبريدگي ميخواهد كه شخص زن و بچه را رها نموده مثلاً " كتابخانه ها را از آنسوي هند تا ايندين آفيس لندن برود شايد ردپائي از

کتاب شایسته‌ان چهارچمن که شرح مختصر آنرا در بخش اول خواندید
بیابد باین چه میگویند؟ جزیک نوع فداکاری و از خودگذشتگی
که من آنرا خودبریدگی نام میگذارم.

در سال ۱۳۴۹ که شخصا "مسافرتی به بمبئی داشتم به همراه یکی از
آشنایان دوران دبستان بسراغش رفتم در منزلش که در آپارتمانی
قرار داشت نبود و گفته شد برای پژوهش از بمبئی بیرون رفته است
اگر گفته شود که این خوی و خصلت زائیده دست پروردگی در خدمت
دانشمندان و پژوهشگرانی چون شایسته‌ان دینشاهی ایرانی سلیس‌تر
و استادیور داد و خدمت در انجمن‌های ایرانیان بمبئی و پارسی
پنجایت و یاسایر مجامع همگانی میباشد سخنی بگزارف نیست رشید
با سازمان جوانان زرتشتی بمبئی نیز همکاری داشت و ما شواهد
زیادی از این همکاری را در صفحات دورانهای گذشته به چشم
می‌بینیم. باز آقای راستی تعریف میکرد در دورانیکه پول
از درودیوار می‌بارید رشید تنها با ماهی ۴۰۰ تومان در یکی از
اطاقهائی که یکی از خیراندیشان در سه راه امین حضور برای سکونت
در اختیار رشید گذاشته بود بسر میبرد و برای نسل آینده کتاب و
مقاله مینوشت. بلی این قبیل کارها رشادت می‌خواهد و رشید
بود که در خود توانائی این کار را میدید که با آن پول ناچیز این
همه کار بکند. معذالک شما که او را میدیدید با قد و قامت و راستای

رسا ، با آن لباس سفید و تمیز در مجامع حاضر میشد بدون اینکه لکه‌ای روی لباس سفیدش دیده شود . من خودم که جرات ندارم با لباس ویا پیراهن سفیدتوی اتوبوس به نشینم ، زیرا پس از پیاپی شدن سرتا سر پشت پیراهن را لکه‌های چربی و سیاهی فرا میگیرد و یا اگر ناگزیر از سوار شدن باشم بدون اینکه تکیه به صندلی نمایم عمودی در صندلی می نشینم ، آری رشید چنین بود و بیگمان ذکر این یکی دو مورد گواه و دلیلی بر وارسستگی اوست .

رشید و مطبوعات

رشید از همان جوانی کار مطبوعات را در خدمت دینشاه ایرانی سلیسیترواستادپور داد و دوسا بر بزرگان پارس آغاز نمود . اگر به فهرست کارهای مطبوعاتی او نگاه کنید ، نشریه بنام حرف راست نظرتان را جلب مینماید . این نشریه در پاسخ و رد اتهامات ناروایی بوده که یکی از بهدینان سرخورده ، که ترک دین نموده ، منتشر ساخت که با یداینگار را هم دلیرانه و هم دلسوزانه دانست زیرا نمیتوانست به نشیند و به بیند کسبیکه ثبات عقیده و آرمانی نداشته و کینه و غرضی داشته‌اتهام بیجائی نسبت بفرهنگ کهن واصل روا دارد . مسلماً " شخص تا دارای مطالعه و معلومات نبوده و از خود اطمینان نداشته باشد بمیدان مبارزه قلمی نمی‌رود

زیرا در این قبیل موارد باید با سند و مدرک بمیدان آمد والا از روی احساسات نمیشود به پاسخگوئی پرداخت و ما بارها شاهد مقالات ارزنده^۱ او در مطبوعات بویژه ماهنامه هوست بوده ایم که در برابر مطالب نادرست از هر قبیل که بوده ایستادگی نموده است در ضمن مردی منصف بود یعنی اگر میدید مطلبی را که نوشته صحیح نبوده و یا با آنچه که بوده جور در نمیآید مده و واقعیت نداشته است با صراحت و شهادت اشتباه خود را پذیرا میشده و در صدد تصحیح و رفع آن برمیآید مده است که با زهم شواهدی در این باره داریم.

بهنگامیکه ماهنامه هوست در سال ۱۳۲۹ در جامعه زرتشتی به همت آقای دکتر رستم صرغه و سایر دوستان و همکارانش پا گرفت بالطبع خوانندگان و مشتاقانی در گوشه و کنار ایران و خارج از کشور پیدا کرد. یکی از نقاطیکه در خارج کشور از هوست استقبال نمود و ما اولین مقاله رشیدرامی بینیم که در شماره ۵ سال اول هوست تحت عنوان :

"وضع اجتماعی زرتشتیان در سده اخیر" جای خود را در بین گفتارها و صفحات هوست باز کرد و سپس ادامه پیدا کرد که تا آخرین روزهای عمر ادامه یافت حتی در هنگام بیماری و در دیار غربت که آخرین مقاله اش در دیماه و اسفندماه سال ۱۳۶۲ هوست تحت عنوان پنچایت های (انجمن) زرتشتیان در هند چاپ رسید

وهنوز مقاله هم دربارهٔ خاندان وهمسراشوزرتشت دارد که چاپ نشده و شاید در همین یادنامه و یا جداگانه چاپ برسد. رشیدکاهای مطبوعاتی را دوست داشت و همواره قسمتی از وقتش در چاپخانه‌ها برای تنظیم و تصحیح مقالات میگذرانید مثلاً "همین دو جلد کتاب های :

"الف - فرزندگان زرتشتی

ب - تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان"

حاصل یادداشتهای پراکنده و مطالعات رشید در گوشه و کنار جهان و هم چنین مقاله‌هایی است که در مطبوعات چاپ رسانیده است و با دوران دیشی بجای اینکه بفرا موشی سپرده نشود آنها را گردآوری و در کتابهای یاد شده به ثبت رسانیده است. امید است سایر نویسندگان نیز چنین کنند.

رشید علاوه بر هوخت در مهنامهٔ انجمن زرتشتیان تهران و هم - چنین نامه‌فره و هروسایر مطبوعات چه زرتشتی و چه غیر زرتشتی مقاله مینوشت بطوریکه در فهرست کارها مشاهده میشود موقع جنگ دوم در بمبئی مجله جهان امروز را اداره میکرد. در آن موقع من کرمان بودم و قرائت خانهٔ در کرمان بود که از سوی کنسولگری انگلیس در خیابان شاپور سابق و دکتر شریعتی فعلی بم مدیریت آقای افتخار برپا بود و بحسب خوی علاقه به مطبوعات بآنجا

میرفت و مجلهء بودبنام شیپور که علاوه بر مطالب مورد نظر چند صفحه هم برای کسانی که میخواستند انگلیسی ابتدائی یاد بگیرند در آن بچشم میخورد که من هم برای فراگرفتن انگلیسی از آن استفاده مینمودم و هنوز پس از ۴۳ سال آن برگه را دارم گویا شهردان یکی از کسانی بوده که در این مجله هم مصدر خدمتی بوده است. باری گفتگو بر سر خدمات مطبوعاتی شهردان بود که وظیفه اش را بخوبی و بیش از حد خودش انجام داد اجرش با خدا و جایگاهش مینو باشد. اگر سخنرانیهائی که رشیدگاه و بیگاه در مجامع و سازمانها - گروه ها انجام میداد بحساب کارهای مطبوعاتی بیاوریم در این زمینه هم آثار زیادی از او باقی است.

امید که بتواند نوشته ها و گفته های رشید را یکجا گردآوری و در مجلدی منتشر نماید تا همینطور که امروز ما نوشته های او و دیگران را مورد مطالعه قرار میدهیم نسلهای بعدی هم بتوانند از آن برخوردار گردند. زیرا تا زمانی که انسان، سخما " برای گردآوری مطلبی وارد عمل نشده باشد نمیتواند اهمیت کار را و ادراک نماید بویژه آنکه رشید از این شهر بآن روستا و از این کتابخانه بآن کتابخانه و از این کشور بآن کشور در پی گمشده و منظور شطی طریق میکرد.

سخنرانیهای شهردان نه تنها در مجامع زرتشتیان شهرستانهای

مختلف بود بلکه در نقاطی مانند دانشگاه شیراز دانشکده نفت آبادان - انجمن فرهنگ ایران باستان در تهران نموداری از فعالیتهای فرهنگی اودرجوار کارهای مطبوعاتی و تحقیقاتی اش می باشد .

خوشبختانه این سخنرانیها در ماهنامه هوخ و مهنامه زرتشتیان بموقع ثبت شده است .

یکی از سخنرانیهای جالب اودر باره سدره و کشتی و پیشینه آن می باشد که در آبادان بعمل آورده است چون در این سخنرانی نکات جالبی درباره فلسفه و سابقه آن به چشم می خورد جداگانه در آن مورد به گفتگو خواهد پرداخت تا خوانندگان این یادنامه ، نه تنها بویژگیهای کارهای شهردان واقف گردند بلکه به یکی از یادگارهای کهن این سرزمین که در آغاز جنبه قومی داشت و بعداً " جزو نشانه های دین گردید آشنا گردند .

پیش از آنکه وارد اصل مطلب گردد باید بگویند اهمیت سدره و کشتی و داشتن کشتی در میان ، همین بس که گفته شده ، کسانی که کشتی در میان دارند از ثواب و کوفه ای که در سایر کشورها (هفت کشور زمین) سرمیزند با آن هم بهره شده و شریک می باشند .

رشید و ایران و ایران شناسی

رشید علاوه بر پژوهشهای دینی و تاریخی و مطالعات عرفانی درباره ایران و ایران شناسی نیز همت داشت و در کنگره های ایران شناسی که تشکیل می یافت یکی از چهره های برجسته بوده و نمود داشت .

مادر اینجانب بخشی از نوشته ماهنامه هوخت را که در مجلس یاد بود و پرسیه رشید در تالار ایرج وابسته با نجم زرتشتیان تهران برگزار گردید و چه بصورت فوق العاده و چه در شماره دهم (دیماه ۱۳۶۲) هوخت چاپ گردید میآوریم:

آقای جهانیان سردبیر ماهنامه چنین مینویسد :

دانشمند پژوهشگر و نویسنده ای توانا و همکار و دوستی بپریا استاد رشید شهردان، جهان را بدرد گفت و به پاکان جاودانی پیوست "

استاد شهردان عاشق و دلپاخته مطالعه و تحقیق و به وجود آوردن اشرف آموزی بدیگران بود. آن روانشاد آغاز انتشار ماهنامه هوخت همکاری خود را آغاز و نوشتارهای آموزنده دینی پژوهشی و تاریخی بسیاری از آن روانشاد زینت بخش ماهنامه و مورد مطالعه خوانندگان قرار داشت .

ما هنامه پس از بر شمردن تاء لیفات رشید که جدا گانه آمده چنین مینویسد :

استاد شهردان بنا به شهرتی که بین دانشمندان ایران شناس جهان داشت در کنگره های جهانی دعوت می شد و با ایراد سخنرانی و ارائه نوشته های پژوهشگرانه خود ارزش دانشی خود را نشان می داد که میتوان کنگره های ابن سینا - بیرونی - فرهنگ ایران - تاریخ ایران - پایداری ایران و مهرشناسی را نامبرد. همچنین نامبرده به عضویت رسمی در انجمن جهانی ایران شناسی پذیرفته شده بود. این روانشاد دبیرخانه در راه آموزش تعالیم دینی و شناساندن فرهنگ و فلسفه پیرا ج "اشوزرتشت" می کوشید در این راه عاشق بی قرار و با زندگانی درویشی و فقیرانه تحقیقات خود را پی گیر بود.

از حیث اخلاق و رفتار بسیار فروتن و برخوردی مهرآمیز و فرشته مانند داشت ، نامبرده در این اواخر دچار بیماری قلبی شدیدی شده بود که بقرار آخرین نامه به یکی از دوستان، از رفتن و آمد به خارج از منزل منع شده بود. با این وصف آرزوی آن داشت که صحت مزاجی بوی فرصت دهد که با ردیگر به ایران و بمبئی بازگشت نموده دوازده جلد از اسناد تاریخی دست نویس زرتشتیان بزبان گجراتی گردآورده شده در انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی را

بررسی و مورد استفاده در نوشتارهای خود قرار دهد که متأسفانه
اجل او را امان نداد و سرانجام در با مداد روز ۲۱ آذر در آمریکا
به سن ۷۸ سالگی جان را بجان آفرین تسلیم و دوستان و دوستان را ن
خود را اندوهگین ساخت ، روانش شاد و نیکنامی اش جاودانه
درخشان باد .

سالهای آخر زندگی و پایان عمر

بنا بخواست یکی از فرهنگ دوستان چندبرگی درباره رشید و کارهایش نوشته شد که اینک بخشی از آنرا برای ثبت در این کارنامه و یادنامه بازنویس مینماید.

"بوی گل را از که جوئیم از گلاب"

درگذشت زمان، باید سالها بگذرد، مادری فرزندی بدنیا آورده و آن کودک نوزاد مردی زنی گزیده گردد تا نام او جاوید و اندیشه‌های تا بناکش رهنما و رهگشای با زماندگان و کردارش نیز انگیزه باشد تا دیگران پس از او از همان راهی بروند که او رفته است. خوشبختانه درباره شادروان رشید شهرمدان کسه در ۱۳۶۲/۹/۲۱ تن خاکیش بخاک پیوسته همه چیز گویاست، نوشته‌هایش، کتابهایش، کارهایش، گفته‌ها و سخنانش آن راستای کشیده‌اش، با آن لباس سپیدیکه می پوشید و... و... هنوز از یاد نرفته است و چهره‌اش که از روشنائی و درخشش ویژه برخوردار بود، بیننده را بسوی خود میکشاند. اگر بخواهد از این مرد و کارهای ارزنده‌اش گفتگو نماید باید با بداندازه نوشته و گفته‌ها و کرده‌هایش از نو چیز نوشت، که شخص نمیداند از کجا آغاز نماید و چنانچه در این مختصر کارنامه دیدید، کارهایش تا چه اندازه

وسعت دارد. بیاد می‌ورد که نامه‌ها و گفتارهایش را در ماهنامه هوخ که گویای گذشته‌های سرزمین و مردمش و زرتشتیان بود می‌خواندم و شهردان هرکجا، نوشته‌های خلافی می‌دید و لازم بود به پاس‌خوئی مستندی پرداخت و رد خلاف می‌نمود.

رشید از همان سال اولیکه هوخ پا گرفت اولین گفتارش را بنام :

"گوشه‌ای از اوضاع اجتماعی و تاریخ زرتشتیان در یک قرن اخیر" در شماره پنجم سال اول هوخ (۱۳۲۹) بچاپ رسانید و تا پایان زندگی هم از همکاری با رسانه‌های زرتشتی دست برنداشت.

کسانیکه با چاپ کتاب و روزنامه و مهنا مه سروکار دارند نوشته‌های او را بیگمان در هوخ - نامه فروهر (چه دوره‌های گذشته و چه کنونی) - مهنا مه، انجمن زرتشتیان تهران - چیستا - هفته نامه‌ها و ماهنامه‌های دیگر مانند مجله بررسیهای تاریخی - نامه‌های انجمن فرهنگ ایران باستان دیده‌اند و با خواندن نامه‌ها و نوشته‌ها بیش‌خود بخود به بزرگی اندیشه و کار او پی خواهند برد.

آن بهشتی روان نه تنها در بین زرتشتیان شناخته بود بلکه در بین دیگر برادران و خواهران که زرتشتی نبودند و ستاداران زیادی داشت که بیشتر دوستان فر و فرهنگ سرزمین ایران بودند و تا پیش از خاموش شدن چراغ زندگی شهردان همواره جويا و پسران

تندرستی و کامروائی‌اش بودند.

به خیلی‌ها که برمی‌خورید می‌گویند رشید با چه شور و دل‌بستگی در آئین سدره‌پوشی و بستن کشتی و کمر بند دینی همت و کوشش مینمود و فرزندان‌شان وسیله‌ا و سدره‌پوش شده‌اند اولین باری که او را دید در میدان فوزیه و شهنا زپیشین و اما محسن امروز بود و چون نگاره‌ا او را در کتاب فرزنانگان زرتشتی دیده بود و بیاد داشت و میدانست با نگیزه نوشتن گوشه‌هایی از تاریخ کرمان در ماهنامه هوست، می‌خواهد از دیدن نویسنده‌گی با من به گفتگو بپردازد. این بود که پیش‌رفته و گفتم آقای شهردان. که دیدم خودش است. در سال ۱۳۴۹ که به بمبئی رفته بودم سراغش را گرفتم در منزلش نبود و گفتند که برای پژوهش از بمبئی بیرون رفته است.

سفر بی با زگشت

پیش از آنکه به امریکای بدون با زگشتش در سال ۱۳۶۲ برود، روزی آقای کیخسرو خسرویانی راستی سرپرست چاپخانه راستی تلفن نمود که شهردان از بمبئی آمده و همین دوسه روزه، روانه امریکا است، چون میدانستم می‌خواهی او را به بینی، برای نیمروز بخانه‌ا ما می‌آید، شما هم بیا ئید تا هم دیداری تازه شود و هم اگر گفتگوئی دارید بنمائید.

و این دیدار آخرین بود.

کوتاه سخن آنکه رشیدرفت آمریکا، تا هم دیداری از فرزندان داشته باشد و هم تندرستی خود را با زیبا بدو هم توشه برای نوشته‌هایش فراهم سازد که سفرش بی با زگشت بود و اکنون بخشی از نامه‌هایش که گویای چگونگی اندیشه‌های دورود را زانوست برای آگاهی می‌آورد و چنانچه خواهد خواهد در آنجا هم با بیماری از اندیشه تاریخی زرتشتیان بدور نبود.

از بمبئی

بخشی از نامه ۱۳۶۱/۹/۱۹

"برادر! از عالم جویا باشید مسافرت بهند، برایم روزگار ناگوار پیش آورد که ذکرش موجب ملال است. خیال دارم پس از نوروز که نیروی تحلیل رفته بدنی بحال خود آید با زیبا بران برگردم. زیرا در بمبئی با پدپیر مردخانه نشین با شد و خدمتی از دستم بر نمی‌آید. برخی مردمانش کهنه پرست و اگر راست بگویم هنوز نادانند - با جناقم با هم ریشم مهر بان در دهنویک قطعه زمین را انفاق و آراگاه تشکیل داد که نخستین جنازه خواهرم با خانم و و بعد امدادم در آنجا دفن شدند و همه ساکنان آنجا که اغلب زرتشتی ایرانی هستند بمخالفت برخاستند. در چنین محیطی پیرمرد ضعیف البته نمی‌تواند مصدر کاری باشد. هنوز در ایران میشود خدماتی چه دینی، چه اجتماعی و چه فرهنگی انجام داد. نمیدانم نظریه شما چیست؟

...و...و... " درودگو رشید شهردان.

چنانچه در بالا خواندید و شیفته و دوستدار کار بود و اگر روزگاری نامه‌های دیگران را در فرزنانگان گردآوری نمود من نیز گوشه‌هایی از نامه‌های او را بر کتاب فرزنانگان زرتشتی می-افزایم مگر نه شهردان خود فرزانه و وارسته بود ؟ بدرستی او هم فرزانه بود و هم وارسته و درویش بتمام معنی.

از نامه ۱۴ اردیبهشت ۶۲ - از بمبئی.

"برادر - شادزی - پس از نامه قبلی سخت بیمار شدم، پوست و استخوان گشتم، با درد شدید کترهای امریکا و بمبئی درد را شناختند و دوی غلطی دادند، همینطور بیمارم، اما اندکی گوشت بدنم فراهم شده، پاها گج و راست می‌رود و ترس افتادن دارم. اینک از کار افتاده‌ام در بمبئی نیستم، بموجب سفارش دکتر، مرا به دهنو آوردند و دکتر گفت ریه آب آورده و سل هم به ریه اثر کرده جگر و کلیه خوب کار نمی‌کند یعنی تنبل است و پاها ورم دارد، گفت همه اینها در ۶ ماه خوب می‌شود باید مداوا مرتب باشد اینک سه ماه گذشته است و ماه دیگر باید بروم به بمبئی تا دوباره معاینه کند، از نوشتن و خواندن بازمانده‌ام. پسرم باید ماه دیگر بیاید که مرا بدکتر ببرد از مسافرت در قطار با ازدحام زیاد برایم مشکل است یعنی جای نشستن نیست باید ایستاده رفت و آنهم اگر کمی بمن تنه بزنند می‌افتم این است حال

من، دلم می‌خواهد دوباره بایران برگردم تا پسرم چکند مرا بفرستد یا خیر؟ در بمبئی نمیتوانم بمانم زیرا خانه ما در طبقه چهارم است که بالا رفتن برایم امکان ندارد باید در دهنو بمانم دعا کنید که باز بایران برگردم و... و... آزادتمند رشیدشهمردان"

از بمبئی ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۲

"برادر ارجمند، حالم روبه بهبودی است امید تا یکماه دیگر اگر پیشامدی رخ نکند تندرست گردم - برادر دره‌وخت اردیبهشت خود در مقاله خود از دستور آذرکیوان انتقاد و ستایر را باو نسبت دادید که جعل کرده گفتار پوردا و دراپیروی کرده اید - که درست نیست، چندین سده پیش از دستور آذرکیوان دساتیر وجود داشت خواهشمندم مقاله مرا در صفحات آخر فرزنانگان زرتشتی تحت عنوان قدمت دساتیر و دستور آذرکیوان را بدقت مطالعه فرموده مقاله خود را اصلاح فرمائید. مخصوصاً "موقعیکه در فکر انتشار همه مقالات می‌باشید... درودگو رشیدشهمردان"

برای آرامش روان رشید و آگاهی خوانندگان باید اضافه نمایم، آنچه را که در مقاله اشاره شده دره‌وخت اردیبهشت ۶۲ نوشته شده بشرح زیر بوده است:

"از شخص آذرکیوان اثر مهمی در دست نیست، ولی شاگردان و پیروان

زردشتی و مسلمان او ادبیات نسبتاً وسیعی بوجود آوردند و از آثار آنان، دساتیر، دبستان المذاهب، جام‌کیخسرو، شارستان، وزردست افشار معروفست. " (به نقل از فرهنگ مصاحب) بطوریکه دیده میشود دساتیر در اینجا مربوط به پیروان او گفته شده نه خود آذرکیوان.

نامه دیگر:

از آمریکا ۱۵ مرداد ماه ۱۳۶۲

پیش از آنکه بخشهایی از این نامه را بازگو نماید لازمست بآگاهی برساند در نامه که بایشان نوشته بودم، یادداشت‌هایی از کتاب سفرنامه کویرهای ایران را که وان سون هدن سوئدی نوشته بود برایش نوشته‌ام و از او درباره پاره‌ها از آنها پرسشهایی نموده بودم. نخست پرسشها را مینویسد و سپس پاسخ رشید را. جها نگر سوئدی که زمین شناس و معدن شناس و جغرافی دان هم بود چنین نوشته است:

۱- برخی جاهایی که امروز در کناره کویر نمک است پیش از این بندر و کناره دریا بوده است.

۲- آیا خاموشی آتش برخی آتشکده‌ها بویژه آذرگشسب آذربایجان تا چه اندازه درست است؟

۳- آیا درست است که هنوز آتش برخی آتشکده‌ها فروزانست؟

۴- سنگ نشانه‌ها ئیکه در کویر بین راه یزد و شمال خراسان در کویر نمک است چندتا را با اسم زرتشتیان می نامند چگونگی چیست ؟ و پرسشهایی بمانند اینها ، که بخشی از پاسخ رشید را بازنویس مینماید :

اکنون پاسخ : از آمریکا ۱۵ مرداد ماه ۱۳۶۲
 "دانشمند ارجمند آقای دکتر جهانگیر اشیدری شادزی. نامه
 ۱۳۶۲/۴/۴ شما را از هند برایم با مریکا فرستادند شاددم ، از
 اینکه سلامتی خود را با زیافته ام خوشحالم ولی متاء سفانه پسر
 مرا پس از ۱۵ روز با زیافتن سلامتی بزور با خود با مریکا آورد و
 گذاشت در بمبئی با دوستان و آشنایان هم دیدنی بنمایم . بنده
 در اینجا دلم بند نمیشود و همینکه موقعیت بدستم آید به هند
برگشته دنبال کار خود را میگیرم . اما راجع به نوشته جهانگرد
 سوئدی حقیقت را نوشته است . ایران و بویژه دریای نمک و کویر ،
 هزاران هزار سال دریا بوده و کم کم خشک شده حتی تبت که بلندترین
 نقطه سطح زمین است هنگامی ساحل دریا بوده است . در نوشته ام
 چندین روستای یزد زمانی بندر بوده است . آنچه را که نسبت به
 خاموشی آتشکده ها گفته اند حقیقت ندارد . در مورد آذرگشسب در
 کتاب پرستشگاها نوشته ام چند سده پس از ساسانیان خراب شده
 ولی آتش آن و ۲ آتش دیگر فارس و خراسان هنوز روشن است و

تحت نظر مغان (پیشوایان دینی) نگهداری میشود و آنان آنرا حفظ نموده‌اند - بنای آتشکده زرتشت در کوه ریوند خراسان بنای قدیمی کهنه دوره اشکانیان میباشد که آنهم مغان برای اینکه بنای آتشکده که در زمان ساسانیان ساخته شده و هنوز پا برجاست و بدست مغان است پی ببرند (آتشکده کوه ریوند) آنرا نشان داده‌اند. بنای مذکور نیز در خراسان است و هنگام زلزله اخیر چند سال پیش اندکی صدمه دیده که باز مغان آنرا تعمیر نموده‌اند.

سنگهای نشان شده در کویر از زرتشتیان است و زرتشتیان یزد در دوره‌های پیش کاروانی داشته‌اند و در خود خراسان و اطراف آن زرتشتیان بوده‌اند و در این مورد نیز اشاره‌ای در کتاب پرستشگاه ها شده است.

اینک نیز در خراسان زرتشتیان موجودند که خود را ظاهر نساخته‌اند (نویسنده - در این باره باید بیفزاید یکی از جوانان شورمند به نام کاویانی در گشت و گذارهای که در کویر داشته به یک چنین چیزی برخورد و او هم گفته شهردان را درباره زرتشتیانی که در دل کویر بوده و بآئین نیاکان اوستا میخوانند برایم بازگو نمود...) (۱)

رشید سپس نامه را چنین ادامه میدهد :

تازه^۶ در اینجا ندارم کسی را ملاقات نکرده تقریباً " زندانی خانه میباشم یک مقاله در مورد اشوزرتشت و اشتباه دیگران درباره همسرانش دوبار نوشته و برای ماهنامه هوخست فرستاده‌ام که گویا نرسیده است نمیدانم علت چیست ؟

رونوشت آنرا دوباره از آمریکا میفرستم و امیدوارم برسد و چاپ شود که بسیار مهم است . مقاله دیگر درباره^۶ پارسی پنچایت و انجمنهای هند است که میفرستم و امید که برسد . در مورد زرتشتیان نقاط شمال هند و خوارزم و هنگری مقالاتی در هوخست نوشته‌ام ارادتمند رشیدشهمردان."

درباره پارسی پنچایت باید بگویم در هوخست در دو شماره دی و اسفند ۱۳۶۲ پس از درگذشتش بچاپ رسید و گفتا ردیگر درباره همسر اشو زرتشت رسیده و بچاپ خواهد رسید . و بنا بر آن گفتار عده^۶ با اشتباه ، مادر اشیدرها و سیوشانس را از همسران اشو زرتشت دانسته اند که جداگانه مورد اقدام قرار میگیرد .

آخرین نامه^۶ دریافتی از شهمردان

از آمریکا بتاريخ ۱۳ مهر ۱۵ اکتبر ۱۹۸۳ " دانشمند ارجمند آقای دکتر جهانگیر اشیدری شاد و خرم باشید . نامه ۳/۵/۲۶ عرسید خوشحال شدم . وضع من در اینجا چنان است که در خانه محبوسم و سایل بیرون رفتن ندارم در اینجا همه کس باید ماشین داشته

باشد و سائل ارتباطی عمومی ندارد (باید بیفزاید جای سکونت شهردان در محلی بوده که وسائل و خودروهایی کمتر در دسترس بوده است) افزون بر این بواسطه حمله قلبی از پیاده رفتن بکلی باز مانده ام. پسر هم مدتی است در اینجا نیست بمسافرت رفته است و گرفتار است. همینکه کارم درست شد از اینجا حرکت میکنم اگر من برای چند روز با ایران بمانم که یادداشت های خودم را با کتابهای لازم ام بردارم و بروم که زحمتی فراهم نمیشود ؟

مانکی صاحب هنگام اقامت در ایران نامه های زیادی با نجم پاریسیان نوشته که همه آنرا در ۱۲ جلد دفتر بزرگی بخط شکسته گجراتی ضبط نموده اند و آن در دفترانجم بمبئی بود و چون در آن هنگام بواسطه حمله قلبی سخت مریض بودم و سپس برای شرکت در کنگره ایران شناسی سال ۱۳۵۰ با ایران دعوت شدم مطالعه آن بدنبال افتاد. اینک خیال دارم اگر توفیقی بدست آمد و کمک مالی رسید بوسیله یک نفر از هندوان پیر خارج از بمبئی که خط شکسته گجراتی را میتواند بخواند آنرا بررسی و چنانچه مطالبی داشته باشد ترجمه برای شما بفرستم که در انتشار آن اقدام نمائید (نویسنده - از علاقه مندان مقیم بمبئی میخواهد که این خواست رشید را جنبه عمل ببوشانند و گوشه هایی از تاریخ تاریک زرتشتیان را آشکار سازند) تازه در اینجا ندارم زیرا کسی رانمی بینم و

زرتشتیانی که در سا نفرانسیسکوه هستند همه بخود مشغولند و کسی بیاد این درویش نیست امیدوارم فوری جواب بنویسید که به تهیه حرکت با ایران مشغول شده و از آنجا به بمبئی بروم پس از احوالپرسی از حال دوستان مینویسد :

اینک نیز فشار بر قلب زیاد شده و از کار بازمانده ام فقط اوستا میخوانم درودگو رشیدشهمردان منتظر جواب فوری میباشم. " باری پاسخ ایشان را داده و از او خواسته شد تا هرچه زودتر به ایران بیاید تا نوشته ها و یادداشتهايش را گردآوری و برود بمبئی و با خواندن دفترمانکجی وسیله هندوی پیرا زهای دیگری از تاریخ را بروی نسل بعدی بگشاید که از بخت و شانس بد، نه پاسخی رسیده خودش آمد، جز اینکه در یکی از روزهای آذر ماه ۱۳۶۲ آقای کیخسرو راستی (خسرویانی) با اندوه تلفن نمود که رشید هم به مینوشتافت، یادش بیاد و روانش شاد باد. اگر اینجا بخشهایی از نامه های او با زکوشد برای آن بود که خواستم شما خواننده گرامی نیز از آخرین ماهها و روزهای زندگی او آگاه باشید که آن نویسنده و پژوهشگر پرکار و دلبسته به سرگذشت نیاکان، تا چه اندازه آخرین روزهای زندگی را در غربت با بیماری دست بگریبان بود و در سر چه آرزوهای دور و درازی می پروراند ؟ زیرا پس از این همه دوندگی و پژوهش با نداشتن بنیه جسمی و مالی

باز هم میخواست برگهائی بر حدود ۳۳ جلد کتاب و صدها نوشته و مقاله و سخنرانی خود بیفزاید که مهلت نیافت امید بآن کسانی که در تهران و یزد و کرمان و شیراز، بمبئی و هند و پاکستان و اروپا و آمریکا، دنبال کار او را بگیرند.

بجاء آن میتوان گفت رشید خود هم فرزانه بود که باید نامش در ردیف بهترین و ارزشمندترین فرزندان قرار گیرد.

آری اگر با ذکر آخرین روزهای رشید شما ای خواننده دوستدار را، ناراحت نمود، خواهی بخشید، این بود پایان زندگی مردی که در تلاش شبانه روزی، دنبال گمشده های تاریخ زرتشتیان بود. روانش شاد باد.

اسامی دشمنانیکه پیش از چاپ خریداری نموده اند

نام و نام خانوادگی	تعداد جلد	بنا مگانه
آقای دکتر مهربان بختیاری	۵۰۰	آمرزیده روان پدرم شاهویر بختیاری کوچه بیگی
آقای دکتر ارشد شیرخرمی	۷۰	آمرزیده روانان کتابیون فرود رستم و همسر شاهروانش مهربان رستم راحتی نژاد
آقای کیخسرو خسرویان راستی	(۵	آمرزیده روانان
آقای بهرام خسرویان	(۵	فرود مهربان و
آقای جهانگیر خسرویان	(۵	شیرین بهرام
آقای جمشید خسروانی فرد	(۵	خسرویان
		رحمت آبادی
آقای اسفندیار فرودیان	۵	آمرزیده روانان رستم مهربان فرود و شهریار اسفندیار

اسامی دهشمندانی که پیش از چاپ خریداری نموده‌اند

نام و نام خانوادگی	تعداد جلد	بنا مگانه
آقای اردشیر فرهمندی کرمانی	۳	
آقای کیخسرو ظهرا بی	۲	آمرزیده روان شاه بهرام ظهرا بی
آقای شاپور فرهمندی	۲	
آقای جهانگیر افشاری	۲	آمرزیده روانان بهرام جهانگیر و دولت بهمر دافشاری
خانم ایراندخت رشید افشاری	۲	آمرزیده روانان رشید جهانگیر و شیرین اردشیر افشاری
آقای جهانبخش زاده		آمرزیده روانان آذرباد و خورشید جهانبخش زاده
آقای مهندس رستم پاریکی	۱	خانه فیروزه و بهرام